



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آزمون بصیرت



حماسه می ۹ دی

موضوع: روایت حضرت آیت الله العظمی خاتمی حاشیه بر سینه امیر بهمن معظم انقلاب اسلامی ایران

صفحه‌های ۹ تا ۱۱

ویرایش: حیوانات، ۸ بهمن ۱۳۸۷ هـ. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حماسه ی ۹ دی : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ی حماسه ی ۹ دی و گزارش حوادث ۸ ماه فتنه ی ۸۸

نویسنده:

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	حماسه ی ۹ دی : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ی حماسه ی ۹ دی و گزارش حوادث ۸ ماه فتنه ی ۸۸ --- ۱۸
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۴	مقدمه
۳۶	فهرست مطالب
۵۶	بخش اول انفجار نور و تقابل با ظلمت
۵۶	اشاره
۵۸	نتیجه ی پیروزی انقلاب اسلامی؛ تحوّل ژرف در ارتباطات بین المللی
۵۹	دلایل خشمگین بودن استکبار از نظام جمهوری اسلامی
۶۰	خشم مستکبران از انتشار هیجان انقلاب اسلامی
۶۲	اشتباه آمریکاییها در تحلیل حوادث منطقه و ایران
۶۳	برافراشتن پرچم اسلام؛ دلیل مخالفت استکبار با انقلاب اسلامی
۶۵	مقابله ی انقلاب اسلامی با سلطه گری و استعمار
۶۶	بغض آمریکاییها از ملت و نظام اسلامی ایران
۶۶	علل تشدید دشمنیهای استکبار با جمهوری اسلامی
۶۶	اشاره
۶۶	الف) پیشرفتهای جمهوری اسلامی
۶۷	ب) زنده شدن شعارهای انقلاب
۶۷	ج) بیداری اسلامی
۶۸	حضور همیشگی آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی
۷۱	تاریخ دشمنیها
۷۳	اجمالی از تهدیدها و برنامه های دشمن
۷۶	بخش دوم روزشمار حماسه ها و فتنه های سال ۸۸

۷۶ اشاره
۷۸ فروردین ماه
۷۸ یادآوری
۷۹ بیانات
۷۹ هشدار درباره ی خدشه ی بعضی افراد در سلامت انتخابات
۷۹ مخفی بودن رأی رهبر
۸۰ اردیبهشت ماه
۸۰ یادآوری
۸۰ بیانات
۸۰ دنباله روی برخی ناسپاسها از دشمن در خدشه کردن به سلامت انتخابات
۸۲ اهداف شوم دشمن نسبت به انتخابات
۸۳ انتخابات؛ آبروی ملی ما و وسیله ای برای عزت ملی
۸۳ مسأله ی اول؛ شرکت در انتخابات
۸۴ خرداد ماه
۸۴ یادآوری
۸۶ بیانات
۸۶ هجوم تبلیغاتی دشمن برای مخدوش کردن چهره ی انتخابات
۸۷ هدف دشمن از تخریب انتخابات؛ از بین بردن پشتوانه ی مردمی نظام
۸۷ ضرورت پرهیز طرفداران نامزدهای ریاست جمهوری از درگیری
۸۸ لزوم پرهیز نامزدها از ایجاد دشمنی با یکدیگر
۸۹ تأکید بر مخفی بودن رأی رهبر
۸۹ تشکر از حضور پرشور و عقلانی طرفداران نامزدها در ایام تبلیغات
۹۰ اهمیت امنیت انتخابات
۹۰ ضرورت باور نکردن شایعات در امر انتخابات
۹۱ جشن واقعی به خاطر ثبت نصاب تازه از مشارکت در انتخابات
۹۱ ثابت شدن صلابت ایران با حضور پرشور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد

- تبریک پیروزی ملت در انتخابات و دعوت به شکرگزاری این نعمت ۹۱
- لزوم حفظ هوشیاری در برابر توطئه های دشمن در شبه ی پس از انتخابات ۹۲
- تشکر از نقش آفرینان در خلق حماسه ی انتخابات ۹۲
- تضرع به درگاه الهی و استمداد از امام زمان (علیه السلام) ۹۳
- پیام حضور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۹۳
- تذکر به یکی از نامزدهای معترض ۹۳
- یکی بودن طرفداران همه ی نامزدها در اعتقاد به نظام ۹۴
- ضرورت حراست از اتحاد ملی با وجود اختلاف سلیق سیاسی ۹۵
- وظیفه ی همه ی نامزدها و طرفداران در مقابله با ایجاد دشمنی ۹۶
- لزوم پیگیری اعتراضات از مجاری قانونی ۹۶
- اعتماد رهبری به مسؤولان انتخابات در همه ی دوره ها ۹۷
- ضرورت صیانت از افتخار بین المللی انتخابات با چهل میلیون رأی ۹۷
- وظایف طرف پیروز و طرف مغلوب در انتخابات ۹۸
- وجود دستهایی برای خرابکاری و اختلاف افکنی بین طرفداران نامزدها ۹۹
- وظیفه ی همگان در اعلام موضع صریح نسبت به اغتشاش آفرینان ۱۰۰
- لزوم پرهیز طرفداران نامزد پیروز و مغلوب از عصبانی کردن طرف مقابل ۱۰۱
- تأکید بر حفظ هویت جمعی کشور و ملت ۱۰۱
- سه مطلب خطاب به سه دسته ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
- مطلب اول خطاب به مردم عزیز ۱۰۲
- تشکر از ملت برای نمایش روح مشارکت و دلبستگی به نظامشان ۱۰۲
- شور و شعور نسل جوان در انتخابات سال ۸۸ ۱۰۳
- تعهد جمعی مردم برای حفظ نظام و کشور با وجود اختلاف سلیق ۱۰۳
- انتخابات ۸۸؛ زلزله ی سیاسی برای دشمن و جشن برای دوستان ۱۰۴
- انتخابات ۲۲ خرداد؛ نشانه ی اعتماد و امید مردم ۱۰۴
- خسارت عظیم تضعیف اعتماد مردم به نظام ۱۰۵

- شروع خط فتنه ی تقلب از پیش از انتخابات ۱۰۵
- گوش نکردن برخی نسبت به هشدار درباره ی نقشه ی دشمن ۱۰۶
- رقابتهای انتخاباتی ۸۸؛ رقابتهای جدی و میان جریانهای معتقد به نظام ۱۰۶
- جهات مثبت و منفی مناظره ها و رقابتهای ۱۰۸
- مأجور بودن همه ی مردم در خلق حماسه ای تاریخی در انتخابات دهم ریاست جمهوری ۱۱۳
- ممکن نبودن تقلب گسترده با وجود سازوکارهای قانونی انتخابات ۱۱۳
- نپذیرفتن بدعتهای غیرقانونی برای مصونیت پیدا کردن انتخابات آینده ۱۱۴
- ضرورت پیگیری اعتراضات از راههای قانونی ۱۱۴
- مطلب دوم خطاب به سیاسیون، نامزدها و احزاب ۱۱۵
- ضرورت دقت در رفتار و در نظر گرفتن موقعیت حساس کشور ۱۱۵
- مسئولیت هرج و مرجها و خونها بر عهده ی نخبگان سیاسی قانون شکن ۱۱۵
- وظیفه ی نخبگان سیاسی؛ در دیدن چهره ی بی نقاب دشمنان ۱۱۶
- یادآوری آخرین وصایای امام (قدس سره) مبنی بر فصل الخطاب بودن قانون ۱۱۶
- فلسفه ی انتخابات؛ حل شدن اختلافات سر صندوق رأی نه کف خیابان ۱۱۶
- لزوم دقت نسبت به سوء استفاده ی تروریستها از تجمعات خیابانی ۱۱۷
- دلخون شدن از حمله به جوانان دانشجوی مؤمن ۱۱۷
- ضرورت پایان دادن به زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات ۱۱۸
- تسلیم نشدن نظام در برابر حرکات خیابانی و مطالبات غیرقانونی ۱۱۸
- دعوت سیاسیون معترض به تفاهم و رعایت قانون ۱۱۸
- مطلب سوم خطاب به سران استکبار ۱۱۹
- تحلیل رفتارهای متفاوت مستکبران قبل از انتخابات و بعد از آن ۱۱۹
- نجوایی با امام زمان (علیه السلام) ۱۲۱
- تیر ماه ۱۲۲
- یادآوری ۱۲۲
- بیانات ۱۲۳
- موافقت با درخواست شورای نگهبان برای تمدید مدت رسیدگی به شکایات ۱۲۳

- ۱۲۵ ----- موفقیت نسبی دشمن در تبدیل پیروزی انتخابات به اختلاف
- ۱۲۵ ----- رقابت بین نامزدهای ریاست جمهوری؛ یک رقابت درون خانوداگی
- ۱۲۶ ----- اخطار به مداخله جویی دشمنان در امور ایران
- ۱۲۶ ----- متحد شدن ملت در صورت مداخله ی دشمنان
- ۱۲۶ ----- اختلاف افکنی؛ هدف دشمن در حمایت از برخی جریانات سیاسی
- ۱۲۷ ----- دشمنی دشمنان با همه ی جریانهای معتقد به قانون اساسی
- ۱۲۷ ----- هدف اصلی دشمنان؛ بازگرداندن ایران به دوران پهلوی
- ۱۲۷ ----- نتایج منفی رفتارهای خصمانه برای دشمنان
- ۱۲۸ ----- اخطار به دنباله های داخلی دشمنان
- ۱۲۹ ----- توصیه ای به ملت ایران برای شناخت دوست نادان از دشمن
- ۱۲۹ ----- تمام شدنی بودن فتنه ها و باقی ماندن حضور چهل میلیونی مردم
- ۱۳۰ ----- وظیفه ی رئیس جمهور منتخب؛ شکر مردم
- ۱۳۰ ----- وفاداری ملت خوب ایران
- ۱۳۱ ----- عبرت انتخابات ۸۸؛ غفلت از دشمن در کمین
- ۱۳۱ ----- رسانه ها و دستگاههای اطلاعاتی استکبار؛ اصلی ترین عناصر دشمنان استقلال ملتها
- ۱۳۲ ----- صدور دستورالعمل اغتشاش از سوی دشمنان
- ۱۳۲ ----- انزجار مردم از اغتشاشگران و هدایت کننده های آنها
- ۱۳۳ ----- امنیت؛ عامل مورد نیاز برای رسیدن به اهداف ملت
- ۱۳۳ ----- نخبگان؛ سر جلسه ی امتحان
- ۱۳۴ ----- مرداد ماه
- ۱۳۴ ----- یادآوری
- ۱۳۴ ----- اشاره
- ۱۳۵ ----- اقدامات میدانی دشمنان برای تبدیل جشن بزرگ ملی به اغتشاش
- ۱۳۶ ----- نبود بصیرت؛ عامل ضربه پذیری از دشمن
- ۱۳۷ ----- اشتباه دشمن در شبیه سازی کاریکاتوری از انقلاب اسلامی ۵۷
- ۱۳۷ ----- شکست دشمن در فریب دادن ملت ایران با مسجد ضرار

- قبولی ملت و مردودی برخی از خواص در امتحانهای انتخابات ۱۳۷
- ضرورت توجه رئیس جمهور منتخب به مخالفان عصبانی و منتقدان ۱۳۸
- لزوم شناسایی آسیب دیدگان پس از انتخابات و حمایت از آنها ۱۳۹
- ضرورت بالا بردن بصیرت ۱۳۹
- نبود بصیرت در بین لشگریان؛ علت سختی کار امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۳۹
- احتمال خطاهای بزرگ در صورت نبود بصیرت ۱۴۰
- از وظایف مهم نخبگان و خواص؛ تبیین بی تعصب حقایق ۱۴۱
- تبیین حقیقت؛ از کارهای مهم جناب عمار در جنگ نرم ۱۴۱
- تأسف از بی بصیرتی برخی از نخبگان ۱۴۲
- وظیفه ی جوانان؛ مطالعه و تحقیق برای از بین بردن بی بصیرتی ۱۴۲
- شهریور ماه ۱۴۳
- یادآوری ۱۴۳
- بیانات ۱۴۴
- دستور برای برخورد با متخلفان در ماجرای کوی دانشگاه و کهریزک ۱۴۴
- غفلت برخی از ظلم عظیم به نظام و توجه به ظلم به برخی از افراد ۱۴۵
- برنامه ریزی درازمدت دشمن برای آشوبهای پس از انتخابات ۱۴۵
- اشتباه دشمن در تحلیل وقایع پس از انتخابات ۱۴۶
- تأثیر میزان هوشیاری در کم شدن صدمات فتنه ۱۴۶
- حمایت رهبر از نقاط قوت رئیس جمهور نه نقاط ضعف ۱۴۷
- دانشجویان؛ افسران جنگ نرم ۱۴۸
- لزوم دور بودن فضای علمی کشور از تشنج ۱۴۸
- متوقع نبودن ورود برخی از خواص در فتنه ۱۴۹
- متوقع بودن فتنه و دشمنی دشمنان ۱۴۹
- اساتید دانشگاه؛ فرماندهان جنگ نرم ۱۵۰
- دمیدن امید؛ مهمترین وظیفه ی استاد شایسته ی انقلاب ۱۵۰
- فتنه؛ رزمایشی برای شناخت نقاط ضعف خودمان ۱۵۱

- ۱۵۲ مهمترین وظیفه ی اهل فرهنگ در شرایط فتنه؛ تبلیغ و تبیین
- ۱۵۴ استقبال نظام از انتقادهای در چهارچوب اصول
- ۱۵۵ بنای نظام بر جذب حداکثری و دفع حداقلی
- ۱۵۵ لزوم پذیرش حق نظام در دفاع از خود
- ۱۵۵ برخورد با گروههای معارض با اصول در همه ی کشورهای جهان
- ۱۵۶ ضرورت مراقبت صاحبان قدرت از انحراف و فسادپذیری خود
- ۱۵۷ لزوم مراقبت از یکدیگر در برابر انحراف و لغزش
- ۱۵۸ نگرانی مسلمانان جهان از بلوهای بعد از انتخابات
- ۱۵۹ ضرورت پرهیز از تفرقه افکنی در اجتماعات روز قدس
- ۱۵۹ انتخابات ۸۸؛ اثبات کننده ی جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی
- ۱۶۱ واکنش ناجوانمردانه ی فتنه گران در برابر حرکت عظیم مردم
- ۱۶۱ ضرورت شکرگزاری عملی نسبت به نعمت حضور حماسی مردم
- ۱۶۲ غلط بودن شکل گرفتن فضای سوءظن و بدگمانی در جامعه
- ۱۶۴ مهر ماه
- ۱۶۴ یادآوری
- ۱۶۴ بیانات
- ۱۶۴ برنامه ریزی بلندمدت دشمن برای بلوهای بعد از انتخابات
- ۱۶۴ اشتباه برخی از خواص؛ سکوت در دوران فتنه
- ۱۶۵ لزوم پرهیز خبرگان از معرفی نمایندگان مخالف نظر اعضا
- ۱۶۶ وظیفه ی همگان بخصوص جوانان در افزایش بصیرت
- ۱۶۶ خوشحالی یا خشم دشمن؛ ملاک غلط یا صحیح بودن یک حرکت
- ۱۶۷ آبان ماه
- ۱۶۷ یادآوری
- ۱۶۷ بیانات
- ۱۶۷ اشاره
- ۱۶۸ ضرر فضای جنجالی و دور از منطق

- ۱۶۹ ----- زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم نامزدهای متمرد معترض
- ۱۷۰ ----- هشدار داده شده به نامزدهای معترض نسبت به عواقب شروع اعتراضات
- ۱۷۱ ----- جرم نامزدهای معترض؛ زیر سؤال بردن انتخابات و مواجه کردن عده ای از مردم با نظام
- ۱۷۱ ----- دست برداشتن آمریکا از اقدامات گذشته؛ شرط عادی شدن روابط
- ۱۷۱ ----- استحکام جمهوری اسلامی در برابر فتنه ها
- ۱۷۲ ----- آذر ماه
- ۱۷۲ ----- یادآوری
- ۱۷۳ ----- بیانات
- ۱۷۳ ----- بدبین کردن مردم و اختلاف افکنی؛ از ابزارهای جنگ نرم
- ۱۷۳ ----- بصیرت؛ مهمترین عنصر در دوران فتنه
- ۱۷۴ ----- اصرار بر یکی شدن آحاد ملت در برابر مخالفان با اصل انقلاب
- ۱۷۴ ----- ضرورت پرهیز از ایجاد اختلاف و شایعه پراکنی نسبت به مسؤولان
- ۱۷۵ ----- اولین اقدام فتنه گران؛ ایجاد تردید در کار مسؤولان انتخابات
- ۱۷۵ ----- بیهوده بودن اقدامات مواجه کنندگان با ملت و نظام
- ۱۷۶ ----- ضرورت دقت در بکار بردن عنوان منافق و ضد ولایت فقیه
- ۱۷۶ ----- سختی فضای غبارآلود برای امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۷۷ ----- ضرر تردید خواص در حوادث
- ۱۷۷ ----- فلسفه بافی نامزدهای قانون شکن برای اقدامات غلط خود
- ۱۷۸ ----- نقش نامزدهای مغلوب معترض در غبارآلود کردن فضای جامعه
- ۱۷۹ ----- تعجب از متنبه نشدن نامزدهای معترض پس از انجام اغتشاشات به نام آنها
- ۱۸۱ ----- لزوم عبرت آموزی نامزدهای قانون شکن از ریزشهای زمان امام (قدس سزه)
- ۱۸۱ ----- اصرار نامزدهای متمرد بر فاصله گرفتن از نظام
- ۱۸۲ ----- پیروزی حتمی ملت مؤمن ایران بر چالشها
- ۱۸۲ ----- بیداری دانشگاه در دوران فتنه
- ۱۸۳ ----- ضرورت حفظ آرامش و حلم در برابر اهانت به حضرت امام (قدس سزه)
- ۱۸۴ ----- ریشه دارتر شدن روزافزون انقلاب

- دی ماه ----- ۱۸۴
- یادآوری ----- ۱۸۴
- بیانات ----- ۱۸۵
- علت ماندگاری ۹ دی ----- ۱۸۵
- نقش اراده و مجاهدت در شاخص شدن ۹ دی ----- ۱۸۶
- اهمیت مضاعف ۹ دی در دوران غبارآلود فتنه ----- ۱۸۶
- دست خدا و روح حسین بن علی (علیه السلام) در شکلگیری نه دی ----- ۱۸۷
- نقش عمار در جنگ صفین ----- ۱۸۸
- الگو گرفتن از عمار برای شناخت جریانهای فتنه ی ۸۸ ----- ۱۸۹
- بیداری ملت؛ رمز ماندگاری ۹ دی و انقلاب ----- ۱۹۰
- ترس دشمن از انتشار پیام انقلاب اسلامی ----- ۱۹۱
- راهپیمایی نه دی؛ پاسخ به نیاز لحظه ----- ۱۹۱
- بهمن و اسفند ماه ----- ۱۹۲
- نقش ایمان در خلق حماسه ی ۹ دی ----- ۱۹۲
- قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی آفرین ایران در راه پیمایی ۲۲ بهمن ----- ۱۹۴
- نقش علما در شکلگیری حماسه ی ۹ دی و بیست و دوم بهمن ۸۸ ----- ۱۹۵
- بخش سوم بیانات سال ۸۹ درباره ی فتنه و حماسه ی نه دی ----- ۱۹۶
- اشاره ----- ۱۹۶
- حضور میلیونی ملت در پای صندوقهای رأی؛ عامل شکست نقشه ی دشمن ----- ۱۹۸
- خشونت بعد از انتخابات؛ از نقشه های دشمن برای شکست حکومتها ----- ۱۹۹
- نهم دی و ۲۲ بهمن ۸۸؛ قویترین و آخرین ضربه بر فتنه ----- ۲۰۱
- نه دی؛ عامل تقویت جمهوری اسلامی ----- ۲۰۲
- نقش تقوا در آسیب ناپذیر شدن ملت ----- ۲۰۲
- عفو فریب خوردگان فتنه ----- ۲۰۳
- ضربه ی سخت فتنه ۸۸ به کشور ----- ۲۰۵
- واکسینه شدن کشور با گذر از فتنه ی ۸۸ ----- ۲۰۵

- ۲۰۵ ----- سخنان دلسردکننده ی برخی از خواص تأثیرپذیر از تبلیغات دشمن
- ۲۰۶ ----- شروع فتنه ها از مخلوط شدن باطل با حق
- ۲۰۷ ----- کافی نبودن بصیرت برای موفقیت
- ۲۰۸ ----- فریب خوردن برخی در جریان فتنه
- ۲۰۹ ----- جوانان؛ در خطّ مقدّم مقابله ی با فتنه ها
- ۲۰۹ ----- تسخیر ایران؛ توطئه ی بزرگ در پس فتنه ی سال ۸۸
- ۲۱۰ ----- کسب توانایی تازه توسط ملت ایران بعد از پیروزی در فتنه
- ۲۱۰ ----- رسالتهای ملی و جهانی ملت ایران
- ۲۱۱ ----- توطئه ها برای مقابله با جهانی شدن پیام جمهوری اسلامی
- ۲۱۱ ----- نُهَم دی؛ مشّت محکم به دهان فتنه گران
- ۲۱۲ ----- خودجوش بودن نُه دی؛ دلیل هوشیاری مردم
- ۲۱۲ ----- پیام ۹ دی برای دشمنان
- ۲۱۲ ----- گناه بزرگ فتنه گران؛ امیدوار کردن دشمن برای نفوذ
- ۲۱۳ ----- پیروزی ملت ایران در هشت ماه جنگ نرم سال ۸۸
- ۲۱۳ ----- نُه دی؛ از موارد جلب رحمت الهی
- ۲۱۴ ----- دست قدرت الهی؛ عامل خنثی شدن فتنه ی ۸۸
- ۲۱۴ ----- روشن نشدن زوایای پنهان فتنه ی ۸۸
- ۲۱۴ ----- گناه نامزدهای قانون شکن؛ خودداری نکردن از بازی در زمین دشمن
- ۲۱۴ ----- طزّاحی دشمن برای از بین بردن دین و نظام با شبیه سازی از انقلاب
- ۲۱۵ ----- تقویت انقلاب و دین؛ جایزه ی پیروزی ملت در امتحان فتنه
- ۲۱۶ ----- درسهای امتحان فتنه
- ۲۱۶ ----- ضرورت بیداری همگانی و فریب نخوردن از پیروزها
- ۲۱۷ ----- نُه دی؛ یوم الله به معنای حقیقی کلمه
- ۲۱۸ ----- بخش چهارم: بیانات سال ۹۰ تا ۹۲ درباره ی فتنه و حماسه ی نُه دی
- ۲۱۸ ----- اشاره
- ۲۲۰ ----- حضور مردم و آرزوهای خام دشمن در سالهای ۷۸، ۸۶ و ۸۸

- ۲۲۱ اعتماد مردم به نظام؛ علت حضور مردم در نه دی
- ۲۲۳ اراده و حضور مردم؛ عامل پیروزی نظام بر چالشها
- ۲۲۳ شکست فتنه با حضور بی نظیر مردم در نه دی
- ۲۲۴ دست خدا در به میدان آمدن مردم در نه دی
- ۲۲۴ روح دیانت حاکم بر دل‌های مردم؛ نکته ی اساسی نه دی
- ۲۲۵ مردم و ایمان دینی مردم؛ حلال تمام مشکلات
- ۲۲۶ احساس وظیفه ی دینی و عمل صالح؛ دو علت حماسه ی نه دی
- ۲۲۷ نه دی؛ برهم ریزنده ی برنامه های گسترده دشمن
- ۲۲۷ ضرورت گرامیداشت و حفظ نه دی
- ۲۲۷ لزوم پرهیز از غلبه دادن جنبه های شعاری بزرگداشت نه دی
- ۲۲۸ نه دی و انقلاب؛ مرهون عاشورا
- ۲۲۸ رأی نیابوردگان سال هشتاد و هشت؛ عبرت تمام نامزدهای انتخابات
- ۲۲۹ شرکت پرشور مردم در انتخابات سال ۹۰؛ نشان از اعتماد مردم به نظام
- ۲۲۹ اعلام انزجار نکردن نامزدهای متمرّد از اغتشاشات؛ عامل طولانی شدن فتنه
- ۲۳۰ ضرورت همدلی و همراهی قوای مختلف با هم
- ۲۳۱ تبدیل شدن انتخابات به مظهر اختلافات در سال ۸۸
- ۲۳۱ از نقشه های دشمن برای سرد کردن انتخابات؛ ایجاد مشکلات امنیتی و سیاسی
- ۲۳۲ دخالت آمریکا و پشتیبانی از فتنه گران سال ۸۸
- ۲۳۲ تمکین نکردن در برابر قانون؛ عامل ایجاد حوادث سال ۸۸
- ۲۳۳ سازوکار مستحکم انتخابات
- ۲۳۳ راه اساسی برای پیشگیری از مشکلات انتخاباتی؛ التزام به قانون
- ۲۳۵ خسارت کشور در سال ۸۸ به خاطر تخلف از قانون
- ۲۳۶ نعمت بزرگ تمکین به قانون
- ۲۳۷ حضور چشمگیر مردم در ۹ دی؛ نشانه ی علاقه ی اکثر مردم به نظام
- ۲۳۸ عدم تبعیت از قانون؛ سبب لطمه دیدن کشور در سال ۸۸
- ۲۳۹ هیجان همراه با بددهنی در دوران تبلیغات انتخابات ۸۸

- تلخکامی مردم پس از انتخابات ۸۸؛ ناشی از مخالفت با قانون ۲۳۹
- القای شبهه در سلامت انتخابات؛ عامل سرشکستگی نامزدهای قانون شکن در ملأعلی ۲۴۰
- تبدیل فرصت جابجایی دولتها به تهدید در سال ۸۸ ۲۴۲
- خلط مسائل اصلی و فرعی در قضایای سال ۸۸ ۲۴۲
- ایمان درست، بصیرت و عمل؛ عامل نزول نصرت الهی ۲۴۳
- بخش پنجم بیانات سال ۹۳ و ۹۴ درباره ی فتنه و حماسه ی نه دی ۲۴۶
- اشاره ۲۴۶
- تلاش دشمنان برای فراموش شدن نه دی ۲۴۸
- حضور نسل سوم انقلاب در نهیم دی ۲۵۰
- گناه بزرگ نامزدهای متمدن؛ ایجاد اختلاف ۲۵۰
- نداشتن تقوای جمعی؛ عامل لغزیدن فتنه گران ۲۵۲
- لزوم پرهیز تشکلهای دانشجویی از عناصر فتنه ۲۵۲
- طرفداری آمریکا از فتنه ی داخلی ۲۵۳
- ویژگی لغزیدگان سال ۸۸؛ نداشتن بصیرت عمیق ۲۵۴
- بصیرت؛ از ویژگیهای ضروری یک بسیجی ۲۵۵
- گله از تشکیک کنندگان در سلامت انتخابات ۲۵۷
- مقصود از حق التماس بودن انتخابات ۲۵۸
- اشاره ۲۵۸
- الف) حق داوطلب ۲۵۸
- ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح ۲۵۸
- ج) امانتداری از آرای مردم ۲۵۹
- د) پذیرش نتیجه ی قانونی انتخابات ۲۵۹
- ه) رعایت حق در تهیه ی فهرستهای انتخاباتی ۲۶۰
- و) اعتماد کردن مردم به مجموعه های مورد اعتماد ۲۶۰
- حرف آخر ۲۶۱
- انقلاب اسلامی ایران؛ تنها انقلاب پایدار ۲۶۱

- ۲۶۱ ----- توطئه های گسترده دشمنان برای از بین بردن انقلاب اسلامی
- ۲۶۲ ----- اغتشاشات سال ۸۸؛ از ابتکارات آمریکایی ها برای از بین بردن انقلاب
- ۲۶۳ ----- فتنه ی سال ۸۸؛ یک کودتای رنگی ناموفق
- ۲۶۳ ----- حمایت رئیس جمهور آمریکا از آشوبگران در سال ۸۸
- ۲۶۴ ----- وظیفه ی همگان برای حفظ ماندگاری انقلاب
- ۲۶۶ ----- فهرست آیات
- ۲۶۷ ----- فهرست روایات و ادعیه
- ۲۶۸ ----- نمایه ی موضوعات
- ۲۸۰ ----- اشخاص، اماکن، دولتها و...
- ۲۸۶ ----- درباره مرکز

**حماسه ی 9 دی : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی
درباره ی حماسه ی 9 دی و گزارش حوادث 8 ماه فتنه ی 88**

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : حماسه ی 9 دی [کتاب]: مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ی حماسه ی 9 دی و گزارش حوادث 8 ماه فتنه ی 88/ [به کوشش] دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی). .

مشخصات نشر : تهران : انتشارات انقلاب اسلامی ، 1396.

مشخصات ظاهری : 246 ص. ؛ 21/5×14/5 س.م.

شابک : 130000 ریال 7-85-2951-964-978 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ سوم)

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : بالای عنوان: آزمون بصیرت.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- دیدگاه درباره انتخابات

موضوع : Khamene'i, Sayyed Ali, Leader of IRI, 1939 -- Views on elections

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- دیدگاه درباره فتنه و فتنه انگیزی.

موضوع : Khamenei, Ali, Leader of IRI -- Views on sedition

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech

موضوع : ایران -- سیاست و حکومت -- 1388

موضوع : Iran -- Politics and government -- 2009

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1388-

شناسه افزوده: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مد ظله العالی)

رده بندی کنگره: DSR1692/ف2 ح8 6931

رده بندی دیویی: 4480/559

شماره کتابشناسی ملی: 3705265

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 _

عنوان و نام پدیدآور: آزمون بصیرت (حماسه ی نه دی) مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ی حماسه ی نه دی و گزارش حوادث 8 ماه دفاع از رأی مردم.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1394.

مشخصات ظاهری: 230 ص.

شابک: 7-85-2951-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 _ نظریه درباره ی فتنه و فتنه انگیزی.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 _ نظریه درباره ی انتخابات

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 _ پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: ایران _ سیاست و حکومت _ 1388

موضوع: ایران _ تاریخ _ جمهوری اسلامی، 1388 _

شناسه افزوده: انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1692 / ف 2 غ 4 1393

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی: 3705265

آزمون بصیرت

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شمارگان: 2000

چاپ اول: پائیز 1394

130000 ريال

شابك: 978-964-2951-85-7

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه ی عطارد، شماره ی 7

تلفن: 66405100-66977268 - تلفن مرکز پخش: 66483695-09195593732

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: 1000 20 120 - <http://Book-Khamenei.ir>

ص: 4

رهبر عالی قدر انقلاب، 9 دی را یوم الله نامیدند و فرمودند:

«9 دی و 22 بهمن پارسال جزو ایام الله _ به معنی حقیقی کلمه _ بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد.» (1)

برای آنکه بدانیم یوم الله چیست، زانوی ادب در محضر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی (قدس سره) میزنیم. ایشان در شرح آیه ی 5 سوره ی ابراهیم (علیه السلام) میفرمایند:

«در قرآن کریم میفرماید که ما موسی را فرستادیم به سوی قومش: أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ (2) دو تا مأموریت به حضرت موسی میدهد خدای تبارک و تعالی: یکی اینکه مردم را از ظلمات خارج کن به نور و یک مأموریت دیگر اینکه: ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ اینها را متذکر کن به ایام خدا.

... همه ی ایام مال خداست؛ لکن بعضی از ایام يك خصوصیتی دارد که برای آن خصوصیت «یوم الله» میشود. روزی که پیغمبر اکرم هجرت کردند به مدینه، این روز «یوم الله» است. روزی که مکه را فتح کردند «یوم الله» است.

ص: 5

-
- 1- . در خطبه های نماز جمعه ی تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) 1389/11/15.
 - 2- . سوره ی ابراهیم، آیه ی 5: «و به او دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آور و به عالم نور برسان؛ و روزهای خدا را به یاد آنها بیاور».

یوم قدرت نمایی خداست که يك یتیم را که همه رَفَضَش (1) کرده بودند، نمیتوانست زندگی بکند تو وطن خودش، تو خانه خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد؛ و آن قُلْدَرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد و فرمود:

أَنْتُمْ الطَّلَاءُ (2) دیگر آزادتان کردم، بروید؛ این «یوم اللّٰه» است. یوم خوارج، روزی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شمشیر را کشید و این فاسدها را، این غده های سرطانی را درو کرد، این هم «یوم اللّٰه» بود. این مقدّسهایی که پینه بسته بود پیشانی شان، لکن خدا را نمیشناختند، همینها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را! قیام کردند در مقابل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از لشکر خودش بودند، قیام کردند در مقابل او. برای خاطر آن قضایایی که در صفین واقع شد و امام (علیه السّلام) دید که اگر اینها باقی باشند فاسد میکنند ملّت را، تمامشان را کشت، الا بعضی که فرار کردند؛ این «یوم اللّٰه» بود. روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملّتها يك چیزهایی را وارد میکند، يك زلزله ای وارد میکند، يك سیلی وارد میکند، يك طوفانی وارد میکند، که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید، اینها هم «یوم اللّٰه» است. چیزهایی است که به خدا مربوط است.

از آن «یوم اللّٰه» ها 15 خرداد بود. 15 خرداد هم از «ایام اللّٰه» بود که يك ملّت ایستاد در مقابل يك قدرت و کاری کرد که پنج ماه تقریباً حکومت نظامی شد. منتها قدرت نداشت ملّت؛ باز اجتماع درست نشده بود، بیدار نشده بودند، شکست خوردند نه، شکست به حسب ظاهر؛ و الا از همانجا مبدأ پیروزی ملّت است.

17 شهریور هم _ که امروز ما اینجا مجتمع هستیم _ آن 17 شهریور سال گذشته «من ایام اللّٰه» آن هم از ایام خدایی بود که يك ملّت، زن و مردش، جوان و غیر جوانش، بایستند و خون بدهند برای احقاق حق. این روز خداست. 17 شهریور «من ایام اللّٰه» است، باید متذکّر باشید. باید یادآوری

ص: 6

1- . طرد کردن و خارج ساختن.

2- . بحار الأنوار، ج 97، ص 59، ح 6؛ السنن الكبرى، بیهقی، ج 9، ص 118.

کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید، از یاد نباید برود این «ایام الله» برای اینکه این ایام اند که آدم سازند. این ایام است که جوانهای ما را از عشرتکده ها بیرون می آورد به میدان جنگ میبرد. این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار میکند و بیدار کرد. امر میکند: ذَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ؛ «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن. یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت و «ایام الله» بود؛ مثل «15 خرداد»؛ مثل «17 شهریور». آن روزی که این خبیث(1) فرار کرد از «ایام الله» بود؛ که يك ملتی که هیچ نداشت يك قدرت را شکست، به طوری که نتوانست بماند. نه قدرت خودش، قدرت همه؛ دنیا ایستاده بود مقابل شما، من مطلع بودم، دنیا ایستاده بود پشتیان، پشتیان خودش اول؛ پشتیان وارث آن، که این شخص بختیار باشد، ثانیاً. ایستاده بودند دنبال او که نگاهشان دارند. دو دستی آمریکا چسبیده بود که شاه را نگه دارد. وقتی او فرار کرد، دودستی چسبیده بودند بختیار را نگه دارند.

... به ما میگفتند که زود است(2)؛ شما حالا نروید زود است، حالا حالا شما به ایران نروید. میخواستند جمع و جور کنند قدرت خودشان را و آشفتهگیها را تمام کنند که دیگر امکان رفتن نباشد، آن هم یکی از «ایام الله» بود.

و یکی از ایام بزرگ خدای تبارك و تعالی آن شبی بود که کودتا کردند اینها(3). آن شبی که ما تهران بودیم و روز هم اعلام حکومت نظامی شد که روز هم کسی بیرون نیاید و آن شب _ بعدها به ما اطلاع دادند _ اینها آن شب بنا داشتند که تمام سران قوم، هر کس گوشش میجُنبید، بکُشند و تصفیه کنند تا تمام بشود کار، خدا نخواست، آن قیام ملت و آن قیام نورانی ملت، ملت متعهد که بعدش که اینها قیام کردند، نیروهای آن طرف هم به این طرف ملحق شدند، هی ملحق شدند، يك مسأله ای بود که الهی بود و «مِن

ص: 7

1- . محمدرضا پهلوی.

2- . اشاره به 12 بهمن است.

3- . اشاره به شب 22 بهمن است.

ایام الله» بود. این را از یاد نبرید که تمام چیزها را جمع کردند و تمام کیدها را درست کردند برای اینکه در يك شب بریزند کودتا کنند و همه اشخاصی که احتمال می‌رود يك کاری از آنها بیاید همه را از بین ببرند، ملت را باز برگردانند به آن حال اول، خدا نخواست. این یکی از «ایام الله» بود که شما ملت شریف نورانی با قلبهای پُر از ایمان نترسیدید و آن روز ریختید به خیابانها، با اینکه اعلام حکومت نظامی بود، ریختید به خیابانها و خنثی شد آن چیزی که آنها میخواستند.

... این ایام یادتان باشد؛ از یادتان نبرید. این ایام بزرگ الهی که از «ایام الله» است اینها را یادتان باشد. یادتان نرود که ما يك 15 خرداد داشتیم، 15 خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است. یادتان نرود که ما يك 17 شهریور داشتیم. 17 شهریور از «ایام الله» است؛ و باید یادمان نرود این را. آنقدر شهید دادیم و آنقدر خون دادیم ما آن روز و در مقابل اجانب و در مقابل وابستگان به اجانب. قیام کردند ملت ما و خونشان ریخته شد، لکن پیروز شدیم. مبدأ پیروزی و همه ی روزهایی که نمیتوانیم ما بشمریم. این روزهایی که آنها با کمال شقاوت حمله میکردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می ایستادید در مقابلشان. يك کسی که برای من نقل کرد، گفت من خودم دیدم که يك بچه ی ده دوازده ساله _ يك همچو چیزی _ سوار موتورسیکلت بود و رفت طرف تانک! تانک هم او را زیر گرفت از بین برد. اما يك همچو روحیه ای پیدا شده بود که بچه ی دوازده ساله هم حمله به تانک میکند، با دست خالی و هیچی.»(1)

آری نُهَم دی ماه سال 88 یوم الله بود اما يك روز به خودی خود یوم الله نمیشود. 9 دی نیز از این قاعده جدا نبود. برای فهم 9 دی باید ریشه ها و نتایج این حرکت عظیم و حیاتی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

ص: 8

1- . صحیفه امام، ج 9، صص 459 _ 468 (سخنرانی حضرت امام خمینی (قدس سره) در جمع اقشار مختلف مردم 17/6/1358).

واقعیت این است که 9 دی، تقابل مجموعه ای از مردم با مجموعه ای دیگر نبود، بلکه تقابل بین مؤمنان به انقلاب اسلامی و قانون اساسی و آرمانهای امام راحل (قدّس سرّه) و مخالفان با اصل این جریان الهی بود.

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که تمام حرکت‌های انقلابی جهان به بن بست رسیده بود و همه ی آزادیخواهان جهان پذیرفته بودند که نمیتوان خارج از چارچوب دو قطب شرق و غرب در عرصه ی سیاسی بازی کرد. دین و معنویت غریب بود و اسلام، غریبتر. فلسطین که آرمان تمام مسلمانان بود مورد معامله قرار گرفته بود و همه ی مبارزان قدیمی، تبدیل به مذاکره کننده شده بودند.

در این زمان بود که دم مسیحایی امام راحل عظیم الشان به داد ملت‌ها و به ویژه ملت ایران رسید و از اینجا بود که کینه ی امام و انقلاب او به دل مستکبران عالم نشست. امام بزرگوار ما آمده بود که بند استبداد را از پای ملت ایران باز کند و منابع ایران را از دست مستعمران خارج نماید. او گفتمان یا شرقی یا غربی را به نه شرقی نه غربی تغییر داد و آنقدر آرمان‌هایش انسانی بود که مرزها را درنوردید. او انقلابش را همچون دیگر گفتمانها با اسلحه و کشورگشایی صادر نکرد. حتّی رسانه ی چندانی در اختیار نداشت، بلکه رسانه اش فکرش بود.

عاشقان امام از اعماق آفریقا و اروپا و سبیری و شرق و غرب و میانه ی آسیا و جنوب آمریکا و حتّی از آمریکای شمالی بودند.

با این همه دور از انتظار نبود که هم بلوک شرق به دشمنی اش برخیزند و هم بلوک غرب. آمریکاییها که همه ی تلاش خود را کرده بودند تا انقلاب به ثمر نرسد، بعد از پیروزی معجزه گون آن، تمام اهتمام خود را برای سرنگونی یا انحراف آن خرج کردند.

شرق و غرب که در هیچ موردی دست دوستی به هم نمیدادند، در تجهیز صدام ملعون همداستان شدند.

پس از ارتحال حضرت امام (قدس الله نفسه الزکیه) سگان کشتی انقلاب و هدایت انقلابیون سراسر عالم به دست رهبر عالی قدر انقلاب – این شاگرد مکتب امام و ذخیره ی الهی – داده شد. دشمن که از جنگ نظامی و سخت، طرفی نبسته بود به جنگ نرم فرهنگی و جنگ سیاسی و اقتصادی روی آورد. رهبر انقلاب همچون فرمانده ی مسلط بر میدان، حرکات دشمن را میدید و گرای آن را به آحاد جامعه میداد و فرمان حمله را صادر و تاکتیک دفاع را ارائه مینمود. هر جا که پاسخ مناسب و بموقع از سوی مسؤولان و مردم به فرامین او داده شد، پیروز شدیم و هر جا که سستی کردیم از رسیدن به نتیجه ی مطلوب بازماندیم.

او با تدابیر خود، این کشتی را از میان طوفانهای سهمگین که هر کدامش برای از بین بردن يك کشور کافی بود، عبور داد. تدابیرش برگرفته از علوم و حیانی، دانشهای بشری و تجارب تاریخی بود. او اگرچه قواعد مادّی تدبیر سیاست و اقتصاد و فرهنگ را بخوبی میدانست اما ایمان به وعده های الهی و استمداد از ولیعصر (ارواحنا فداه) همیشه سرلوحه ی برنامه هایش بوده است. او تاکتیکهای ربوبی را خوب میداند و ایمان دارد که دستی از غیب پشتوانه ی این انقلاب است، البتّه تا هنگامی که قدر این دست مهربان دانسته شود.

تا آنکه سال 88 فرا رسید.

بنا بود در این سال، انتخابات ریاست جمهوری دهم برگزار شود. شروع پرشور و البتّه زود هنگام بحثهای انتخاباتی همه را خوشبین به برگزاری انتخاباتی پرشور میکرد. نخست وزیر دوران امام و جنگ، نماینده ی امام در بنیاد شهید و رئیس دو دوره ی مجلس شورای اسلامی، فرمانده ی سپاه در دوران جنگ و رئیس دولت نهم که توانسته بود شعارهای امام را بر سر دست بگیرد، بنا بود با هم رقابت کنند.

هیچکس – شاید حتّی دشمن هم – تصوّر نمیکرد که قرار است اتّفاقاتی تلخ بیفتند و این خود یکی از عبرتهای سال 88 بود که رهبر عزیز بارها

«تجربه هایی هم این انتخابات داشت. يك تجربه برای ملت ما و مسؤولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسؤولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند؛ و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم.»⁽¹⁾

اما باز هم او بود که پیش از همه خطر را احساس کرد. برای همه عجیب بود که در روز اول نوروز و در محضر علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية والثناء) نسبت به خدشه در سلامت انتخابات تذکر دهد. او تحرکات رسانه های بیگانه را رصد کرده بود و خط نفوذ او را تا نیروهای داخلی دنبال کرده بود. عجیب آنکه در همان دوران بود که کمیته ای برای صیانت از آرا تشکیل گردیده بود؛ بدعتی که نه قبل از 88 و نه بعد از آن تکرار نشد.

اشتباهاتی در دوران تبلیغات انتخاباتی شکل گرفت، چه از نامزدها و چه از طرفداران و چه از رسانه ها اما همه، این موارد را از اقتضائات يك انتخابات پرشور دانستند و در برخی موارد از این تحرکات استقبال کردند. اما تنها او بود که باز زبان به تذکر گشود و همگان را دعوت به رعایت برادری و اصول اسلامی در رقابت نمود.

نوبت به 24 خرداد رسید. حضور پرشور مردم بر سر صندوقهای رأی و ثبت نصاب 85 درصدی، چشم همگان را خیره کرد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، يك زلزله ی سیاسی برای دشمنان و پتك جمهوریت بر سر آنها بود.

همه شیرین کام از این حماسه بودند که اقدام یکی از کاندیداها در اعلام زودهنگام پیروزی خود در شام جمعه، آب سردی بر شور و هیجان انتخابات ریخت. البته باز هم کسی این اتفاق را جدی نگرفت.

از 23 خرداد تحرکات مشکوک آغاز شد و کم کم شور انتخابات در برخی از نقاط تهران تبدیل به تشنج گردید. حمله به اموال عمومی شکل گرفت و هرچه گذشت بر خشونت‌ها افزوده شد.

دو نفر از رأی‌نیاوردگان، شروع به اردوکشی خیابانی کردند. در این مرحله، بسیاری از طرفداران این دو باور کرده بودند که تقلبی گسترده در انتخابات شکل گرفته است و به رأی مردم - این حقّ الناس بر عهده‌ی نظام - خیانت شده است.

پس از راهپیمایی 25 خرداد طرفداران دو نامزد یادشده، خشونت‌هایی انجام شد. به پایگاه بسیج حمله شد، برخی قتل‌های مشکوک انجام شد و برخی از اموال عمومی غارت گردید و سط‌لهای زباله به آتش کشیده شد.

اما رهبر دلسوز انقلاب از همان ساعات ابتدایی، خطر را احساس کرده بود و تمام همّت خود را برای حفاظت از انقلاب و مردم و رأی آنها به کار بست. با نمایندگان نامزدها سخن گفت، با برخی از نامزدهای معترض به صورت حضوری به صحبت نشست و همه‌ی تمهیدات لازم را در نظر گرفت تا قبل از شعله‌ور شدن آتش فتنه، آن را مهار نماید.

اما...

نامزدهای مغلوب معترض قانون‌گریز که التزام به اخلاق و ادب انتخابات را فراموش کردند، بر آتش اختلاف دمیدند. فتنه که همان فضای غبارآلود است، بیش از آشفته کردن نیازمند آرامش و تبیین و صبر است و دریغ که هر چه تبیین از این سو عرضه میشد، از آن سو غبار به هوای جامعه تزریق میشد. برخی از نخبگان که انگار باور کرده بودند تقلب شده یا باور کرده بودند که انقلاب به آخر کار خود رسیده است، رهبر خود را تنها گذاشتند و لقب «ساکت» را بر خود پسندیدند.

برخی از خواص هم که شهوات و حبّ ریاست بر آنها حکومت میکرد، بیشتر پیاده نظام دشمن شدند.

ص: 12

نامزدهای خروج کننده ی بر قانون، آزادانه به هر جا که میخواستند سرک میکشیدند و فراموش کرده بودند که برای چه نامزد شده بودند، برای ریاست جمهوری اسلامی نه ریاست جمهوری! تهمتها از هر سو روانه ی نظام و نهادهای انقلابی آن میشد. هر روز به نام يك تشكّل، اعلامیه صادر میگردد و تلاش میشد تا معترضان بیش از جمعیت واقعی قلمداد گردد. کشته سازی هایی انجام شد و برخی از تخلفات مسؤولان مربوط این موارد را در اذهان باورپذیر کرد.

غبار فتنه و تردید به جان ایمان انسانهای ضعیف افتاده بود...

رهبر حکیم انقلاب منتظر بود تا تبیینهای او و اندک خواص حاضر در میدان جنگ نرم، اثر کند و اولاً باور شود که فتنه هست و ثانیاً همه به دامن انقلاب بازگردند.

هر چه گذشت مرزها واضحتر شد، خیلی از طرفداران نامزدهای مغلوب که دیگر خود را هدایتگر يك جنبش میدانستند، از اطراف آنها به کنار رفتند. آهسته آهسته اما دیر همه باور کردند که دیگر بحث رقابت انتخاباتی نیست. علمای که به نام امام و انقلاب بلند شده بود، کسانی را زیر خود جمع کرده بود که سالها بغض انقلاب و امام را در دل پرورانیده بودند. دشمنان قسم خورده ی اسلام و انقلاب هم به پشتیبانی این جماعت آمدند و نقاب نفاق از چهره به کناری زدند.

از چند هفته پس از انتخابات و شروع فتنه، مطالبه ی عمومی برخورد با اخلاطگران مطرح بود اما انتظار رهبر انقلاب، تشکیل يك گفتمان عمومی بر ضد آنان و به حداقل رسیدن هزینه ی اتمام این بازی خطرناک بود.

حلقه های زنجیره ی بصیرت یابی جامعه در حال تکمیل شدن بود. اقدامات خشونت بار 25 خرداد، اتمام حجّت با نامزد مغلوب و نمایندگان نامزدها، افزایش مهلت شکایت نامزدها، بیانات روشنگر در نماز جمعه ی تاریخی 29 خرداد، حوادث نماز جمعه ی 26 تیرماه، فراموش شدن شعار

حمایت از فلسطین در روز قدس، انحراف شعار مرگ بر آمریکا در 13 آبان، توهین به حضرت امام در 16 آذر و در آخر هتک حرمت روز عاشورا در 6 دی.

صبر انقلابی مردم بسرآمد، دیرباورترین افراد هم دیگر یقین کرده بودند که مسأله از يك اعتراض انتخاباتی فراتر رفته است.

در هشتم دی، افتخار حضور در میدان برای مردم حسینی تبریز ثبت گردید و نهم دی، حماسه ی عظیم حضور مردم در میدان دفاع از اسلام و انقلاب و بیعت با رهبر معظم در سراسر کشور رقم خورد.

9 دی، نقطه ی آغاز اضمحلال فتنه بود. همه فهمیدند که شعار «ما بیشماریم» که بر دهان برخی از سردمداران آشوب جاری بود، افسانه ای بیش نیست و آنها که بیشمارند، عاشقان اسلام و انقلاب و رهبر هستند.

پس از 9 دی، رأی نیاوردگان فریب خورده جایگاهی در پیشگاه ملت نداشتند؛ و قبل از آنکه در پی اغتشاش 25 بهمن 89، محکوم به حصر خانگی شوند، مطرود ملت و محصور در اتاق تنهایی خود و بیانیه هایشان شدند.

9 دی به خاطر آنکه حق بر گردن ملت و انقلاب دارد، یوم الله است. روز خداست زیرا که خداوند در آن روز به خاطر محبتی که در دل مردم نسبت به امام حسین (علیه السلام) بود، قدرت نمایی کرد و درسهای ماندگاری به بندگان خوب و بدش داد.

9 دی روزی است که ملت به حکمت ولی فقیه ایمان پیدا کرد. 9 دی دشمنان را مأیوس از شکست دادن انقلاب کرد. 9 دی به دوستان انقلاب درس داد که هیچگاه نباید بالش نرم زیر سر گذارد. به بهانه ی 9 دی بود که بسیاری از معارف انقلاب بازخوانی شد و نسل سوم و چهارم انقلاب با تاریخ انقلاب و گذشته ی برخی از افراد آشنا شد.

9 دی به ما آموخت که قانون، فصل الخطاب است و میتوان شور انتخاباتی داشت اما اصول انقلابی و اسلامی را نیز محترم دانست.

9 دی دوست را از دشمن جدا کرد و منافق را از مؤمن. چه بسیار پرده های نفاق که از افراد و احزاب برافتاد و چه افراد و احزاب که به پاس حضور عمّارگونه در هشت ماه دفاع مقدّس جنگ نرم آبرو یافتند.

9 دی یادآور مظلومانی است که در دوران فتنه در راه دفاع از انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند یا ضررهای جانی و آبرویی را بر خود خریدند.

9 دی يك شاخص است و نقطه ی عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی؛ از این رو دور نیست که دشمنانی داشته باشد. کسانی که تلاش در از یاد بردن آن دارند و کسانی که سعی بر منحرف کردن آن. برخی فتنه را هم جور دیگر معنا کردند.

از اینجاست که باید نهم دی بماند و یادش گرامی داشته شود. گرامیداشت 9 دی نیز بیش از آنکه از جنس شعار باشد که شعار هم در جای خود لازم است _ باید از جنس شعور و تبیین و بصیرت افزایی باشد.

همه باید در 9 دی از فتنه و دشمنی دشمنان بگویند. درسهای آن هشت ماه و عبرتهای آن را مرور کنند. قدردان رهبری عزیز باشند که کشتی انقلاب را به ساحل امنیت رهنمون شد. توطئه های دشمن را بازگویند و نقشه های دشمن را بر اساس تحلیل، پیش بینی کنند.

یکی از مهمترین کارها نسبت به 9 دی، یادآوری تاریخ آن دوران است؛ زیرا که حافظه ی عمومی جامعه بسیار ضعیف است و به سرعت نکات و زوایای حادثه را فراموش میکند. باید از هر رسانه ای بهره جست تا این حافظه تقویت شود.

در عرصه ی مکتوب، اقدامات مختلفی در سالهای گذشته از جهت تحلیل و تبیین و بیان تاریخ آن دوران انجام شده است که همه، شایسته ی تقدیر و درخور استفاده است. انتشارات انقلاب اسلامی نیز تا کنون سه اثر را با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه ی فتنه ی 88، تقدیم ملت عزیز ایران کرده است که در زمان خود مورد استفاده و استقبال

علاقه مندان قرار گرفته است. عناوین این سه اثر عبارت است از: شرح ماجرا، نقشه ی نقش بر آب و کالبدشکافی فتنه 88.

اثر حاضر نیز مشتمل بر بیانات گهربار معظّم له است اما جهت نگاه این کتاب با سه اثر گذشته متفاوت است.

اولاً به صورت گذرا به برخی از ریشه های اصلی شکلگیری فتنه پرداخته است. ثانیاً تا آبان سال 1394 به روز شده است. ثالثاً در مورد بیانات مربوط به سال 88 برخی از نکات تاریخی آن دوران و به اصطلاح شأن نزول بیانات را به صورت کوتاه یادآور شده است.

این اثر با رعایت سیر تاریخی بیانات، مخاطب را با تاریخ همراه میکند و این همراهی، فواید متعدّدی را برای او به همراه خواهد داشت. مخاطب نکته سنج، مدیریت میدانی رهبر عزیز را خواهد دانست و خواهد فهمید که به آگاهی رساندن عموم مردم چقدر سخت و زمان بر است.

در پایان نیز فهرست موضوعی مطالب درج شده است تا مخاطب بتواند به يك نظام فکری در زمینه ی فتنه و مسائل پیرامونی آن دست یابد.

مطالعه ی این اثر، يك شروع در مطالعه و تحقیق در مورد حماسه ی 9 دی و فتنه ی 88 است و مخاطب را از مراجعه به کتب تحلیلی در این زمینه بی نیاز نمیکند.

بیاییم دوباره به صدر کلام بازگردیم؛ آنجا که از یوم الله بودن و معنای یوم الله سخن به میان آمد. اگر 9 دی پاس داشته میشود، برای باقی ماندن در گذشته نیست بلکه عبرت و درسی برای آینده است تا از عبرتهای آن پند گیریم و درسهای آن را سرلوحه ی عمل قرار دهیم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

بخش اول: انفجار نور و تقابل با ظلمت 27

نتیجه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی؛ تحوّل ژرف در ارتباطات بین‌المللی 29

دلایل خشمگین بودن استکبار از نظام جمهوری اسلامی 30

خشم مستکبران از انتشار هیجان انقلاب اسلامی 31

اشتباه آمریکاییها در تحلیل حوادث منطقه و ایران 33

برافراشتن پرچم اسلام؛ دلیل مخالفت استکبار با انقلاب اسلامی 34

مقابله‌ی انقلاب اسلامی با سلطه‌گری و استعمار 36

بغض آمریکاییها از ملت و نظام اسلامی ایران 37

علل تشدید دشمنیهای استکبار با جمهوری اسلامی 37

الف) پیشرفتهای جمهوری اسلامی 37 ب) زنده شدن شعارهای انقلاب 38 ج) بیداری اسلامی 38

حضور همیشگی آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی 39

تاریخ دشمنیها 42

اجمالی از تهدیدها و برنامه‌های دشمن 44

بخش دوم: روزشمار حماسه‌ها و فتنه‌های سال 47 88

فروردین ماه 49

یادآوری 49

بیانات 50

هشدار درباره‌ی خدشه‌ی بعضی افراد در سلامت انتخابات 50

مخفی بودن رأی رهبر 50

اردیبهشت ماه 51

یادآوری 51

بیانات 51

دنباله روی برخی ناسپاسها از دشمن در خدشه کردن به سلامت انتخابات 51

اهداف شوم دشمن نسبت به انتخابات 53

انتخابات؛ آبروی ملی ما و وسیله ای برای عزت ملی 54

مسأله ی اول؛ شرکت در انتخابات 54

خرداد ماه 55

یادآوری 55

بیانات 57

هجوم تبلیغاتی دشمن برای مخدوش کردن چهره ی انتخابات 57

هدف دشمن از تخریب انتخابات؛ از بین بردن پشتوانه ی مردمی نظام 58

ضرورت پرهیز طرفداران نامزدهای ریاست جمهوری از درگیری 58

لزوم پرهیز نامزدها از ایجاد دشمنی با یکدیگر 59

تأکید بر مخفی بودن رأی رهبر 60

تشکر از حضور پرشور و عقلانی طرفداران نامزدها در ایام تبلیغات 60

اهمیت امنیت انتخابات 61

ضرورت باور نکردن شایعات در امر انتخابات 61

جشن واقعی به خاطر ثبت نصاب تازه از مشارکت در انتخابات 62

ثابت شدن صلابت ایران با حضور پرشور مردم در انتخابات 22 خرداد 62

تبریک پیروزی ملت در انتخابات و دعوت به شکرگزاری این نعمت 62

لزوم حفظ هوشیاری در برابر توطئه های دشمن در شبه ی پس از انتخابات 63

- تشکر از نقش آفرینان در خلق حماسه ی انتخابات 63
- تضرع به درگاه الهی و استمداد از امام زمان (علیه السلام) 64
- پیام حضور مردم در انتخابات 22 خرداد 64
- تذکر به یکی از نامزدهای معترض 64
- یکی بودن طرفداران همه ی نامزدها در اعتقاد به نظام 65
- ضرورت حراست از اتحاد ملی با وجود اختلاف سلیقه سیاسی 66
- وظیفه ی همه ی نامزدها و طرفداران در مقابله با ایجاد دشمنی 67
- لزوم پیگیری اعتراضات از مجاری قانونی 67
- اعتماد رهبری به مسؤولان انتخابات در همه ی دوره ها 68
- ضرورت صیانت از افتخار بین المللی انتخابات با چهل میلیون رأی 68
- وظایف طرف پیروز و طرف مغلوب در انتخابات 69
- وجود دستهایی برای خرابکاری و اختلاف افکنی بین طرفداران نامزدها 70
- وظیفه ی همگان در اعلام موضع صریح نسبت به اغتشاش آفرینان 71
- لزوم پرهیز طرفداران نامزد پیروز و مغلوب از عصبانی کردن طرف مقابل 72

تأکید بر حفظ هویت جمعی کشور و ملت 72

سه مطلب خطاب به سه دسته 73

مطلب اول خطاب به مردم عزیز 73

تشکر از ملت برای نمایش روح مشارکت و دلبستگی به نظامشان 73

شور و شعور نسل جوان در انتخابات سال 74 88

تعهد جمعی مردم برای حفظ نظام و کشور با وجود اختلاف سلیق 74

انتخابات 88؛ زلزله‌ی سیاسی برای دشمن و جشن برای دوستان 75

انتخابات 22 خرداد؛ نشانه‌ی اعتماد و امید مردم 75

خسارت عظیم تضعیف اعتماد مردم به نظام 76

شروع خط‌فتنه‌ی تقلب از پیش از انتخابات 76

گوش نکردن برخی نسبت به هشدار درباره‌ی نقشه‌ی دشمن 77

رقابتهای انتخاباتی 88؛ رقابتهای جدی و میان‌جریانه‌ی معتقد به نظام 77

جهت مثبت و منفی مناظره‌ها و رقابتهای 79

مأجور بودن همه‌ی مردم در خلق حماسه‌ی تاریخی در انتخابات دهم ریاست جمهوری 84

ممکن نبودن تقلب گسترده با وجود سازوکارهای قانونی انتخابات 84

پذیرفتن بدعت‌های غیرقانونی برای مصونیت پیدا کردن انتخابات آینده 85

ضرورت پیگیری اعتراضات از راه‌های قانونی 85

مطلب دوم خطاب به سیاسیون، نامزدها و احزاب 86

ضرورت دقت در رفتار و در نظر گرفتن موقعیت حساس کشور 86

مسئولیت هرج و مرجها و خون‌ها بر عهده‌ی نخبگان سیاسی قانون شکن 86

وظیفه‌ی نخبگان سیاسی؛ در دیدن چهره‌ی بی‌نقاب دشمنان 87

یادآوری آخرین وصایای امام (قدّس سرّه) مبنی بر فصل الخطاب بودن قانون 87

فلسفه ی انتخابات؛ حل شدن اختلافات سر صندوق رأی نه کف خیابان 87

لزوم دقّت نسبت به سوء استفاده ی تروریستها از تجمّعات خیابانی 88

دلخون شدن از حمله به جوانان دانشجوی مؤمن 88

ضرورت پایان دادن به زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات 89

تسلیم نشدن نظام در برابر حرکات خیابانی و مطالبات غیرقانونی 89

دعوت سیاسیون معترض به تفاهم و رعایت قانون 89

مطلب سوّم خطاب به سران استکبار 90

تحلیل رفتارهای متفاوت مستکبران قبل از انتخابات و بعد از آن 90

ص: 19

طمع دشمنان به خاطر رفتار اشتباه برخی از داخلها 91

ابراز نگرانی دولتمردان آمریکایی درباره ی مردم ایران! 29

نجوایی با امام زمان (علیه السلام) 39

تیر ماه 93

یادآوری 93

بیانات 94

موافقت با درخواست شورای نگهبان برای تمدید مدّت رسیدگی به شکایات 94

موفقیت نسبی دشمن در تبدیل پیروزی انتخابات به اختلاف 96

رقابت بین نامزدهای ریاست جمهوری؛ يك رقابت درون خانوداگی 96

اخطار به مداخله جویی دشمنان در امور ایران 97

متّحد شدن ملّت در صورت مداخله ی دشمنان 97

اختلاف افکنی؛ هدف دشمن در حمایت از برخی جریانات سیاسی 97

دشمنی دشمنان با همه ی جریانهای معتقد به قانون اساسی 98

هدف اصلی دشمنان؛ بازگرداندن ایران به دوران پهلوی 98

نتایج منفی رفتارهای خصمانه برای دشمنان 98

اخطار به دنباله های داخلی دشمنان 99

توصیه ای به ملّت ایران برای شناخت دوست نادان از دشمن 100

تمام شدنی بودن فتنه ها و باقی ماندن حضور چهل میلیونی مردم 100

وظیفه ی رئیس جمهور منتخب؛ شکر مردم 101

وفاداری ملّت خوب ایران 101

عبرت انتخابات 88؛ غفلت از دشمن در کمین 102

رسانه ها و دستگاههای اطلاعاتی استکبار؛ اصلی ترین عناصر دشمنان استقلال ملتها 102

صدور دستورالعمل اغتشاش از سوی دشمنان 103

انزجار مردم از اغتشاشگران و هدایت کننده های آنها 103

امنیت؛ عامل مورد نیاز برای رسیدن به اهداف ملت 104

نخبگان؛ سر جلسه ی امتحان 104

مرداد ماه 105

یادآوری 105

بیانات 106

تجربه ی انتخابات 88؛ امکان ضربه خوردن از سوی دشمن حتی در بهترین شرایط 106

اقدامات میدانی دشمنان برای تبدیل جشن بزرگ ملی به اغتشاش 106

نبود بصیرت؛ عامل ضربه پذیری از دشمن 107

اشتباه دشمن در شبیه سازی کاریکاتوری از انقلاب اسلامی 57 108

ص: 20

شکست دشمن در فریب دادن ملت ایران با مسجد ضرار 108

قبولی ملت و مردودی برخی از خواص در امتحانهای انتخابات 108

ضرورت توجه رئیس جمهور منتخب به مخالفان عصبانی و منتقدان 109

لزوم شناسایی آسیب دیدگان پس از انتخابات و حمایت از آنها 110

ضرورت بالا بردن بصیرت 110

نبود بصیرت در بین لشگریان؛ علت سختی کار امیرالمؤمنین (علیه السلام) 011

احتمال خطاهای بزرگ در صورت نبود بصیرت 111

از وظایف مهم نخبگان و خواص؛ تبیین بی تعصب حقایق 112

تبیین حقیقت؛ از کارهای مهم جناب عمّار در جنگ نرم 112

تأسف از بی بصیرتی برخی از نخبگان 113

وظیفه ی جوانان؛ مطالعه و تحقیق برای از بین بردن بی بصیرتی 113

شهریور ماه 114

یادآوری 114

بیانات 115

دستور برای برخورد با متخلفان در ماجرای کوی دانشگاه و کهریزك 115

غفلت برخی از ظلم عظیم به نظام و توجه به ظلم به برخی از افراد 116

برنامه ریزی درازمدت دشمن برای آشوبهای پس از انتخابات 116

اشتباه دشمن در تحلیل وقایع پس از انتخابات 117

تأثیر میزان هوشیاری در کم شدن صدمات فتنه 117

حمایت رهبر از نقاط قوت رئیس جمهور نه نقاط ضعف 118

دانشجویان؛ افسران جنگ نرم 119

لزوم دور بودن فضای علمی کشور از تشنج 119

متوقع نبودن ورود برخی از خواص در فتنه 120

متوقع بودن فتنه و دشمنی دشمنان 120

اساتید دانشگاه؛ فرماندهان جنگ نرم 121

دمیدن امید؛ مهمترین وظیفه ی استاد شایسته ی انقلاب 121

فتنه؛ رزمایشی برای شناخت نقاط ضعف خودمان 122

مهمترین وظیفه ی اهل فرهنگ در شرایط فتنه؛ تبلیغ و تبیین 123

استقبال نظام از انتقادهای در چهارچوب اصول 125

بنای نظام بر جذب حداکثری و دفع حداقلی 126

لزوم پذیرش حقّ نظام در دفاع از خود 126

برخورد با گروههای معارض با اصول در همه ی کشورهای جهان 126

ضرورت مراقبت صاحبان قدرت از انحراف و فسادپذیری خود 127

لزوم مراقبت از یکدیگر در برابر انحراف و لغزش 128

نگرانی مسلمانان جهان از بلوهای بعد از انتخابات 129

ضرورت پرهیز از تفرقه افکنی در اجتماعات روز قدس 130

انتخابات 88؛ اثبات کننده ی جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی 130

واکنش ناجوانمردانه ی فتنه گران در برابر حرکت عظیم مردم 132

ضرورت شکرگزاری عملی نسبت به نعمت حضور حماسی مردم 132

غلط بودن شکل گرفتن فضای سوءظنّ و بدگمانی در جامعه 133

مهر ماه 135

یادآوری 135

بیانات 135

برنامه ریزی بلندمدت دشمن برای بلوهای بعد از انتخابات 135

اشتباه برخی از خواص؛ سکوت در دوران فتنه 135

لزوم پرهیز خبرگان از معرفی نمایندگان مخالف نظر اعضا 136

وظیفه ی همگان بخصوص جوانان در افزایش بصیرت 137

خوشحالی یا خشم دشمن؛ ملاک غلط یا صحیح بودن يك حرکت 137

آبان ماه 138

یادآوری 138

بیانات 138

یکی از اشتباهات صداوسیما در انتخابات 88؛ پرداخت زود هنگام به انتخابات 138

ضرر فضای جنجالی و دور از منطق 139

زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم نامزدهای متمرّد معترض 140

هشدار داده شده به نامزدهای معترض نسبت به عواقب شروع اعتراضات 141

جرم نامزدهای معترض؛ زیر سؤال بردن انتخابات و مواجهه کردن عده ای از مردم با نظام 142

دست برداشتن آمریکا از اقدامات گذشته؛ شرط عادی شدن روابط 142

استحکام جمهوری اسلامی در برابر فتنه ها 142

آذر ماه 143

یادآوری 143

بیانات 144

بدین کردن مردم و اختلاف افکنی؛ از ابزارهای جنگ نرم 144

بصیرت؛ مهمترین عنصر در دوران فتنه 144

اصرار بر یکی شدن آحاد ملت در برابر مخالفان با اصل انقلاب 145

ضرورت پرهیز از ایجاد اختلاف و شایعه پراکنی نسبت به مسؤولان 145

اولین اقدام فتنه گران؛ ایجاد تردید در کار مسؤولان انتخابات 146

بیهوده بودن اقدامات مواجه کنندگان با ملت و نظام 146

ضرورت دقت در بکار بردن عنوان منافق و ضدّ ولایت فقیه 147

سختی فضای غبارآلود برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) 147

ص: 22

ضرر تردید خواص در حوادث 148

فلسفه بافی نامزدهای قانون شکن برای اقدامات غلط خود 148

نقش نامزدهای مغلوب معترض در غبارآلود کردن فضای جامعه 149

تعجب از متنبه نشدن نامزدهای معترض پس از انجام اغتشاشات به نام آنها 150

لزوم عبرت آموزی نامزدهای قانون شکن از ریزشهای زمان امام (قدّس سرّه) 251

اصرار نامزدهای متمرّد بر فاصله گرفتن از نظام 152

پیروزی حتمی ملت مؤمن ایران بر چالشها 153

بیداری دانشگاه در دوران فتنه 153

ضرورت حفظ آرامش و حلم در برابر اهانت به حضرت امام (قدّس سرّه) 451

ریشه دارتر شدن روزافزون انقلاب 155

دی ماه 155

یادآوری 155

بیانات 156

علّت ماندگاری 9 دی 156

نقش اراده و مجاهدت در شاخص شدن 9 دی 157

اهمّیت مضاعف 9 دی در دوران غبارآلود فتنه 157

دست خدا و روح حسین بن علی (علیه السّلام) در شکلگیری نُه دی 158

نقش عمّار در جنگ صفّین 159

الگو گرفتن از عمّار برای شناخت جریانهای فتنه ی 160 88

بیداری ملت؛ رمز ماندگاری 9 دی و انقلاب 161

ترس دشمن از انتشار پیام انقلاب اسلامی 162

راهپیمایی نُه دی؛ پاسخ به نیاز لحظه 162

بهمن و اسفند ماه 163

نقش ایمان در خلق حماسه ی 9 دی 163

قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی آفرین ایران در راه پیمایی 22 بهمن 165

نقش علما در شکلگیری حماسه ی 9 دی و بیست و دوّم بهمن 166 88

بخش سوّم: بیانات سال 89 درباره ی فتنه و حماسه ی نُه دی 167

حضور میلیونی ملت در پای صندوقهای رأی؛ عامل شکست نقشه ی دشمن 169

خشونت بعد از انتخابات؛ از نقشه های دشمن برای شکست حکومتها 170

نُهّم دی و 22 بهمن 88؛ قویترین و آخرین ضربه بر فتنه 172

نُه دی؛ عامل تقویت جمهوری اسلامی 173

نقش تقوا در آسیب ناپذیر شدن ملت 173

عفو فریب خوردگان فتنه 174

ضربه ی سخت فتنه 88 به کشور 176

ص: 23

واکسینه شدن کشور با گذر از فتنه ی 88 176

سخنان دلسردکننده ی برخی از خواصّ تأثیرپذیر از تبلیغات دشمن 176

شروع فتنه ها از مخلوط شدن باطل با حق 177

کافی نبودن بصیرت برای موفقیت 178

فریب خوردن برخی در جریان فتنه 179

جوانان؛ در خطّ مقدّم مقابله ی با فتنه ها 180

تسخیر ایران؛ توطئه ی بزرگ در پس فتنه ی سال 88 180

کسب توانایی تازه توسط ملت ایران بعد از پیروزی در فتنه 181

رسالتهای ملی و جهانی ملت ایران 181

توطئه ها برای مقابله با جهانی شدن پیام جمهوری اسلامی 182

نُهَم دی؛ مشت محکم به دهان فتنه گران 182

خودجوش بودن نُه دی؛ دلیل هوشیاری مردم 183

پیام 9 دی برای دشمنان 183

گناه بزرگ فتنه گران؛ امیدوار کردن دشمن برای نفوذ 183

پیروزی ملت ایران در هشت ماه جنگ نرم سال 88 184

نُه دی؛ از موارد جلب رحمت الهی 184

دست قدرت الهی؛ عامل خنثی شدن فتنه ی 88 185

روشن نشدن زوایای پنهان فتنه ی 88 185

گناه نامزدهای قانون شکن؛ خودداری نکردن از بازی در زمین دشمن 185

طراحی دشمن برای از بین بردن دین و نظام با شبیه سازی از انقلاب 185

تقویت انقلاب و دین؛ جایزه ی پیروزی ملت در امتحان فتنه 186

ضرورت بیداری همگانی و فریب نخوردن از پیروزیها 187

نُه دی؛ یوم الله به معنای حقیقی کلمه 188

بخش چهارم: بیانات سال 90 تا 92 درباره ی فتنه و حماسه ی نُه دی 189

حضور مردم و آرزوهای خام دشمن در سالهای 68، 78 و 191 88

اعتماد مردم به نظام؛ علّت حضور مردم در نُه دی 192

اراده و حضور مردم؛ عامل پیروزی نظام بر چالشها 194

شکست فتنه با حضور بی نظیر مردم در نُه دی 194

دست خدا در به میدان آمدن مردم در نُه دی 195

روح دیانت حاکم بر دلهای مردم؛ نکته ی اساسی نُه دی 195

مردم و ایمان دینی مردم؛ حلال تمام مشکلات 196

احساس وظیفه ی دینی و عمل صالح؛ دو علّت حماسه ی نُه دی 197

نُه دی؛ برهم ریزنده ی برنامه های گسترده دشمن 198

ضرورت گرامیداشت و حفظ نه دی 198

لزوم پرهیز از غلبه دادن جنبه های شعاری بزرگداشت نه دی 198

نه دی و انقلاب؛ مرهون عاشورا 199

رأی نیاوردگان سال هشتاد و هشت؛ عبرت تمام نامزدهای انتخابات 199

شرکت پرشور مردم در انتخابات سال 90؛ نشان از اعتماد مردم به نظام 200

اعلام انزجار نکردن نامزدهای متمرّد از اغتشاشات؛ عامل طولانی شدن فتنه 200

ضرورت همدلی و همراهی قوای مختلف با هم 201

تبدیل شدن انتخابات به مظهر اختلافات در سال 88 202

از نقشه های دشمن برای سرد کردن انتخابات؛ ایجاد مشکلات امنیتی و سیاسی 202

دخالت آمریکا و پشتیبانی از فتنه گران سال 88 203

تمکین نکردن در برابر قانون؛ عامل ایجاد حوادث سال 88 203

سازوکار مستحکم انتخابات 204

راه اساسی برای پیشگیری از مشکلات انتخاباتی؛ التزام به قانون 204

خسارت کشور در سال 88 به خاطر تخلف از قانون 206

نعمت بزرگ تمکین به قانون 207

حضور چشمگیر مردم در 9 دی؛ نشانه ی علاقه ی اکثر مردم به نظام 208

عدم تبعیت از قانون؛ سبب لطمه دیدن کشور در سال 88 209

هیجان همراه با بددهنی در دوران تبلیغات انتخابات 88 210

تلخکامی مردم پس از انتخابات 88؛ ناشی از مخالفت با قانون 210

القای شبهه در سلامت انتخابات؛ عامل سرشکستگی نامزدهای قانون شکن در ملاأعلی 211

تبدیل فرصت جابجایی دولتها به تهدید در سال 88 213

خلط مسائل اصلی و فرعی در قضایای سال 88 213

ایمان درست، بصیرت و عمل؛ عامل نزول نصرت الهی 214

بخش پنجم: بیانات سال 93 و 94 درباره ی فتنه و حماسه ی نه دی 217

تلاش دشمنان برای فراموش شدن نه دی 219

حضور نسل سوّم انقلاب در نهم دی 221

گناه بزرگ نامزدهای متمرّد؛ ایجاد اختلاف 221

نداشتن تقوای جمعی؛ عامل لغزیدن فتنه گران 223

لزوم پرهیز تشکلهای دانشجویی از عناصر فتنه 223

طرفداری آمریکا از فتنه ی داخلی 224

ویژگی لغزیدگان سال 88؛ نداشتن بصیرت عمیق 225

بصیرت؛ از ویژگیهای ضروری يك بسیجی 226

گله از تشكیک کنندگان در سلامت انتخابات 228

مقصود از حق الناس بودن انتخابات 229

الف) حق داوطلب (229 ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح (229 ج) امانتداری از آرای مردم (230 د) پذیرش نتیجه ی قانونی انتخابات (230 هـ -) رعایت حق در تهیه ی فهرستهای انتخاباتی (231 و) اعتماد کردن مردم به مجموعه های مورد اعتماد (231

انقلاب اسلامی ایران؛ تنها انقلاب پایدار 232

توطئه های گسترده دشمنان برای از بین بردن انقلاب اسلامی 232

اغتشاشات سال 88؛ از ابتکارات آمریکاییها برای از بین بردن انقلاب 233

فتنه ی سال 88؛ يك کودتای رنگی ناموفق 233

حمایت رئیس جمهور آمریکا از آشوبگران در سال 88 234

وظیفه ی همگان برای حفظ ماندگاری انقلاب 234

حرف آخر 235

نمایه ها 237

ص: 25

نتیجه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی؛ تحوّل ژرف در ارتباطات بین‌المللی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحوّل ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر بوجود آورد:

اول اینکه هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملت‌ها و دولتها به دست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آنکه به ملت‌ها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشم‌های تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سربرآوردن ارزشهای معنوی و الهی. (1)

ص: 29

1- . پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1369/3/10.

دلایل خشمگین بودن استکبار از نظام جمهوری اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی، مواردی که آمریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین میسازد، عبارت است از:

اول، جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی.

دوم، استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.

سوم، اعلام راه حلّ مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین.

چهارم، حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.

پنجم، دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدّسات، نظیر آنچه در باب نویسنده‌ی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد.

ششم، تلاش برای اتّحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملت‌های مسلمان در قالب «امت بزرگ اسلامی».

هفتم، ردّ و نفی فرهنگ تحمیلی غرب، که دولتهای غربی با تنگ نظری و تعصّب، برآنند که همه‌ی ملت‌های عالم را به پذیرش آن وادار سازند و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان.

هشتم، مبارزه با فساد و بی بندوباری جنسی، که بعضی از دولتهای غربی بخصوص آمریکا و انگلیس اخیراً انحرافیت‌ترین شکل آن را بی شرمانه رسمیت داده یا در راه آنند و از ده‌ها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش میکنند. (1)

ص: 30

جاذبه‌ی عجیب انقلاب و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دلها را به سمت خودش جذب میکرد؛ این را ما بایستی بشناسیم، بدانیم و حفظ کنیم.

علاوه بر کشور، در دنیا هم همین اتفاق افتاد. خب، این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند و حضور پیدا کند، یعنی مثلاً فرض کنید نه فقط در شهرها، در روستاها هم مردم بلند میشدند و از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر میرفتند و شعار میدادند؛ شعار به نفع امام و انقلاب و علیه رژیم مستبد و دیکتاتور؛ اینجور همه‌ی ملت به پاخاستند. علاوه بر این، در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد _ البته با نوعی تدریج _ یعنی در همه جای دنیا؛ در آسیا، در اعماق آفریقا، حتی در آمریکای لاتین ملتها از اینکه يك ملتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زورگویی آمریکا را علناً رد بکند، به هیجان می آمدند. خیلها با زحمت رادیوهای ایران را میگرفتند. من دیدم کسانی را که در کشورهای عربی بودند و از بس رادیوی فارسی ایران را گوش کرده بودند، فارسی یاد گرفته بودند. این جاذبه است؛ جاذبه‌ی انقلاب است که دلها را _ توده‌های مردم را، روشنفکران را، جوانان را، دانشگاهیان را _ در همه جای دنیایی که تحت تأثیر شدید تبلیغات دشمن قرار نداشت، توانست به خودش جذب کند؛ این اتفاق در همه جا افتاد. اینکه بینند يك ملتی در مقابل زورگویی می ایستد، ملت‌هایی را که خودشان در چالش زورگوییهای آمریکا و قدرتهای غربی بودند، به هیجان می آورد؛ اینها را طرفدار میکرد؛ علاقه مند میکرد. این در همه جای _ باید گفت _ دنیای استضعاف؛ در آفریقا، در آسیا، در نقاط دوردست، در آمریکای لاتین، در همه جا تقریباً عمومیت داشت. این را ما کاملاً مطلع شدیم؛ افراد زیادی میرفتند، می آمدند و تأثیر انقلاب و تأثیر نام امام را انسان به روشنی مشاهده میکرد.

خب، نقطه‌ی مقابل چه بود؟ نقطه‌ی مقابل، آن قدرتهایی بودند که این

حرکت عظیم علیه آنها بود؛ در رأس آنها، دولت ایالات متّحده ی آمریکا. اینها از اینکه يك چنین حرکت عظیم و روبه گسترشی، همه ی ملت‌های تحت نفوذ اینها را دارد فرا میگیرد، بشدّت برآشفته و متوحّش بودند و وادار به عکس العمل شدند و عکس العمل‌های تند نشان دادند. اوّلین علاجی هم که به ذهنشان رسید، این بود که کانون را خاموش کنند؛ آن مرکزی، آن کانونی را که همه ی این هیجانها از آنجا برمیخیزد، این را خاموش کنند تا بطور طبیعی در جاهای دیگر، مسأله از بین برود؛ لذا هرچه توانستند فشار آوردند.

دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اوّل شروع شد؛ این را جوانها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعاً هیچ کاری که يك دولتی مثل آمریکا بتواند با يك ملّتی، با يك کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هر کاری توانسته اند تا امروز انجام داده اند. دشمنی آنها با «انقلاب» بود و هست؛ دشمنی آنها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته اند و قبول کرده اند. این غلط است که بعضی اینجور وانمود کنند که دشمنی آمریکا و رژیم مستکبر با اشخاص است _ با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه ای دشمنند _ اینجور نیست؛ دشمنی آنها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهتگیری توأم با ایستادگی و استقلال طلبی و عزّت طلبی است و با ملّتی که اینها را پذیرفته است و دارد عمل میکند؛ دشمنی با اینها است؛ و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملّتی که پای این حرف ایستاد در طول این سالهای متمادی و مشکلات آن را تحمّل کرد، برایشان مبعوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از ذهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملّت ایران دشمنند؛ با ملّت ایران مخالفند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکاییها و همپیمانانشان و همراهانشان انجام میگیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است.

البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این يك واقعیتی است که آمریکاییها در تحلیل حوادث این منطقه و بطور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباههای راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتباً صدمه میزند، ضربه میزند و ناکامشان میکند؛ خطای محاسباتی دارند.

[يك] مسؤول آمریکایی(1) همین چند روز قبل از این میگوید که ایرانیها گیر افتاده اند؛ ایرانیها در قضایای هسته ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر میشوند. خب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانیها گیر نیفتاده اند، حالا شما در بیست و دوّم بهمن _ ان شاءالله _ خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آن وقت معلوم میشود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسؤولین هم همینجور؛ مسؤولین کشور هم _ ان شاءالله _ با ابتکارات خودشان، با شجاعت خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصوّر میکند که ایران را در سه کنج گیر انداخته! میگوید پشت ایرانیها به دیوار رسیده است! نه آقا، اشتباه میکنید! شما هستید که دچار مشکلید. همه ی واقعتهای منطقه ی ما نشاندهنده ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه ی فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلّط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همینطور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالهایتمادی است شکست پشت سر شکست!

ص: 33

جمهوری اسلامی پیش رفته است. امروز جمهوری اسلامی با نظام جمهوری اسلامی در سی و پنج سال قبل، قابل مقایسه نیست. تراکم تجربه ها، تراکم کارها، پیشرفتهای فراوان، نفوذ عظیم منطقه ای، رسوخ مبانی انقلاب در اعماق دلهای جوانان این کشور؛ اینها چیزهای کوچکی است؟ این حوادث وجود دارد؛ اینها حقایقی است.

در مورد مسائل گوناگون دچار همین خطای محاسباتی هستند. به فضل پروردگار، با همت مردم، با همت شما جوانها در همه جای کشور، در همه ی بخشهای گوناگون دیگر هم شبیه همین فعالیتهایی که فرمانده ی محترم الان گفت که در نیروی هوایی انجام گرفته است، در يك سطح وسیعی، در همه ی دستگاههای کشور در حال انجام است؛ آن هم در حال تحریم، آن هم در حالی که دشمنان تحریم کرده اند؛ ما در علوم پیشرفت داریم، در فناوری پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون اجتماعی پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون بین المللی پیشرفت داریم؛ تجربیات گوناگون، پی در پی برای جمهوری اسلامی يك ذخیره ی ارزشمند دارد به وجود می آورد. ما داریم جلو میرویم و پیشرفت میکنیم، علی رغم دشمن، به کوری چشم دشمن؛ آنها هستند که نتوانستند. آنها میخواستند این ریشه را قلع و قمع کنند، آنها حاضر نبودند نظام جمهوری اسلامی را تحمّل کنند [اما] امروز مجبورند نظام جمهوری اسلامی را تحمّل کنند. در مسائل گوناگون هم با طرق مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی _ انواع و اقسام ترفندها _ هر ضربه ای که بتوانند وارد میکنند لکن بی نتیجه است؛ جمهوری اسلامی، با قدرت در حال پیشرفت کردن است. (1)

برافراشتن پرچم اسلام؛ دلیل مخالفت استکبار با انقلاب اسلامی

این نکته ی بسیار مهمی است که انقلاب ملت ایران در دورانی به نام

ص: 34

1- . در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی در روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران 1393/11/19.

دین و به نام اسلام توانست دنیا را متوجه به خود کند که قدرتمندان عالم _ سیاستهای استکباری _ تصور میکردند که ریشه ی دین و دینداری را در همه ی عالم از جمله در کشورهای اسلامی قطع کرده اند. خاطرشان آسوده بود که نامی از دین بطور برجسته، دیگر باقی نخواهد ماند و روز به روز آثار دینی در مردم ضعیفتر خواهد شد؛ خودشان را به این دلخوش کرده بودند. در يك چنین دورانی بود که ملت ایران با افراشتن پرچم اسلام، دینداری را به فضای زندگی مردم همه ی عالم برگرداند. این يك واقعیتی است. ما برای اسلام قیام کردیم؛ پرچم اسلام را بلند کردیم؛ اما حتی در کشورهایی که دین آنها غیر اسلام است، این تأثیر را انقلاب و ملت ما بخشید که آنها را به سمت تدین، به سمت معنویت، به سمت مطلق دین متمایل کرد. این معجزه را ملت ایران آفرید و این انقلاب با نام اسلام، با نام مبارك قرآن، توانست برای اکثر ملتهای عالم الگو شود.

اگر امروز شما به کشورهای اسلامی مسافرت کنید، ببینید با سی سال قبل _ یعنی قبل از پیروزی این انقلاب _ فضا بکلی متفاوت است. آن روز اگر کسی هم برای آزادیخواهی یا استقلال حرفی میزد و حرکتی و قیامی میکرد، زیر پرچم و شعار مکاتب الحادی و غیر الهی بود، اما امروز در دنیای اسلام، روشنفکر، دانشجو، انسانهای دارای تعهد و مسؤولیت، آن وقتی که از استقلال سخن بگویند، از آزادی سخن بگویند، زیر پرچم اسلام این شعارها را میدهند و این حرکت را انجام میدهند. این به برکت قیام شما ملت ایران و انقلاب اسلامی بزرگی بود که ریشه هایش را در تاریخ نزدیک به تاریخ معاصر ملاحظه کردید: قیام تنباکو، قیام مشروطیت بوسیله ی علمای بزرگ و از جمله ی برجسته ترین آنها قیام مردم لارستان به رهبری این مرد بزرگوار. ما به گذشته که نگاه میکنیم، با این چشم نگاه میکنیم. گذشته برای ما يك وسیله و آئینه ای است؛ مایه ی عبرتی است تا راه آینده مان را هموار کنیم. (1)

ص: 35

بسیاری از دولتهایی که در طول 10 سال گذشته به عراق کمک کرده بودند، امروز اعتراف میکنند که این کمک، علیه ایران و برای کوبیدن اسلام و انقلاب اسلامی ایران بوده است! امروز اعتراف میکنند که با حرکت اسلامی ملت ایران، دشمنی و خصومت داشتند.

این خصومت از طرف کیست؟ از طرف قدرتها؛ کسانی که میخواستند دنیا و ملتها را بچاپند؛ ولی اسلام و بیداری اسلامی و حرکت اسلامی را مزاحم خودشان به حساب می آوردند؛ حقیقت هم همین است. اسلام و بیداری اسلامی، در مقابل هرگونه سلطه گری ایستاده است و خواهد ایستاد. هر حرکت اسلامی که صادقانه باشد، مسلمانان دنیا را که جمعیت کثیری هستند، به خود جلب خواهد کرد و این برای قدرتهای بزرگ، يك خطر است. برای همین است که استکبار جهانی، از انقلابهای دیگر در سایر نقاط عالم، به قدر انقلاب متکی به اسلام واهمه نداشته است.

امروز بخش عظیمی از حسّ استرین نقاط دنیا به لحاظ اقتصادی، منابع، سوق الجیشی و وضعیت اجتماعی، در اختیار مسلمانان است. نقاط التقای سه قاره ی بزرگ و مهمّ عالم یعنی آسیا و آفریقا و اروپا در اختیار مسلمانان است. مهمترین منابع نفت و بسیاری از منابع دیگر عالم، در اختیار مسلمانان است. امروز دنیای استکباری و امپراطوریهای زر و زور میدانند که اگر اسلام در دل مسلمانان و جوامع اسلامی حیات دوباره پیدا بکند، منافع آنها منافع متکی به سلطه و زورگویی و دوقطبی بودن عالم به خطر خواهد افتاد.

کشورهای استکباری میخواهند همیشه زور بگویند، بچاپند، ثروت و قدرت عالم در اختیار آنها باشد؛ ملتهایی هم باشند که کار کنند، زحمت بکشند و منابعشان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آنها بایستد، با آن دشمن میشوند؛ و اسلام در مقابل آنها می ایستد. علّت اینکه استکبار با ایران مخالف است، این است. علّت دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب

اسلامی و با اسلام، این است. این دشمنی، تمام شدنی نیست. در اینجا، آن عامل تعیین کننده که میتواند صحنه را به سود يك طرف سنگین کند و تغییر بدهد و میتواند معین نماید که کدامیک از دو طرف پیروز خواهند شد، عبارت از حقیقت، مفید بودن برای انسانیت، دل‌های مؤمن و قدم‌های استوار است و اینها در طرف ما و پیش ماست. (1)

بغض آمریکاییها از ملت و نظام اسلامی ایران

اینکه شما میبینید آمریکاییها با چه لجی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه میکنند؛ بخاطر این است. اینها يك چنین دورانی را گذراندند؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آنها رفته است؛ لذا دشمنی آنها با انقلاب تمام شدنی نیست. (2)

علل تشدید دشمنیهای استکبار با جمهوری اسلامی

اشاره

... خب، هر بیننده ای احساس میکند و میبیند که تلاش دشمنان در مقابله ی با جمهوری اسلامی در این سالهای اخیر، بخصوص در همین شش هفت سال گذشته و بخصوص در این دو سه سال اخیر، بیشتر شده. به نظر من دو سه عامل تأثیر دارد که ما اگر بدانیم انگیزه های دشمن از کجا ناشی میشود، تکلیف خود را در برنامه ریزیها مان بهتر میفهمیم. (3)

الف) پیشرفتهای جمهوری اسلامی

به نظر من یکی از علل این دشمنیها، همین پیشرفتهای شماست؛

ص: 37

- 1- . در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت معلّم و گروهی از ورزشکاران و مسؤولان سازمان تربیت بدنی کشور 21/6/1369.
- 2- . در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی؛ در حسینیه امام خمینی (ره) 17/10/1393.
- 3- . در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت 2/6/1391.

یعنی می‌خواهند این پیشرفت‌ها کند شود. جمهوری اسلامی با داعیه‌ی اسلام‌خواهی، با داعیه‌ی مردمسالاری اسلامی، با داعیه‌ی ردّ و نفی مستدلّ لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا یک خطری است. هرچه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. می‌خواهند جلوی این را بگیرند. (1)

ب) زنده شدن شعارهای انقلاب

عامل دوم این دشمنیها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کمرنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره‌ی همراه تری می‌گیرند؛ هرچه شما شعارهای انقلاب را پررنگتر کنید، آنها چهره‌شان عبوتر و خصمانه‌تر میشود؛ این چیز طبیعی است. (2)

ج) بیداری اسلامی

عامل دیگر، همین حوادث منطقه است؛ این بیداری اسلامی و آنچه در منطقه‌ی ما رخ داد، که حادثه‌ی فوق‌العاده مهمی است. به نظر من هنوز ابعاد عظیم این حادثه‌ی که در شمال آفریقا و منطقه‌ی اسلامی ما اتفاق افتاده، برای خیلیها درست شناخته شده نیست؛ خیلی چیز عظیمی اتفاق افتاده. پشت این مسأله، دست قدرت الهی است.

خب، اگر چنانچه در این شرایط، یک ایران بی‌دردسر بی‌دغدغه اینجا وجود داشته باشد، با همین شعارهایی که دارد، با همین کارهایی که دارد میکند، با همین پیشرفتی که محسوس است، از آن کشورها بیایند ببینند کارخانه‌ها را، دانشگاه‌ها را، مراکز تحقیقاتی را، وضع زندگی مردم را، بازارهای پر از اجناس را، دولت بی‌دردسر را، بدیهی و طبیعی است که آنها می‌گویند الگوی خوب همین است. می‌خواهند این نگوشدن

ص: 38

1- . همان.

2- . همان.

جمهوری اسلامی نباشد. یعنی برای جمهوری اسلامی درسرهایی بوجود بیاورند تا آن کشورهایی که تحوّل در آنها رخ داده و وارد مرحله ی جدیدی شده اند، برای ادامه ی راه، این را الگو قرار ندهند. (1)

حضور همیشگی آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمّم و دارای توکل به خدا، اتکا به وعده ی الهی که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ (2) موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته ی سیاه خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشئوم و ننگ آلود _ که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه ی ننگ است در منطق صحیح انسانی _ در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار.

نکته ی مهمّ اینجا است؛ اولین حکومتی و دولتی که با این حرکت مردم بجدّ شروع کرد مخالفت کردن، آمریکا بود. [البته] دولتهای دیگری هم بودند، آنها هم ای بسا ناراضی بودند از وضعی که در ایران پیش آمد، لکن عکس العمل آنچنانی نشان ندادند، بعضی از دولتها هم شاید خرسند بودند اما دولت آمریکا به نارضایی قلبی اکتفا نکرد؛ در اولین ماههای پیروزی انقلاب، مجلس سنای آمریکا يك مصوّبه و قطعنامه ی شدیدالحنی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، دشمنی را بطور عملی شروع کرد؛ این در حالی بود که هنوز سفارت آمریکا در ایران باز بود! آن کسانی که خیال میکنند رابطه ی با آمریکا، دوستی با آمریکا موجب میشود که انسان از آسیب آمریکا محفوظ بماند، به این تجربه ی تاریخی مراجعه کنند؛ هنوز سفارت آمریکا در ایران بود، آمریکاییها راحت در داخل کشور رفت و آمد میکردند، انقلاب

ص: 39

1- . همان.

2- . سوره ی محمّد، آیه ی 7.

موجب نشده بود که آمریکاییها را از ایران بیرون کنند؛ مثل بقیه ی دولتها سفارت داشتند، مأمورین داشتند، در اینجا داشتند زندگی میکردند؛ در همان هنگام دولت آمریکا دشمنی خودش را با انقلاب نشان داد. علاوه ی بر این، محمدرضا را که يك دشمن قطعی ملت ایران بود، در آمریکا میهمان خودش کرد، او را بردند در آمریکا نگه داشتند، در واقع پناه دادند به دشمن ملت ایران. خب، عكس العمل و واكنش به این حرکت، حرکت دانشجویان بود؛ رفتند سفارت آمریکا را گرفتند، معلوم شد اینجا لانه ی جاسوسی است، معلوم شد در طول این چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، در این مدت، اینجا مرکز توطئه علیه انقلاب بوده است؛ این را اسناد منتشر شده ی بعدی از داخل سفارت آمریکا نشان داد و ثابت کرد. جوانهای عزیز! اسناد لانه ی جاسوسی را بگیرید بخوانید، درس آموز است. دانشجویانی که سفارت را تسخیر کردند و فهمیدند اینجا لانه ی جاسوسی است، با زحمت زیاد این اسناد را _ که سعی کرده بودند در کاغذ خردکنها آنها را خرد کنند، نابود کنند _ به هم چسباندند، با زحمت زیاد اینها را استحصال کردند و منتشر کردند؛ هفتاد، هشتاد جلد کتاب منتشر شده است. اینها نشان میدهد که آمریکاییها چه در هنگام اوج نهضت، چه در هنگامی که نهضت و انقلاب پیروز شده است و جمهوری اسلامی تشکیل شده است، دائم در حال توطئه علیه نظام اسلامی بوده اند؛ آمریکا این است. اینها مسائل مربوط به بعد از انقلاب است.

قبل از انقلاب، در دوران حرکت عظیم مردمی _ حالا ماجراهای هفدهم شهریور و کشتار مردم و این مسائل که خب همه به وسیله ی دولت دست نشانده ی آمریکا انجام گرفت، به جای خود _ در هشتم بهمن، یعنی چند روز قبل از ورود امام به داخل کشور، در همین خیابانهای تهران، همین خیابان انقلاب، مردم اجتماع کرده بودند؛ ژنرال هایزر که فرستاده ی آمریکا بود و به ایران آمد برای اینکه شاید بتواند یکجوری از دست انقلاب رژیم را

نجات بدهد و حفظ بکند، او در خاطرات خودش مینویسد _ اینها اسناد تاریخی است _ و میگوید من به ژنرال قره باغی گفتم که در مواجهه ی با مردم لوله ی تفنگهایتان را پایین بیاورید؛ یعنی مردم را بکشید، تیر هوایی بیخودی در نکنید، مردم را قتل عام کنید. اینها هم همین کار را کردند، لوله ی تفنگها را پایین آوردند، عده ای جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هایزر میگوید؛ قره باغی بعد آمد به من گفت که این تدبیر تو فایده ای نکرد، مردم عقب نرفتند، آن وقت هایزر میگوید من دیدم این ژنرالهای شاه چقدر کودکانه فکر میکنند؛ یعنی باید ادامه میدادند، باید مرتب میکشیدند. ببینید این رژیم دست نشاندۀ بود. ژنرال آمریکایی دستور قتل عام هموطنان را به ارتشبد ایرانی میدهد و این به دستور او و به توصیه ی او عمل میکنند و چون فایده ای ندارد، میرود به او میگوید فایده ای ندارد؛ او هم میگوید اینها بچه اند، اینها کودکانه فکر میکنند. این، ماحصل و خلاصه ی حکومت پهلوی در ایران است.

آمریکاییها اینجوری با ما شروع کردند؛ با انقلاب اینجوری شروع کردند. بعد هم در طول این مدت هرچه توانستند توطئه کردند. هر گروهی که میتوانست علیه انقلاب حرکتی بکند، از سوی آمریکاییها حمایت شد: کودتای معروف به کودتای پایگاه شهید نوژه ی همدان، یکی از این قضایا بود؛ کمک به کسانی که به عنوان قومیتها در گوشه و کنار کشور علیه انقلاب حرکت میکردند، یکی از این نمونه ها بود؛ بعد تشویق صدام حسین به حمله ی به ایران و هشت سال کمک به صدام حسین یکی از این نمونه ها بود. هشت سال! آمریکاییها در طول جنگ، بخصوص بعد از سال دوم و سوم، کمکهایشان را شدید کردند، امکانات دادند؛ هم آنها، هم متأسفانه همپیمانان اروپاییشان. آمریکاییها اینجوری با انقلاب ما عمل کردند؛ همت آنها این بود که این اساس را براندازند. خب، این خطای در تحلیل بود، خطای در فهم قضیه بود؛ آنها خیال کردند که اینجا هم مثل فلان کشور

آفریقایی یا آسیایی است که يك کودتایی میشود، اسمش را میگذارند انقلاب، میتوانند این را از بین ببرند؛ نمیدانستند اینجا اولاً متکی است به مردم. این انقلاب، انقلاب مردم است. ثانیاً متکی است به باورهای دینی؛ اینها را نمیفهمیدند. لذا در طول این 36 سال یا 37 سال، آمریکاییها هر کاری علیه انقلاب کردند، شکست خوردند؛ بعد از این هم. ان شاء الله. شکست خواهند خورد. هدف از این حرف این است که ما به عنوان ملت ایران، به عنوان مردمی که کشورمان را دوست داریم، به عنوان مردمی که برای خودمان يك آینده ای ترسیم کرده ایم که میخواهیم خودمان را به آن آینده برسانیم، آمریکا را بشناسیم؛ هدف این است. (1)

تاریخ دشمنیها

از اول انقلاب هم این تحرکات به شکلهای مختلف وجود داشته است. همه ی شما یادتان هست؛ از تحرکاتی که در سفارت آمریکا برای براندازی میشد، شروع گردید. که از جمله ی نموده های آن، طراحى مقدمات کودتا در پایگاه شهید نوژه بود، که جوانان مستقر در سفارت در آن روزها حدود صد جلد کتاب بسیار مهم از اسناد آنها منتشر کردند؛ اینها اسناد مهم زمان ماست، اما نمیگذارند روی این اسناد تبلیغات شود. تا حمله به طبرستان تا تشویق عراق به جنگ، بعد کمک به عراق در جنگ، بعد حمله به هواپیمای مسافربری ما، حمله به سکوهای نفتی ما و تحریم اقتصادی ما در چند نوبت، که این را در سالهای اواسط دهه ی هفتاد به شکل قانونی در آوردند؛ قانون معروف به «داماتو». عنادها و بغضها و کینه های اینها را اینطوری باید فهمید.

هرجا جمهوری اسلامی حرکتی را که به سازندگی و آبادانی کشور کمک میکرد، شروع کرد، اینها اگر توانستند، جلو آن را گرفتند؛ البته خیلی

ص: 42

اوقات هم به فضل پروردگار نتوانستند. در جنگ، ما بسیاری از تسلیحات و خیلی چیزهای دیگر را علی رغم میل اینها به دست می آوردیم؛ اما تا آنجایی که توانستند، عامل کارشکنی و خرابکاری شدند؛ از خط لوله ی گاز گرفته تا بقیه ی کارهای فراوانی که انجام شده است. مثلاً در زمان دولت قبلی، ژاپنیه‌ها قرارداد پروژه ی احداث سد بر روی کارون را بسته بودند؛ اما اینها رفتند خرابش کردند. بعضیها به آنها اعتنا کردند، بعضیها هم اعتنایی نکردند و کارهایشان را ادامه دادند.⁽¹⁾

رژیم آمریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدّ مردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملّی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملّت را از طریق معاملات خسارت بار نفت و سلاح ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملّت ایران و بسیاری از ملّتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آنکه علی رغم مجموعه ی آن جبهه ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه ها را بر ضدّ ایران و ملّت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعّال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله تا فعالیت برای محاصره ی اقتصادی کامل ایران تا کمک به عناصر خائن و فراری تا تبلیغات دائمی در همه ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود تا آتشباری در اختلافات منطقه ای و سعی وافر برای ایجاد

ص: 43

1- . در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 1382/5/15.

اختلاف میان ایران و همسایگانش تا تلاشهای براندازی و تروریستی بوسیله ی مزدبگیران سازمان سیا تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه ی جبهه ها و همه ی زمینه های ممکن!

این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومت‌های رژیم آمریکا با ایران و ایرانی است؛ و البته همه میدانند و خود سردمداران رژیم آمریکا بیش از همه بتلخی میدانند که رژیم آمریکا در اغلب این زمینه ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشانند. (1)

اجمالی از تهدیدها و برنامه های دشمن

من يك اشاره ی گذرایی بکنم به آنچه دشمن انجام میدهد. برنامه هایش اینهاست: فشار اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ روانی برای اثرگذاری بر روی افکار عمومی؛ هم در داخل کشور، هم در سطح بین المللی؛ اینها کارهایی است که دارند میکنند. ایجاد اختلال سیاسی و خرابکاری در داخل. بلاشك هستند در داخل، مراکزی که الهام میگیرند از دشمن؛ با هدایت دشمن، با الهام از دشمن، اینها مشغول کارهایی هستند؛ «انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم». (2) هستند بلاشك، مراکزی وجود دارند. در کنار همه ی این کارها، آمریکاییها شعار مذاکره را هم از دست نمیدهند! حالا تحریمهای یکجانبه هم هست، قطعنامه هست، تهدید نظامی هم هست، اما مذاکره هم مطرح میشود؛ هی مکرر در مکرر: ما حاضریم با ایران بنشینیم مذاکره کنیم! خوب، این تدابیر جبهه ی مقابل

ص: 44

1- . پیام به حجاج بیت الله الحرام 1377/1/12.

2- . سوره ی انعام، آیه ی 121.

ما، تدابیر در واقع دشمن ما، هیچکدام جدید نیست. به نظر من یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد، این است که هیچکدام از اینها جدید نیست، که بی سابقه باشد. تحریمها سابقه ی سی ساله دارند و تهدید نظامی هم در همه ی دوره های قبل از این دوره وجود داشته است.

بنده به شما عرض میکنم و بیشتر از همه کس من میدانم؛ در دوره ی به نظرم ریاست جمهوری کلینتون بود که تهدید نظامی بقدری شدید بود که رئیس جمهور محترم آن روز به من غالباً این را میگفت که مثلاً بیاییم فکری بکنیم، کاری بکنیم؛ حیف است که بیایند حمله کنند، کارهایی را که انجام دادیم، ساخت و سازهایی را که انجام دادیم، بزنند از بین ببرند؛ یعنی احتمال حمله کم نبود؛ تهدید میکردند و میگفتند. در همین دوره ی ریاست جمهوری قبل از دوره ی نهم، تهدیدهای نظامی گاهی به قدری شدید میشد و تکرار میشد از طرف دشمن که حساسی دست اندرکاران داخلی را دچار رعب میکرد. جلساتی وجود داشت که حالا فراوان خاطراتی از آن وقت ما داریم؛ من از آن وقت یادداشتهایی دارم. تهدید نظامی همیشه بود؛ اینجور نبود که وجود نداشته باشد.

تبلیغات علیه ما از اول انقلاب بود. هر چیزی را که توانستند، در داخل مورد اتهام قرار دادند؛ از شخص امام گرفته تا مردم تا اجتماعات مردم تا نماز جمعه ی مردم را مورد اهانت، مورد تهمت و نسبتهای خلاف قرار دادند در تبلیغات جهانی، با امکانات فراوانی که در تبلیغات داشته اند؛ مخصوص امروز نیست؛ امروز هم البته هست، لیکن در گذشته کمتر از امروز نبوده، مواردی بیشتر هم بوده.

خرابکاریهای داخلی مخصوص امروز نیست. در سال 82 بعد از قضایای عراق _ حمله ی اشغالگران به عراق _ اینجا در تهران چند روزی اغتشاش شد. آن زن سیاهپوستِ مشاور رئیس جمهور آمریکا که بعد شد وزیر خارجه ی او، صریحاً اینجور گفت: ما از هر اغتشاشی و شورش در تهران حمایت میکنیم؛

این را صریح اعلان کرد. امیدوار شده بودند، خیال کردند که حالا حادثه ای در تهران دارد اتفاق می افتد؛ این مال سال 82 است. آن روز بود، قبل از آن روز هم کم و بیش شبیه آن بود، بعد از آن هم بود؛ سال 88 هم نظایرش را، شبیه اش را، دیگر همه یادشان است، ملاحظه کردید، دیدید. آنچه امروز به صورت تهدید وجود دارد، جدید نیست. من درباره ی هر کدام از این موارد يك کلمه ای عرض میکنم. (1)

در قضیه ی تهدید نظامی هم که البته بعید است چنین حماقتی را بکنند؛ لیکن اگر چنین تهدیدی بوجود بیاید، همه باید بدانند که میدان این مقابله فقط منطقه ی ما نیست؛ دیگر میدانش گسترده تر خواهد بود. (2)

ص: 46

1- . در دیدار کارگزاران نظام 1389/5/27.

2- . همان.

از اواخر سال 87 زمزمه هایی به منظور خدشه در سلامت انتخابات آغاز شده بود. این شایعه ابتدا در رسانه های بیگانه مطرح شده بود و در داخل نیز برخی با تکرار آن، فضا را منفی جلوه دادند.

با توجه به نکات مثبتی که رهبر انقلاب در چهار سال قبل نسبت به دولت نهم فرموده بودند، برخی از طرفداران دکتر احمدی نژاد و برخی از افراد دیگر شروع به گمانه زنی نسبت به رأی رهبر معظم کرده بودند. این امر میتوانست به بی اعتمادی مردم نسبت به سلامت انتخابات دامن زند و هم در صورت رأی آوردن این نامزد، شایعه ی تقلب را تقویت نماید. عجیب آن است که با وجود تذکر رهبر انقلاب، پس از مدتی، کمیته ی صیانت آرا شکل گرفت و گمانه زنیها نسبت به رأی معظم له ادامه یافت، به صورتی که در جلسه ی 26 خرداد، یکی از نمایندگان نامزدها که به دیدار ایشان آمده بودند، این اتهام را تکرار کرد.

هشدار درباره ی خدشه ی بعضی افراد در سلامت انتخابات

انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه ی الهی انتخابات سالمی است. من میبینم بعضیها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است _ در حدود سی انتخابات _ مسؤولان وقت در هر دوره ای رسماً متعهد شده اند و صحت انتخابات را تضمین کرده اند و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بیخود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، تردید ایجاد میکنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرفها تردید ایجاد نخواهد شد.

من به مسؤولین انتخابات هم سفارش و تأکید میکنم؛ بطور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد؛ دست همه ی نامزدها باز باشد؛ مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل _ إن شاء الله _ انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت.

مخفی بودن رأی رهبر

این را هم در باب انتخابات به شما عزیزان و همه ی ملت عزیزمان عرض بکنم؛ درباره ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده يك رأی دارم، آن را در صندوق می اندازم. به يك نفری رأی خواهم داد، به هیچکس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت میکنم، دفاع میکنم؛ بعضی سعی میکنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولتها همیشه دفاع میکنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر

منصفانه ای میشود، بیشتر دفاع میکنم. من طرفدار اعمال انصافم؛ من میگویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجویی ای از محرومین، از هر ایستادگی ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال میکنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری میکنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه ی من است. (1)

اردیبهشت ماه

بادآوری

خطّ تردید در صحّت انتخابات ادامه یافت و پررنگتر از قبل شد. 14 اردیبهشت 88 دو نفر از نامزدهای انتخابات، در نامه ای به شورای نگهبان درخواست بکارگیری ناظران مستقلّ را مطرح نمودند.

بیانات

دنباله روی برخی ناسپاسها از دشمن در خدشه کردن به سلامت انتخابات

دوره ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفتِ اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هرچه بود و نبود، مورد استفاده ی سلطه گران و قدرتمندان بود؛ يك روز انگلیس، يك روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع

ص: 51

1- . در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) 1/1/1388.

شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند. یکی از دشمنیها همین است که این پدیده‌ی بارزش تأثیر حضور مردم و نقش آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی توقعی از دوستان است. بی توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند میبینند؛ میبینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام میگیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند! من انتظارم این است: کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست؛ انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ میگویند؟ چرا بی انصافی میکنند؟ چرا خلاف واقع میگویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسؤولین در طول این سالهای متمادی متحمل شدند، ندیده میگیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی میکنند؟

انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضیها دلایلی آوردند، حرف‌هایی زدند که انتخابات ناسالم است؛ توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند؛ دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دوتا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی بوجود بیاید.

این، انتخابات را خراب نمیکند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است. گاهی يك گروهی، يك جناحی _ از این جناحهای معمولی کشور که شماها این جناحبنديها را میشناسید _ که بر سر کار بودند، نتیجه ی انتخابات به ضرر آنها و به نفع جناح مقابل شده؛ مکرر این اتفاق افتاده. چطور این انتخابات را کسی ممکن است زیر سؤال ببرد؟... (1) خوب، اگر آماده اید، پس _ إن شاء الله _ در انتخابات همه شرکت کنید؛ همه ی ملت ایران به کوری چشم دشمنان در انتخابات آینده هم با شور، با علاقه، با صمیمیت پای صندوقهای رأی می آیند و انتخاباتی خواهند آفرید که دشمنان را خشمگین و عصبانی کند. (2)

اهداف شوم دشمن نسبت به انتخابات

عزیزان من! انتخابات نزدیک است؛ امروز يك ماه به روز انتخابات باقی است. انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود يك سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با يك شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتی شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه های گوناگون خارجی _ که بسیاری از اینها دل پرکینه و پردشمنی ای نسبت به ملت ایران دارند _ نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی تفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در يك دوره ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست

ص: 53

1- . شعار حضار: ای رهبر آزاده! آماده ایم، آماده.

2- . در دیدار جمعی از معلّمان، پرستاران و کارگران 9/2/1388.

و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. میخواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.

انتخابات؛ آبروی ملی ما و وسیله‌ای برای عزت ملی

ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخصهای رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و باشعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیمگیری قائل است؛ میخواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسؤولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند.

مسأله‌ی اول؛ شرکت در انتخابات

انتخاب رئیس جمهور، یعنی انتخاب رئیس قوه‌ی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست؛ و ببینید چنانچه رئیس جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام میدهد؛ میخواهند این نباشد. من عرض میکنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسأله‌ی اول در انتخابات، مسأله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسأله‌ی اول، مسأله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم میکند، پایه‌های نظام را مستحکم میکند، آبروی ملت ایران را زیاد میکند، استقامت کشور را در مقابل دشمنیها زیاد میکند و دشمن را از طمع ورزیدن

به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه فساد و فتنه منصرف میکند. این يك مسأله ی بسیار مهم است؛ پس مسأله ی اول، شرکت در انتخابات است. (1)

خرداد ماه

یادآوری

با وجود تذکرات پی در پی رهبر انقلاب، شایعه ی تقلب بیش از پیش در رسانه های داخلی و بر زبان نیروهای حاضر در عرصه ی انتخابات تکرار شد. با شروع دوران تبلیغات نامزدها، دو اتفاق افتاد که در انتخاباتهای دوره های گذشته بی سابقه بود:

1) برخی از نامزدها شروع به تخریب طرف مقابل نمودند. از يك سو رئیس جمهور کشور را به دروغگویی و تهمت های دیگر متهم نمودند و با تکرار این اتهام باورپذیری آن را افزایش دادند. از طرف رئیس جمهور دولت نهم نیز تخریب صورت گرفت و آنقدر در این امر مبالغه شد که به سیاه نمایی تاریخ انقلاب و نفی دستاوردهای دوره های قبل انجامید. اقدام دیگر رئیس جمهور وقت، نام بردن از افرادی بود که در جلسات حضور نداشتند و نمیتوانستند از خود دفاع کنند.

2) حضور و قدرت نمایی خیابانی طرفداران نامزدها تا پاسی از شب طول میکشید و در برخی موارد به مجادله و توهین می انجامید.

در روزهای پایانی تبلیغات، پیامک هایی نسبت به رهبری داده میشد و در حجم انبوهی منتشر میگردد. در 19 خرداد، نامه ی سرگشاده ی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب در اعتراض به اتهاماتی که به وی در مناظرات زده شده بود، منتشر گردید.

انتخابات با شور و هیجان وصف ناپذیری در موعد مقرر یعنی 22 خرداد انجام شد. کمیته ی موسوم به صیانت آرا، ظهر آن روز اعلام پیروزی

ص: 55

زودهنگام نمود و میرحسین موسوی در ساعت 24 همان روز با اعلام پیروزی خود، از هوادارانش خواست تا برای جشن پیروزی آماده شوند.

23 خرداد: نتایج رأی گیری اعلام گردید و بر اساس آن، محمود احمدی نژاد با اختلاف 11 میلیون رأی، پیروز انتخابات گردید. همان روز میرحسین موسوی با ردّ نتیجه ی اعلام شده، آن را شعبده بازی مسؤولان و صداوسیما نامید و خواستار ابطال انتخابات گردید. بعدازظهر این روز، برخی از اموال عمومی به آتش کشیده شد.

24 خرداد، جشن پیروزی طرفداران نامزد پیروز در میدان ولیعصر (علیه السلام) تهران انجام شد. این در حالی بود که برخی از نقاط تهران از جمله دانشگاه تهران، شاهد برخی اعتراضات طرفداران میرحسین موسوی بود.

در این روز، میرحسین موسوی به دیدار رهبر انقلاب می‌رود و معظّم له تذکّرات لازم را به او میدهند.

25 خرداد به کوی دانشگاه حمله میشود و برخی از دانشجویان مورد ضرب و جرح قرار میگیرند.

شورای نگهبان در اطلاعیه ای از نمایندگان معترض خواست تا شکایات و مستندات خود را به این شورا تحویل نمایند.

راهپیمایی ای از میدان انقلاب تا میدان آزادی و به دعوت میرحسین موسوی، با حضور خود او و مهدی کزّوی و سید محمد خاتمی انجام میشود. در پایان این راهپیمایی به يك پایگاه بسیج حمله میشود. با افزایش خشونتها در برخی از خیابانهای منتهی به مسیر راهپیمایی، تعدادی کشته میشوند.

26 خرداد نمایندگان نامزدها خدمت رهبر معظّم می‌رسند و ایشان پس از شنیدن سخنان صریح و بعضاً خلاف نزاکت برخی از ایشان، رهنمودهایی را برای حفظ آرامش کشور میفرمایند.

آیت الله منتظری که بارها فرمان استادش _ امام خمینی (قدّس سرّه) _ مبنی بر عدم دخالت در سیاست به دلیل بی بصیرتی را زیر پا گذاشته بود، در

بیانیه ای به جمع معترضان پیوست و مردم را نیز به حضور در میدان دعوت کرد.

اعتراضات خیابانی همچنان ادامه داشت.

نماز جمعه ی 29 خرداد در تاریخ ماندگار شد. در خطبه ی دوّم، بسیاری از نکات اساسی گفته شد. رهبر انقلاب بشدّت از آرای مردم دفاع و با هرگونه زورگویی و بدعت مخالفت نمودند. ایشان از همه درخواست کردند تا اردوکشی خیابانی را متوقّف نمایند. بسیاری از فریب خوردگان، متنبّه شدند و صف معترضان از اغتشاشگران جدا شد.

30 خرداد اغتشاش ادامه یافت و قتل مشکوک ندا آقا سلطان و پوشش رسانه ای قوی آن، در دستور کار اغتشاشگران و حامیان خارجی آنها قرار گرفت.

در این روز به مسجد لولاگر حمله و بخشی از آن به آتش کشیده شد.

بیانات

هجوم تبلیغاتی دشمن برای مخدوش کردن چهره ی انتخابات

چند تا نکته را من در باب انتخابات میگویم:

نکته ی اوّل این است که از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این يك بازی کنترل شده ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که میبینید باهم اختلاف نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلّب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی يك چیزی گفتند. مقصود از همه ی این تخریبهها يك چیز است و اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند؛ این را میخواهند.

ص: 57

هدف دشمن از تخریب انتخابات؛ از بین بردن پشتوانه ی مردمی نظام

من به شما عرض میکنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده ی ایران که در طول این سی سال از این همه گرده های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردمسالاری شما مخالفند. دشمن با همین حضور شما، با همین انتخاب شما مخالف است. میخواهند پشتوانه ی نظام را که مردم هستند و آرای مردم است، از نظام بگیرند؛ میفهمند چکار دارند میکنند. وای به حال آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، همان حرف آنها را تکرار کنند و همان مقصود آنها را در داخل تحقّق ببخشند. آنها دارند امید را از مردم میگیرند. ملت ایران سرفراز است به اینکه توانسته در طول این سی سال مسؤولین را خودش معین کند. مسؤولین بلندمرتبه ی نظام از صدر تا ذیل بوسیله ی مردم انتخاب شده اند؛ رهبری هم بوسیله ی مردم انتخاب میشود با واسطه ی انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای گوناگون؛ این جزو افتخارات نظام است، میخواهند این را از مردم بگیرند؛ چون میدانند نظام با این مستحکم میشود. من به شما عرض میکنم: هرکسی به استحکام این نظام علاقه مند است، هرکه به اسلام علاقه مند است، هرکه به ملت ایران علاقه مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.⁽¹⁾

ضرورت پرهیز طرفداران نامزدهای ریاست جمهوری از درگیری

عزیزان من! نامزدهای مختلف هرکدام طرفدارانی دارند، علاقه مندانی دارند. علاقه مندان این نامزد نمیتوانند اعتراض کنند به علاقه مندان آن نامزد که شما چرا به او علاقه مندی، به نامزد مورد علاقه ی من علاقه ای نداری. نه، این جزو افتخارات کشور ماست. افراد گوناگون می آیند؛ با منشهای مختلف، با سلیق مختلف، با شیوه های گوناگون کار، در مقابل

ص: 58

مردم قرار میگیرند. يك عده این را میپسندند، يك عده آن را میپسندند، يك عده آن را میپسندند؛ این افتخار است؛ این خوب است. هرکدام از نامزدهای محترم هم طرفدارانی دارند. بعضیها از این طرفداران متعصب هم هستند، خیلی علاقه مند سرسختند به آن نامزد خودشان. خیلی خوب، باشند، حرفی نیست؛ اما مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه مندیها به اصطکاک نینجامد؛ به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش میکنید؛ نگذارید دشمن این ایمان، دشمن این آرمان از شما سوءاستفاده کند. من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابانها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها میروند _ حالا من درباره ی این رفتن تو خیابانها حرفی نمیزنم _ اما مؤکداً میگویم: مبدا این خیابانگردیها به مقابله، به مجادله، به درگیری بینجامد؛ مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا خائن است، یا بسیار غافل است. (1)

لزوم پرهیز نامزدها از ایجاد دشمنی با یکدیگر

نکته ی سوم درباره ی انتخابات. خود نامزدهای محترم هم مراقب باشند. نمیپسندند انسان که بیند يك نامزدی، چه در نطقهای تبلیغاتی، چه در سخنرانی، چه در تلویزیون، چه در غیر تلویزیون، برای اثبات خود متوسل بشود به نفی آن دیگری، آن هم با يك استدلالهای گوناگون؛ به نظر من این درست نیست. قبلاً هم من يك توصیه ای در این مورد کردم، حالا هم در این روزهای آخر عرض میکنم. نامزدها همه برای يك هدف دارند کار میکنند. هرکسی به نظر خودش يك احساس مسؤولیتی، تکلیفی دارد، می آید میدان. من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم؛ اما سعی کنید این در چارچوبهای درست شرعی و دینی انجام بگیرد. مردم،

ص: 59

مردم بیداری هستند، میفهمند، میدانند. این چهار نفر نامزدی که از شورای نگهبان تأیید شده اند و در اجتماعات گوناگون سخنرانی میکنند، خود آن نامزدهای محترم توجه کنند، مراقبت کنند که در این سخنرانیها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نفاق؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، يك امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد. نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود. این را خود نامزدهای محترم هم توجه کنند.

تأکید بر مخفی بودن رأی رهبر

مطلب چهارم؛ بنده در این انتخابات يك رأی بیشتر ندارم، آن رأی را هم به نظرم میرسد که کسی بطور مشخص نمیداند، حالا ممکن است کسانی حدس بزنند. من به کسی نمیگویم، نگفته ام و نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید؛ رأی من مربوط به خود من است. این مال ملت است. آنچه من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه ی قوا، با همه ی توان، با همه ی نشاط، در روز بیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. خدای متعال با آن ملتی است که می اندیشد، تصمیم میگیرد، انتخاب میکند و برای خدا و در راه خدا به آن انتخاب عمل میکند. (1)

تشکر از حضور پرشور و عقلانی طرفداران نامزدها در ایام تبلیغات

باید از این حضور پرشوری که در روزهای اخیر و حتی شبها _ آنطور که مطلع شدم _ مردم در خیابانها داشتند، تشکر کنم. هر گروهی طبق میل خودشان و به نظر خودشان شعار میدادند، اما رشد و آگاهی مردم نگذاشت

ص: 60

که يك حادثه ی تلخی بوجود بیاید؛ در صحنه هستند، شعارهاشان را هم میدهند، شور و شوق خودشان را هم ابراز میکنند، لکن در عین حال رشد و کمال و بلوغ عقلانی خودشان را هم نشان میدهند.

اهمیت امنیت انتخابات

امنیت انتخابات خیلی مهم است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخاباتها، امنیت برقرار بوده است. این خیلی نعمت بزرگی است؛ این ناشی از تفضّل الهی و ناشی از شعور و درک مردم ماست. امروز هم من امیدوارم و از مردم خواهش میکنم که توجه کنند، همین امنیت، همین آرامش و همین متانت و سکینه ی روحی لازم، در آنها وجود داشته باشد. ممکن است بدخواهانی بخواهند در مراکز رأی تشنج ایجاد کنند؛ هرگونه تشنجی به ضرر صندوقهای رأی تمام خواهد شد؛ یعنی به ضرر آرای مردم و به ضرر مردم است؛ اگر کسانی خواستند چنین تشنجی ایجاد کنند، خود مردم نگذارند و با متانت، با صبر و با حلم و وقار خودشان، مانع بشوند از اینکه خواسته ی بدخواهان این ملت عملی بشود.

ضرورت باور نکردن شایعات در امر انتخابات

به شایعات هم خیلی گوش نکنند. من دیدم دیروز و دیشب _ در این پیامکهای فراوانی که دست مردم هست _ شایعاتی را از قول من نقل میکردند که دروغ محض بود و واقعیت نداشت. آدمهای خوش نیت و سالم این کارها را نمیکند؛ آدمهای ناسالم از این کارها میکنند؛ توی همه ی بخشها و همه ی گروهها هم کم و بیش ممکن است آدم ناسالم _ که سوءنیت داشته باشند و حسن نیت نداشته باشند _ پیدا بشود. به این شایعات هم توجه نکنند. امروز هم ممکن است باز شایعاتی _ نسبت به بخشهای مختلف انتخابات _ بین مردم وجود داشته باشد؛ ما اعتمادمان در درجه ی اول _ در

اول و آخر_ به لطف خدا و به کمک الهی است و از خدای متعال استعانت میکنیم و کمک میخواهیم و در درجه ی بعد به آگاهی و رشد و هوشیاری مردم است. (1)

جشن واقعی به خاطر ثبت نصاب تازه از مشارکت در انتخابات

انتخابات 22 خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه ای در سلسله ی طولانی انتخابهای ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، يك جشن واقعی است که به حول و قوه ی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند.

ثابت شدن صلابت ایران با حضور پرشور مردم در انتخابات 22 خرداد

دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردمسالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه نفستر و سرزنده تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه ی راه روشن خود مطمئن میسازد.

تبریک پیروزی ملت در انتخابات و دعوت به شکرگزاری این نعمت

اینجانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولیّ الله الأعظم روحی فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملت تبریک عرض میکنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه مینمایم.

ص: 62

لزوم حفظ هوشیاری در برابر توطئه های دشمن در شبه ی پس از انتخابات

گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. به همه ی آحاد مردم و به ویژه جوانان عزیز که سرزنده ترین نقش آفرینان این حادثه ی شورانگیز بودند، توصیه میکنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شبه ی پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ی ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

تشکر از نقش آفرینان در خلق حماسه ی انتخابات

وظیفه ی خود میدانم از همه ی کسانی که در خلق این حادثه ی بزرگ نقش آفریدند، صمیمانه سپاسگزاری کنم: از نامزدهای محترم که با مطرح ساختن نقطه نظرهای سیاسی و اقتصادی و با سخن و رفتار خود، دارندگان سلايق گوناگون اجتماعی و سیاسی را به صحنه آوردند، از نخبگان و برگزیدگانی که مخاطبان خود را به حضور در این آزمون بزرگ دعوت کردند؛ از مراجع عظام و علمای اعلام و فرزندانگان دانشگاهی و شخصیتهای فرهنگی و سیاسی؛ از رسانه ی ملی و مدیران و طراحان و مجریان و هنرمندان صدا و سیما که نوآوریهای تحسین برانگیز آنان نقش تعیین کننده ای در این حادثه ی فراموش نشدنی داشت؛ از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفه ی خطیر خود صادقانه و سختکوشانه عمل کردند؛ از نیروی انتظامی و دیگر دستگاههای حافظ امنیت، که فضای

سالم و باز و آرام را برای مردم تأمین نمودند و سرانجام و بیش از همه، از یکایک رأی دهندگان که برای خود و کشورشان آبرو و ثبات و امنیت فراهم آوردند.

تَضَرُّعٌ بِهٖ دِرْكَاهُ الْهَيْ وِ اسْتِمْدَادُ مِنْ اِمَامِ زَمَانٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

بار دیگر با تَضَرُّع و ابتهاج، خدای عزیز و قدیر را از اعماق جان، سپاس گفته، هدایت و رحمتش را برای این ملت و این بنده ی ناتوان مسألت میکنم و با سلام به حضرت ولیّ الله الاعظم روحی فداه، به دعا و رعایت و حمایت آن صاحب اصلی این کشور دل میندم و به روح امام راحل و ارواح طیبه ی شهیدان عزیز درود میفرستم. (1)

پیام حضور مردم در انتخابات 22 خرداد

ملت ایران اسلامی با حضور گسترده و پرشور خود در این انتخابات ثابت کرد که به عزت ملی اهمیت می دهد و ایستادگی در مقابل زورگویان و زیاده خواهان و پایداری برای احقاق حق را جزو ارزشهای اساسی و افتخار خود می داند و این را با این انتخابی که انجام گرفت نشان داد.

رهبر انقلاب اسلامی به تلاش دشمنان این کشور با راه اندازی جنگ روانی و تبلیغات وسیع آنان در رسانه های بیگانه برای دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اشاره کردند و افزودند: حقیقتاً يك دست اعجاز آفرین الهی پشت این انتخابات بود چرا که نتیجه آن، ده میلیون رأی بیشتر در مقایسه با بالاترین رقم مشارکت مردم در انتخابات 30 ساله است. (2)

تذکر به یکی از نامزدهای معترض

حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار آقای میرحسین موسوی با ایشان، بر پیگیری مسائل از طریق مراجع قانونی تأکید کردند.

ص: 64

1- . پیام به مردم پس از برگزاری دهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری 23/3/1388.

2- . مراسم مولودی خوانی در خجسته سالروز میلاد حضرت فاطمه (علیها السلام) 24/3/1388

در این دیدار، آقای میرحسین موسوی ضمن ارائه ی گزارشی، دیدگاه خود را درباره ی روند انتخابات بیان کرد.

رهبر انقلاب با تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت، خاطرنشان کردند: در دوره های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان، به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود.

ایشان با اشاره به نامه ی آقای موسوی به شورای نگهبان افزودند: به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحیهای پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابانها، خطاب به آقای موسوی افزودند: جنس شما با اینگونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

حضرت آیت الله خامنه ای با تحسین از حضور بی سابقه ی مردم در انتخابات 22 خرداد افزودند: به یاری پروردگار، انتخابات با اتقان، صحت و آرامش خوبی برگزار شد و شما هم مسائل مورد نظر را از طریق قانونی پیگیری کنید. (1)

یکی بودن طرفداران همه ی نامزدها در اعتقاد به نظام

ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه ی انشقاق نشود؛ این حرف اصلی من است. اینکه ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست و چهار میلیون ی یک طرفند، یک گروه چهارده میلیون ی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه اینجور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رئیس جمهور منتخب این دوره ی از انتخابات رأی

ص: 65

دادند، همانقدر وابسته‌ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه‌های مردمی، فرزندان این کشورند؛ فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه‌ی رأی دهنده را که يك عدّه ای رأی به يك نامزدی دادند، يك عدّه ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم؛ نه، در يك مسأله ای، در يك گزینشی، اینها سلیقه شان يك جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همه‌ی اینها باهم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهمّ است.

ضرورت حراست از اتحاد ملّی با وجود اختلاف سلیق سیاسی

من معتقدم همه‌ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملّی را در گفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی راه، دست کم نگیریم؛ این چیز بسیار مهمّی است. امروز نظام اسلامی نشان دارد می‌دهد که مردمسالاری واقعی در او حکمفرماست. مردم می‌آیند مینشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش میکنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابانها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسأله‌ی مهمّی است. ما باید به این شبهای گوناگون و متعدّدی که در خیابانهای تهران و بعضی از شهرستانهای دیگر مردم جمع میشدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمّی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل میکردند که توی يك خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه میشوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن، آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها

دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده ای این را میخواهند در جامعه تحقّق ببخشند. این خلاف واقع است.

آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از يك نامزد، با آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایرانند، گروههایی از مردمند؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرائی هم دارند؛ يك جمعی رأی به این دادند، يك جمعی رأی به آن دادند. البته قاعده ی مردمسالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدّم پیدا میکند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسؤولیت را به عهده میگیرد؛ این قاعده ی مردمسالاری است. اما این به معنای ایجاد تراحم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست.

وظیفه ی همه ی نامزدها و طرفداران در مقابله با ایجاد دشمنی

با ایجاد دشمنی همه تان مقابله کنید. این مخصوص يك نامزد یا يك ستاد یا يك مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد تقار و دشمنی و کدورت مقابله کنند.

لزوم پیگیری اعتراضات از مجاری قانونی

بله، ممکن است کسانی همانطور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راههای قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسؤول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این

هست که پاره ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا بطور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

اعتماد رهبری به مسؤولان انتخابات در همه ی دوره ها

البتّه من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه ی انتخاباتهای گذشته _ شماها همه تان مسؤولین هستید، بوده اید، ممشای بنده را میدانید _ به مسؤولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدّد، مسؤولین از سلائق مختلف بودند، امّا من به مقام مسؤولی که میشناسم و قاعده ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همینجور است؛ من اعتماد میکنم، امّا این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبهه ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهمّتر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملّی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هرکسی به نحوی، هرکسی وظیفه ای دارد.

ضرورت صیانت از افتخار بین المللی انتخابات با چهل میلیون رأی

انتخابات مایه ی افتخار ماست. چهل میلیون رأی شوخی نیست. این از بالاترین نصایب که ما تا حالا داشته ایم، مبالغ قابل توجّهی بیشتر است؛ این خیلی اهمّیت دارد. بعد از سی سال ملّت ما پابندی شان به نظام جمهوری اسلامی آنچنان است که اینجور با شور و شوق وارد

صحنه

میشوند که خبرگزاریهای خارجی از همان ساعات اول اعلام کردند _ ما خبرها را تعقیب میکردیم _ و همه گفتند که این دفعه حضور مردم، حضور فوق العاده ای است. این را همه گفتند. حالا غیر از مشاهداتی که کسانی میرفتند رأی میدادند و می آمدند برای ما نقل میکردند، خبرگزاریها گفتند و در تعدادی از تلویزیونهای بیگانه هم منعکس شد که حضور مردم، حضور جدی و فعال و متراکمی است. در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. همین رأی دهندگان از دو طرف، هم طرف آن کسانی که رأی دادند به نامزد منتخب، هم آن کسانی که رأی ندادند به نامزد منتخب و به دیگری رأی دادند _ که مجموعاً مثلاً حدود چهارده میلیون میشوند _ همه شان در ایجاد این حماسه ی بزرگ سهیم بودند. ما این وحدت را، این نگاه کلان را، نگاه یکسان را فراموش نکنیم و این را از دست ملت نگیریم. همه سهیمند؛ آن کسی که به آقای دکتر احمدی نژاد رأی داده، او هم سهیم است؛ آن کسی که به آقای مهندس موسوی رأی داده، یا به آقای کروبی رأی داده، یا به آقای رضایی رأی داده، آنها هم همه در ایجاد این حماسه ی بزرگ سهیمند و کشور مدیون آنهاست و نظام حقیقتاً مدیون این حضور حماسی مردم است که آمدند از نظام خودشان که متعلق به خودشان هست، از انقلابی که متعلق به خودشان هست، دفاع کردند و این اقدام را کردند؛ نگاه اصلی باید این باشد.

وظایف طرف پیروز و طرف مغلوب در انتخابات

البته هر طرفی ملاحظاتی باید بکند؛ این را من قبول دارم. هم آن طرفی که توانسته اکثریت را به دست بیاورد، ملاحظاتی لازم است بکند، توجهاتی بکند، مراقبتهایی در کیفیت رفتار و حرکت انجام بدهد، هم آن طرفی که

این رأی اکثریت را کسب نکرده، او هم مراقبتهایی لازم دارد. همه باید حلم داشته باشند. حلم اسلامی که ما در فارسی او را بردباری معنا میکنیم، معنایش توان تحمل و ظرفیت تحمل است. همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضایل انسانی است؛ ما باید این را هم در نخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم.

وجود دستهایی برای خرابکاری و اختلاف افکنی بین طرفداران نامزدها

البتّه شما شگّی ندارید، من هم مثل شما، که کسانی هستند که این وحدت را نمیخواهند. حوادثی پیش می آید گوشه و کنار که این حوادث نه به آن گروه، نه به آن گروه، هیچ ارتباطی ندارد و این مربوط به افرادی است که این وحدت را، این اتّفاق را، این نمایش عظمت را نمیخواهند. من حالا این شاءالله در روز جمعه اگر عمری بود و مجالی بود، در این باره بیشتر صحبت خواهم کرد. کسانی نمیخواهند این موقّیتهای شما را ببینند. در این قضایا همه موقّ شدید، همه پیروز شدید؛ در این جهت که توانستید نظام مورد علاقه تان را تحکیم ببخشید. مردم همه پیروزند؛ به خاطر اینکه توانستند يك عظمتی و عزّتی را از خودشان بروز بدهند. عدّه ای این را نمیخواهند و طبعاً خرابکاری میکنند، ایجاد اختلال میکنند، از این به آن حرف میزنند، از آن به این حرف می آورند؛ غالباً هم خلاف. بنده چون از اطراف مختلف، حرفها به گوش من میرسد، میبینم این چیزهایی که این طرف از آن طرف میگوید، بعضاً خلاف واقع است؛ هم آن چیزهایی که آن طرف از این طرف بیان میکند، بعضاً خلاف واقع است. پیداست کسانی در وسط نمیخواهند این اتّحاد و اتّفاق در کشور شکل بگیرد. این حالا آسانترین است، بدترش هم همین کارهای خرابکاری ای است که شما میبینید انجام میدهند، که

البته همه باید در مقابل این خرابکاریها بایستند، اعلام موضع کنند. همه بایستی بگویند.

این تخریبهایی که انجام میگردد، این کارهای زشتی که انجام میگردد، بعضاً جنایاتی که واقع میشود، مربوط به هیچکدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلاصگراهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه، اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمانها راه می اندازند که ما مکرر گفته ایم اینها نه سنی اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک میکنند و در وضع اتحاد جامعه ی عظیم ما هم همینجور است. کسانی که يك طرف را علیه يك طرف تحریک میکنند، کارهایی میکنند به عنوان طرفداری از يك جهت، در حالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرفند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند، با آرامش کشور مخالفند، طرفدار تشنجند، طرفدار اغتشاشند، میخواهند آرامش نباشد.

وظیفه ی همگان در اعلام موضع صریح نسبت به اغتشاش آفرینان

هرکس سر کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم میشد، بنده بطور اطمینان میتوانم عرض بکنم که باز اینجور حوادثی دیده می شد، باز این حوادث پیش می آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته اند و میخواهند این را از بین ببرند. هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست؛ و هر کاری که تشنج آفرین باشد، واقعاً نکنند؛ یعنی همدیگر را عصبانی نکنند.

لزوم پرهیز طرفداران نامزد پیروز و مغلوب از عصبانی کردن طرف مقابل

این را هم من بد نیست در اینجا خطاب به مردمی که خارج از این مجموعه ی شما برادران عزیز هستند، توصیه بکنم، که اگر این صحبتها پخش شد، خطاب به مردم هم باشد. من به مردم عزیزمان هم عرض میکنم: دو جناح و دو گروه، همدیگر را عصبانی نکنند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان پیروز شده، جووری حرف بزنند، جووری رفتار کنند که آن طرف مقابل را عصبانی کند، جریحه دار کند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان رأی نیاورده، جووری حرف بزنند، جووری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کند؛ نه، همه يك جهت مشترك دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنه ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی؛ این اساس قضیه است، این آن چیزی است که دل ولیعصر (ارواحنا فداه) را راضی میکند و خشنود میکند. این آن چیزی است که إن شاء الله موجب رحمت الهی و جریان رحمت الهی در این کشور میشود. این به نظر من درست است.

تأکید بر حفظ هویت جمعی کشور و ملت

امیدوارم که خدای متعال کمک کند. من وظیفه ی خودم دانستم که این عرایض را به شماها بکنم. همینطور که گفتم، من تقریباً همه ی شما یا اغلب شماها را از نزدیک میشناسم و سوابق کاریتان را میدانم و به نظرم رسید که اینجور حرف زدن و اینجور مخاطبه ی با شما، إن شاء الله خوب است و لازم است و تکلیف من است که این را عرض بکنم. من احساس میکنم امروز همه تکلیف داریم از هویت جمعی این کشور و این ملت دفاع کنیم. يك مجموعه ی عظیم مردمی است، با این بار امانت سنگینی که بر دوش گرفته، با این حرکت عظیم و شجاعانه ای که در طول این سی سال این ملت انجام داده، این را نگذارید شقه شقه بشود، نگذارید افراد در مقابل هم قرار بگیرند. هرکدامتان به يك کیفیتی خواهید توانست این کار را انجام بدهید.

إن شاء الله خداوند کمکتان کند، راهنماییتان کند، همه مان را راهنمایی کند که بتوانیم این وظیفه را به بهترین وجهی انجام بدهیم. (1)

سه مطلب خطاب به سه دسته

اشاره

مسأله ای که در این خطبه مطرح میکنم، مسأله ی انتخابات است که فعلاً مسأله ی روز در کشور ماست. سه مطلب را خطاب به سه دسته عرض خواهم کرد. يك مطلب خطاب به عموم ملت عزیزمان در هر نقطه ای از کشور که هستید، میخواهم عرض بکنم. يك مطلب را خطاب به نخبگان سیاسی، نامزدهای ریاست جمهوری، فعالان و دست اندرکاران قضایای انتخابات میخواهم عرض بکنم. يك مطلب هم خطاب به سران استکبار، بعضی از دولتهای غربی و سردمداران رسانه هایی که آنها اداره میکنند، خواهم گفت.

مطلب اول خطاب به مردم عزیز

تشکر از ملت برای نمایش روح مشارکت و دلبستگی به نظامشان

در باره ی مطلب اول که خطاب به شما مردم عزیز است، حرف من عبارت است از يك دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانیها و خطابه ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه ی انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض میکنم که هرچه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات 22 خرداد يك نمایش عظیمی بود از احساس مسؤولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکتجوی مردم در اداره ی کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که

ص: 73

در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسیهای گوناگون _ چه دموکراسیهای ظاهری و دروغین و چه دموکراسیهایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه میکنند _ نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه پرسی سال 58 _ فروردین 58 _ هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه ی گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود 85 درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارك ولى عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت مبینند. این نشانه ی توجّه خداست. لازم میدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.

شور و شعور نسل جوان در انتخابات سال 88

نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره ی داغ انقلاب دلها را به هیجان می آورد، بعد هم در دوره ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسؤولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست.

تعهد جمعی مردم برای حفظ نظام و کشور با وجود اختلاف سلیق

البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده ی دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن يك تعهد جمعی را انسان در بین همه ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ يك تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در

شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

انتخابات 88؛ زلزله ی سیاسی برای دشمن و جشن برای دوستان

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما يك زلزله ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم يك جشن واقعی بود؛ يك جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب اینجور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این يك جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی يك نَفَس تازه کردن، يك حرکت از نو، يك فرصت بزرگ. این انتخابات، مردمسالاری دینی را به رخ همه ی مردم عالم کشید. همه ی کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردمسالاری دینی یعنی چه. این يك راه سوّم است. در مقابل دیکتاتوریهها و نظامهای مستبدّ از يك طرف و دموکراسیهای دور از معنویت و دین از يك طرف دیگر، این مردمسالاری دینی است؛ این است که دلهای مردم را مجذوب میکند و آنها را به وسط صحنه میکشاند. این، امتحان خودش را داد. این يك نکته درباره ی این انتخابات.

انتخابات 22 خرداد؛ نشانه ی اعتماد و امید مردم

نکته ی دوّم در باب این انتخابات این است که انتخابات 22 خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی میکنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه ی خودشان بر زبان می آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمیدهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی

در این انتخابات آشکار شد؛ و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته اند؛ دشمنان ملت ایران میخواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه ی جمهوری اسلامی است، میخواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ میخواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره ی این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند تا این اعتماد را متزلزل کنند.

خسارت عظیم تضعیف اعتماد مردم به نظام

دشمنان ملت ایران میدانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را میخواهند؛ هدف دشمن این است. میخواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانك و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست.

شروع خط فتنه ی تقلب از پیش از انتخابات

مردم بیایند در يك چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند.

گوش نکردن برخی نسبت به هشدار درباره نقشه ی دشمن

من آن وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسؤولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن میخواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم يك نکته.

رقابتهای انتخاباتی 88؛ رقابتهای جدی و میان جریانهای معتقد به نظام

نکته ی سوّم، مسأله ی رقابتهای بود. این رقابتهای کاملاً رقابتهای آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. بقدری این رقابتهای و این گفتگوها و این مناظره ها شفاف و صریح بود، که عده ای به آن معترض شدند _ حالا عرض خواهم کرد _ حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم بوجود آورد که الان هم هنوز آثارش را داریم مشاهده میکنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریانهای متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی میکنند در رسانه های گوناگون _ که غالباً هم این رسانه ها مال این صهیونیستهای خیبت و رذل است _ اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، اینجوری نبود؛ آنها غلط میکنند این حرف را میزنند؛ این واقعیت ندارد.

این چهار نفری که وارد عرصه ی این انتخابات جدی شدند، همه شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرمانده ی سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه ی مقننه ی کشور

بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه شان متعلق به نظامند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیریهای گوناگون سیاسی باهم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خبیث و دیگران می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته‌ی به نظام؛ متعلق به نظام و همه شان هم با این سوابق. همه شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را میدانم، سلايقشان را میدانم، خصوصیات رفتاریشان را میدانم، با همه شان از نزدیک من کار کردم.

البته بنده همه‌ی دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شك قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر میدانم؛ اما انتخاب به عهده‌ی مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیون‌ها این طرف، میلیون‌ها آن طرف؛ بنابراین، مسأله، مسأله‌ی درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسأله را تغییر بدهند، این صددرصد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است.

آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پابندی اش بیشتر است، به او رأی دادند. آن کسی را که صالحتر برای خدمت به نظام میدانستند، به او رأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند.

اما این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره ها تو ذهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ میکردند که این رقابتها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده اند، باهم بحث میکنند، باهم استدلال میکنند. بنابراین مناظره ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروهها بدون ابهام، بدون پیچیده گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه هایشان چیست، پابندیهایشان کدام است تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقتها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم میخواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا میبرد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش

میدهد، قدرت انتخاب را بالا میبرد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است.

البته همینجا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همینطور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه.

البته خیلی خوب است که اینجور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند _ البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد _ و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد.

اگر اینجور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمیکند؛ همه‌ی حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخها، جوابها.

اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان میدید که در این مناظره‌ها جنبه‌ی منطقی مناظره ضعیف میشد؛ جنبه‌ی احساساتی و عصبی پیدا میکرد؛ جنبه‌ی تخریبی غلبه پیدا میکرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافیهای احیاناً

دیده شد؛ هم بی انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت و هم بی انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرفهایی هم که خوب نبود، گفته شد.

بنده هم مثل بقیه ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب آور و نگران کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از يك طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانیها را برای من می آوردند و من میدیدم یا گاهی میشنیدم؛ تهمتهایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغگویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، میبینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبتهای خجالت آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همینجور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه ی درخشان سی ساله ی انقلاب کم رنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها

شخصیتهای این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچوقت رستم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. بطور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هرکس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمیشود اینها را رسانه ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمیشود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرفها مطرح میشود، تلقیهای نادرست در جامعه بوجود می آید، جوانها چیز دیگری خیال میکنند، چیز دیگری میفهمند.

آقای هاشمی را همه میشناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسؤولیتهای بعد از انقلاب نیست؛ من از سال 1336 _ یعنی 52 سال قبل _ ایشان را از نزدیک میشناسم. آقای هاشمی از اصلیتین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیتهای جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب میکرد و به مبارزین میداد. اینها را جوانها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسؤولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسؤولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب يك اندوخته ای درست کرده باشد. اینها يك حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که

طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال 84 تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همینجور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت‌های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دل‌بستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره‌های زنده‌ی تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت _ بعد از مناظره _ به آقای رئیس جمهور هم تذکر دادم؛ چون میدانستم ایشان ترتیب اثر میدهند.

در مورد مبارزه‌ی با فساد مالی، موضع نظام يك موضع روشنی است. در زمینه‌ی مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام يك موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من میخواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه‌ی هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه قوه‌ی نمینوشتیم و اینقدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما میخواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظامهای سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست.

این هم که ما اشخاص را، مسؤولین را بی جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جدلاً مبارزه کرد؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در

قوه ی قضائیه، هم در قوه ی مقننه. همه موظفند با این مسأله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما اینکه بسیاری از کشورهای دنیا _ همین کشورهای غربی که این قدر دم از مبارزه ی با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها میزنند _ تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه ی دنیا دانستند. این يك گوشه هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست. (1)

مأجور بودن همه ی مردم در خلق حماسه ای تاریخی در انتخابات دهم ریاست جمهوری

عزیزان من! ملت ایران! 22 خرداد يك حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگرچه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به يك پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به يك شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمیشود آن را دستکاری کرد.

رقابتها تمام شد. همه ی کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ إن شاء الله اجر الهی دارند. همه شان در درون جبهه ی انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند. (2)

ممکن نبودن تقلب گسترده با وجود سازوکارهای قانونی انتخابات

مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته

ص: 84

1- . در خطبه های نماز جمعه ی تهران 29/3/1388.

2- . همان.

باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. سازوکارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه ی تقلب نمیدهد. این را هرکسی که دست اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق میکند؛ آن هم در حدّ یازده میلیون تفاوت! يك وقت اختلاف بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، يك میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید يك جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور میشود تقلب کرد!

نپذیرفتن بدعت‌های غیرقانونی برای مصونیت پیدا کردن انتخابات آینده

در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستندات ارائه میدهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهار چوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد.

ضرورت پیگیری اعتراضات از راه‌های قانونی

بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، برطبق قانون. اگر واقعاً شبهه ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین،

هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.

مطلب دوم خطاب به سیاسیون، نامزدها و احزاب

ضرورت دقت در رفتار و در نظر گرفتن موقعیت حساس کشور

اما خطاب دوم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من میخواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز يك لحظه ی حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه ی ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه ی حساسی از تاریخ قرار گرفته ایم. همه ی ما وظیفه داریم که در این مرحله ی تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم.

مسئولیت هرج و مرجها و خونها بر عهده ی نخبگان سیاسی قانون شکن

در این قضیه ی انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه ی خودشان عمل کردند. وظیفه شان این بود که بیابند پای صندوقهای رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما وظایف سنگینتری داریم. آن کسانی که به يك نحوی يك نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی و يك عده ای از اینها حرفشوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطیگری کنند، دامنه ی این افراطیگری در بدنه ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه هایش را دیده ایم. افراط وقتی در جامعه بوجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطیگری

دیگران دامن میزنند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسؤول خونها و خشونتها و هرج و مرجها، آنهایند.

وظیفه ی نخبگان سیاسی؛ در دیدن چهره ی بی نقاب دشمنان

من به همه ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه ی کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره هایشان برمیدارند و چهره ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

امروز _ حالا عرض خواهم کرد _ دیپلماتهای برجسته ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف میزدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره ی واقعی خودشان را دارند نشان میدهند؛ «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (1) دشمنیهای خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان میدهند؛ از همه هم خبیتر دولت انگلیس.

یادآوری آخرین وصایای امام (قدس سره) مبنی بر فصل الخطاب بودن قانون

من به این برادران عرض میکنم، به مسؤولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسؤولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید.

فلسفه ی انتخابات؛ حل شدن اختلافات سر صندوق رأی نه کف خیابان

انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم

ص: 87

بشود که مردم چی میخوانند، چی نمیخوانند؛ نه در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهايي که رأی نیاوردند، اردوکشي خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهايي که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشي کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما میخوانیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف يك جور، این طرف يك جور.

لزوم دقت نسبت به سوء استفاده ی تروریستها از تجمّعات خیابانی

برای نفوذی تروریست _ آن کسی که میخواند ضربه ی تروریستی بزند _ مسأله ی او مسأله ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که میخوانند راهپیمایی کنند یا تجمّع کنند. اگر این تجمّعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسؤولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد _ تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند _ که بالاخره واکنشی بوجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه ی این واکنشها با کیست؟

دلخون شدن از حمله به جوانان دانشجوی مؤمن

انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را _ آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کنها را _ مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث.

ضرورت پایان دادن به زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات

زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردمسالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسؤولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده ی آنهاست.

تسلیم نشدن نظام در برابر حرکات خیابانی و مطالبات غیرقانونی

این تصوّر هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسؤولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

دعوت سیاسیون معترض به تفاهم و رعایت قانون

من از همه ی این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید؛ و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را میخواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن میخواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریحتر از این صحبت خواهم کرد.

تحلیل رفتارهای متفاوت مستکبران قبل از انتخابات و بعد از آن

و اما خطاب سوم، خطاب به سران استکبار و سران رسانه های استکباری است. بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روز بعد از انتخابات. یک وضع متغیر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصل انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. البته همین نتایجی که از این انتخابات حاصل شد، همین نتایج را آنها هم _ هم اروپاییها، هم آمریکاییها _ حدس میزدند؛ اما این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کار 85 درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمیکردند. بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این شرایط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مسأله ی هسته ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد، که مجبورند این را بپذیرند. این مال هنگامی بود که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از اینجا مرتب بوسیله ی ایادی خودشان مخبره شد و همه شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آنجا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد.

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها

پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپایی و آمریکا حرفهایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟

در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خطّ تخریب خیابانی شروع شد؛ خطّ تخریب، خطّ آتشسوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تجاوز اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشانندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است.

طمع دشمنان به خاطر رفتار اشتباه برخی از داخلها

این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) يك سرمایه دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادّعای خودش که در رسانه ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه میکنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را شناختند.

آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشتتر به چشم من آمد، این حرف هایی بود که به عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکایی صادر شد که: ما از اینکه با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد میکشد؟ عراق را کی زیر چکمه ی نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا _ انسان واقعاً تعجب میکند _ در زمان دولت همین حزب دموکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر میکند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه ی داودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. اینکه دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دموکراتها این کار را کردند. فرقه ی داودی ها به قول خودشان دیویدی ها _ به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصّن شدند. هرچه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر میفهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسؤولان و سیاستمداران اروپایی و آمریکایی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بدانند. جمهوری اسلامی، پرچمدار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه ای که مردم مظلوم واقع شدند، نشانه ی همین است. نشانه ی این است که پرچم حقوق بشر بوسیله ی اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود درباره ی انتخابات.

نجوایی با امام زمان (علیه السلام)

يك خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت

بقیه الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابل دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه ی اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما. (1)

تیر ماه

بادآوری

دوم تیر: بر اساس قانون، سوم تیر زمان رسیدگی به شکایات پایان می‌پذیرفت و رهبر انقلاب با درخواست شورای نگهبان برای تمدید پنج روزه ی این مدت موافقت نمودند. جز محسن رضایی کسی به شورای نگهبان مراجعه نکرد و دو نامزد معترض دیگر، خواهان ابطال انتخابات بودند.

نخبگان سیاسی و خواص، آنگونه که انتظار میرفت به میدان نیامدند. آمار ضدّ و نقیضی از کشته ها ارائه میشد. بازار شایعات داغ بود. هر روز به يك نهاد یا بانك یا اموال خصوصی تعرض میشد.

بیانیه های موسوی رو به افزایش بود.

ائتلاف طیفهای مختلف مخالفان خارج نشین انقلاب تشکیل شد.

سوم تیر: بیانیه ی اعتراضی دیگر از آیت الله منتظری صادر گردید.

ص: 93

1- . در خطبه های نماز جمعه ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی 29/3/1388.

پنجم تیر: اوپاما به صورت آشکار حمایت خود را از موسوی اعلام و حق آزادی بیان و تجمع را برای مردم ایران درخواست کرد.

ششم تیر: 9 نفر از اعضای سفارت انگلیس به اتهام اغتشاش بازداشت شدند.

هشتم تیر: 10 درصد صندوقها در حضور دوربینهای صداوسیما بازشماری میشود و در همان روز و با پایان یافتن مهلت قانونی ارائه ی شکایات، صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان به وزارت کشور اعلام گردید.

9 تیر: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نتیجه ی انتخابات را نپذیرفت.

10 تیر: کروی و موسوی نتیجه ی انتخابات را نپذیرفتند. حزب مشارکت نیز با اعلام صحت انتخابات مخالفت نمود.

در سالگرد 18 تیر سال 78، تجمعات غیر قانونی تشکیل شد.

25 تیر: برخی از بازداشت شدگان روز 18 تیر در بازداشتگاه کهریزک کشته شدند. رهبر انقلاب دستور تعطیلی این بازداشتگاه و تحقیق در این زمینه را صادر کردند.

26 تیر: نماز جمعه ی تهران به امامت هاشمی رفسنجانی برگزار شد. او طرحی را ارائه داد تا اعتماد از دست رفته ی مردم! بازگردد.

بیانات

موافقت با درخواست شورای نگهبان برای تمدید مدت رسیدگی به شکایات

حضرت آیت الله خامنه ای با درخواست دبیر شورای نگهبان مبنی بر تمدید پنج روز دیگر برای رسیدگی به شکایات کاندیداها در مورد انتخابات موافقت کردند.

متن نامه ی احمد جنتی دبیر شورای نگهبان به محضر رهبر معظم

انقلاب و پاسخ حضرت آیت الله خامنه ای بدین شرح است:

بسمه تعالی

محضر مبارك مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی

چنانکه مستحضرید شورای نگهبان از تاریخ اعلام نتیجه ی نهایی انتخابات ریاست جمهوری دوره ی دهم تا به امروز پیوسته به بررسی شکایات وارده پرداخته و با تمام توان و پیگیری کارشناسان ماهر، تحقیقات لازم را انجام داده، نتایج را در جلسات متعدد شورا مطرح کرده و سخنگوی شورا هم بیشترین اطلاع رسانی را داشته است.

حدّاکثر مهلت قانونی ما جهت رسیدگی به شکایات 10 روز است که فردا چهارشنبه 88/4/3 پایان مییابد، اگر حضرتعالی اجازه فرمایید به منظور اتقان بیشتر و رفع هرگونه ابهام محتمل، مهلت مقرر پنج روز دیگر تمدید شود.

با تشکر و آرزوی مزید شمول الطاف و عنایات الهی بر حضرت عالی و همه ی خدمتگزاران نظام جمهوری اسلامی.

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان قانون اساسی

پاسخ آیت الله خامنه ای در پی نوشت این نامه بدین شرح است:

بسمه تعالی

با سلام و تحیت

با پیشنهاد حضرات آقایان محترم موافقت میشود، اقدام فرمایید.

سید علی خامنه ای(1)

ص: 95

موفقیت نسبی دشمن در تبدیل پیروزی انتخابات به اختلاف

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که يك حرکت عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانستند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانایی به صحنه آوردن مردم را دارد. دشمنان دست به کار شدند، بین مردم اختلاف بیندازند تا حدودی هم موفق شدند. لیکن ملت باید حرکت دشمن را خنثی کند.

رقابت بین نامزدهای ریاست جمهوری؛ يك رقابت درون خانوادگی

سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده ی ما، يك رقابت درون خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم میکشد. دو برادر هم ممکن است داخل خانواده در مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانه چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود. بعضی از سران کشورهای غربی در سطح رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر خارجه و مسؤولان گوناگون، صریحاً در مسأله ی داخلی ملت ایران دخالت کردند. به شما چه؟ چرا در ماجرای که مربوط به ملت ایران است، دخالت میکنید؟ دخالت میکنند، بعد هم میگویند ما دخالت نمیکنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دو دسته، يك دسته به يك نامزد، يك دسته به يك نامزد دیگر رأی دادند، اکثریت و اقلیتی هست، قواعدی هست، آن کسانی که

نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر يك عده ی معدودی هستند؛ همانهایی که بودجه ی تصویب شده ی بعضی از دولتهای غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف میکنند، آنها اغتشاشگرند. در رسانه های آمریکایی و اروپایی _ که غالباً تحت سلطه ی صهیونیستهایند و از بن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامیند _ اینجور وانمود میکنند که جمعی از ملت ایران اغتشاشگرند.

اخطار به مداخله جویی دشمنان در امور ایران

ما اخطار میکنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از يك مسأله ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس العمل نشان میدهد.

متحد شدن ملت در صورت مداخله ی دشمنان

اولاً این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله گران فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه باهم متحد میشوند؛ يك دست واحد، يك مشت محکم علیه شما میشوند.

اختلاف افکنی؛ هدف دشمن در حمایت از برخی جریانات سیاسی

اینجور نیست که شما خیال کنید وقتی از يك جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً. ما سی سال تجربه داریم؛ سی سال این ملت در حافظه ی خود دشمنیهای شما

را ثبت کرده است؛ ضبط کرده است. ملت میفهمد شما چه کار می‌خواهید بکنید، چه کار دارید می‌کنید. اسم بعضیها را می‌آورند به عنوان اینکه ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ می‌گویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است، قصدشان ایجاد بدبینی ملت ایران و نخبگان ایران نسبت به یکدیگر است؛ دروغ می‌گویند.

دشمنی دشمنان با همه ی جریانهای معتقد به قانون اساسی

آنچه در دل‌های پرکینه ی آنها وجود دارد، این است که آرزو میکنند این نظام مستقل، این مجد و عزت سربرافراشته ی از این کشور که در مقابل زورگوییهای آنها ایستاده، نباشد. آرزوی آنها این است. اینجور نیست که در نظام جمهوری اسلامی با زیدی خوب باشند، با عمری بد باشند؛ نه. هرکسی که به این نظام پایبند است، هرکسی که به این قانون اساسی پایبند است، هرکسی که به آرمانهای ملت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است.

هدف اصلی دشمنان؛ بازگرداندن ایران به دوران پهلوی

آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، يك نظام دست نشانده ی مطیع منقاد در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال اینند. این خواب آشفته ی باطل آنهاست.

نتایج منفی رفتارهای خصمانه برای دشمنان

سی سال تجربه ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنیهایی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده اند، اینها را به خود نیاورده است، به هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشکّ .

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولتها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمّل بکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه دار و تثبیت شده است. مسؤولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم باهم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه باهم يك كلام و یکدستند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.

اخطار به دنباله های داخلی دشمنان

متأسفانه این دستگاههای تبلیغاتی و مخرب و معاند با جمهوری اسلامی و با ملت ایران، دنباله هایی هم در داخل کشورمان دارند که مال امروز هم نیست، از دوران دفاع مقدّس هم چنین چیزهایی بود. آنها هم بهوش بیایند و بدانند که پشتیبانی این گرگهای درنده به دردشان نمیکورد. اینها به فکر خودشان هستند، به فکر منافع خودشان هستند. از آدمها تا آنجایی که منافع آنها تأمین بشود، استفاده میکنند؛ همچنانی که از محمّد رضا و صدّام استفاده کردند. آن وقتی هم که لازم نبود، مثل يك دستمال کثیف شده ای مچاله میکنند و پرتابشان میکنند کنار؛ همچنانی که از محمّد رضا شاه در دوران نکبتش حمایت نکردند، از صدّام در دوران رسوایی و نکبتش حمایت نکردند. کسی به آنها دل نبندد.

مردم هوشیارند، نخبگان هوشیارند. متأسفانه افراد معدودی دل به اینها میسپارند و از فریب آنها فریب نمیخورند. فریب خوردن اینها هم علامتهای غلط به آنها میدهند، آنها هم به نوبه ی خود فریب علامتهای اینها را میخورند. ملت هوشیار است و هوشیار باشد.

توصیه ای به ملت ایران برای شناخت دوست نادان از دشمن

من توصیه ام به همه ی ملت ایران این است:

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبدا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبدا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبدا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناحهاست.

نظام اسلامی با اخلاصگران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند:

مبدا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر يك خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف يك عده ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

تمام شدنی بودن فتنه ها و باقی ماندن حضور چهل میلیونی مردم

این فتنه هایی که دشمن برپا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه ها تمام شد. هر فتنه ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فرو خواهد نشست. همیشه همینجور است.

حواشی ایجادشده ی بوسیله ی يك عده دشمن، يك عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در يك انتخابات پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به

آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گردوغبارها، پیرایه ها، کارها و حرفهای دشمن شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (1).

وظیفه ی رئیس جمهور منتخب؛ شکر مردم

البته مسؤولین هم، رئیس جمهور منتخب هم باید قدر این اقبال مردمی را بدانند. شکر این توجّه مردم، عبارت است از خدمت کامل و جامع برای حلّ مشکلات مردم؛ تلاش برای پیشبرد کشور و تلاش برای حفظ اتّحاد ملّت بزرگ ایران. اینها حقایقی است که وجود دارد. شما ملّت ایران در این برهه ی از زمان کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت.

شکر مسؤولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه ی به یکدیگر. (2).

وفاداری ملّت خوب ایران

ملّت ما ملّت خوبی است، ملّت بزرگی است، ملّت وفاداری است، ملّت باگذشتی است. نمونه هایش را در طول مدّت این سی سال مشاهده کرده ایم؛ در همین قضایای اخیر، در این انتخابات و حوادثی که بعد از انتخابات بوجود آوردند، نقش ملّت را شما مشاهده کردید. سلاقی مختلفی در عرصه ی زندگی اجتماعی در میان ملّت وجود دارد؛ حرفشان را میزنند، هرکدام نظرشان را بیان میکنند؛ اما آنجایی که احساس میکنند که پای دشمنی با نظام در میان است، آنجایی که احساس میکنند دستی دارد

ص: 101

1- . سوره ی رعد، آیه ی 17.

2- . در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) 15/4/1388.

حرکتی را برای ضربه زدن به نظام اداره میکند، مدیریت میکند، مردم از آنها کنار میگیرند؛ ولو او همان شعاری را بدهد که این آحاد مردم به آن شعار معتقد هم باشند؛ میبینند که او بدخواه است، خودشان را کنار میکشاند. این مسأله ی مهمی است.

عبرت انتخابات 88؛ غفلت از دشمن در کمین

در حوادث این روزها _ ما در این سی سال روزی نبود که تجربه ای نیندوزیم، مطلبی یاد نگیریم _ خیلی چیزها یاد گرفتیم، خیلی چیزها فهمیدیم؛ برای ملت ما تجربه شد؛ همه فهمیدند که در آن وقتی که ملت در عین استقرار و آرامش و ثبات يك حرکت بزرگ را انجام میدهد، نباید غافل بماند از دشمنی دشمنانی که دارند برایش نقشه میکشند. همه گفتند يك انتخابات چهل میلیونی، يك عظمت بی نظیر از اول انقلاب تا حالا، حضور مردم در صحنه بعد از سی سال، قدرت جذب مردم و به صحنه آوردن مردم برای نظام؛ این يك عظمت بود؛ نباید غفلت کنند؛ همه فهمیدند که در چنین وضعیتی نباید غفلت کنند که دشمن کمین گرفته است؛ مراقب است. حالا تا گفته میشود دشمن خارجی، فوراً خارجها با چهره ی حق بجانب می آیند که نه، نه، ما دخالتی نداریم، ما کاری نکردیم. این بی حیایی است؛ همه میبینند. حالا آن کاری که دستگاههای اطلاعاتی و دیگران کشف میکنند و دخالتها را میداند، آن به کنار؛ آن چیزی که همه دارند مشاهده میکنند، نقش رسانه هاست که مهمترین نقش را در این چند ده سال اخیر، رسانه ها در تحولات ملتها داشته اند.

رسانه ها و دستگاههای اطلاعاتی استکبار؛ اصلی ترین عناصر دشمنان استقلال ملتها

من يك وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم

که رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته‌ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملت‌ها برای به آشوب کشیدن ملت‌ها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منحرف کنند؛ و چند تا کشور را مثال زدیم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسائل ارتباطاتی خیلی گسترده‌تر، وسیع‌تر، همگانی‌تر و متنوع‌تر شده است.

صدور دستورالعمل اغتشاش از سوی دشمنان

دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم! دستورالعمل‌هایشان برای گروه‌های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه‌های خودشان بطور علنی دارد پخش میشود: اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح‌تر؟ علنی‌تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است.

انزجار مردم از اغتشاشگران و هدایت‌کننده‌های آنها

اشتباه است اگر کسی خیال کند که يك گروه محدود، آن هم در تهران، فرض بفرمایید به ظرف زباله‌ی شهرداری تعرض میکند _ زورش به او میرسد _ یا فرض کنید به اموال مردم _ به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان _ تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیون‌هایی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه میبینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم‌زنندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند.

هرکسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هرکه میخواهد باشد.

امنیت؛ عامل مورد نیاز برای رسیدن به اهداف ملت

هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه ی اینها مخدوش میشود. بهمزدن امنیت يك ملت بزرگترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمیکند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است. آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.

نخبگان؛ سر جلسه ی امتحان

نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضعگیری کردن، مراقب گفتنها، مراقب نگفتنها. يك چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده ایم. يك چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده ایم. نخبگان سر جلسه ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما يك سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی بازیها و سیاسی کاریهای متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است.

«العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»⁽¹⁾؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت میکند.⁽²⁾

مرداد ماه

یادآوری

اشاره

هفتم مرداد: کژی در نامه ای به هاشمی رفسنجانی مدعی تجاوز به زندانیان اغتشاشات شد. این نامه مورد سوءاستفاده ی مسعود رجوی سرکرده ی سازمان منافقین قرار گرفت.

هشتم مرداد: مراسم چهل کشته های اغتشاشات در بهشت زهرا به دعوت کژی و موسوی و با تبلیغات رسانه های معارض انجام و به خشونت کشیده شد.

10 مرداد: اولین جلسه ی دادگاه متهمان آشوب تشکیل گردید. این جلسه و جلسات بعد از تلویزیون و رسانه ها پخش شد. متهمان در اعترافات خود، اتهاماتی نیز به برخی از افراد وارد نمودند.

12 مرداد: تنفیذ ریاست جمهوری انجام شد. بیانیه ی دهم موسوی صادر گردید.

13 مرداد: آیت الله منتظری دادگاه های رسیدگی به اتهامات آشوب گران را فرمایشی قلمداد کرد.

17 مرداد: جلسه ی دوم رسیدگی به اتهامات آشوب گران انجام شد. در این جلسه به اتهامات يك تبعه ی فرانسوی و دو کارمند سفارت انگلیس و فرانسه رسیدگی شد.

ص: 105

1- . کافی، ج 1، ص 11.

2- . در سالروز عید سعید مبعث 29/4/1388.

هر روز شایعه ای درباره ی قتل افراد منتشر میشد و بعد از مدتی این خبر توسط خود آن شخص تکذیب میگردید.

20 مرداد: سخنگوی قوه ی قضائیه از آزادی 3700 نفر از مجموع 4000 هزار دستگیرشده در جریان اغتشاشات خبر داد.

25 مرداد: سوّمین جلسه ی رسیدگی به اتهامات آشوب گران تشکیل گردید.

بیانات

تجربه ی انتخابات 88؛ امکان ضربه خوردن از سوی دشمن حتی در بهترین شرایط

تجربه هایی هم این انتخابات داشت. يك تجربه برای ملت ما و مسؤولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسؤولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند؛ و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه ی امیر مؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود:

«و من نام لم ینم عنه»⁽¹⁾. در عرصه ی زندگی سیاسی دچار خواب آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد.

اقدامات میدانی دشمنان برای تبدیل جشن بزرگ ملی به اغتشاش

این تحلیل نیست که ما میگوییم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری

ص: 106

1- . نهج البلاغه، نامه ی 62.

اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران يك عيد به حساب می آمد، يك جشن بزرگ ملی به حساب می آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما _ همه ی ما، همه ی آحاد مردم _ تجربه ی هشداردهنده ای باشد.

نبود بصیرت؛ عامل ضربه پذیری از دشمن

اگر ما در صحنه ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایشهای مختلف سیاسی، دلبستگان به کشور، دلبستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.

دستهایی از مدتها پیش در کار بودند، مقدماتی فراهم میکردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده ای بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبار آلود کردند، دهانها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که میخواهند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربه ی ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است.

دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من يك تجربه ای اندوخته اند و اگر نیندوختند، باید بیندوزند؛ و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبرو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با اینجور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با يك تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال 1357، يك کاریکاتور از آن انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

شکست دشمن در فریب دادن ملت ایران با مسجد ضرار

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (1). با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه ای است برای دشمن.

قبولی ملت و مردودی برخی از خواص در امتحانهای انتخابات

امتحانهایی هم در این انتخابات پیش آمد. يك امتحان، امتحان آحاد

ص: 108

1- . سوره ی توبه، آیه ی 17.

مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمره ی قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم، يك امتحان عظیمی بود که آنها را سرفراز کرد. بسیاری از آحاد مردم، از جریانهای سیاسی، طبق وظیفه شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضیها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه میشوند، برغم هوشیاریهایشان، در مواردی اشتباه کردند. بسیاری از جوانان این کشور هم با همان ایمان، با همان صداقت، حرکت درستی کردند. به کسی اعتقاد پیدا کردند، به او رأی دادند؛ یا آن کس رأی آورد یا نیاورد. ملاک این نیست. ملاک این است که انسان عقیده ای پیدا کند، هوشیارانه، از روی احساس وظیفه، احساس تکلیف، وارد میدان این عمل سیاسی و حرکت سیاسی بشود. بعد هم همه تسلیم قانون باشند. اکثر قاطع ملت ما _ از جوانها، از نخبگان، از توده ی عظیم مردم _ در این ردیف قرار گرفته اند و در این امتحان مقبول شده اند. يك عده هم البته فریب خوردند. (1)

ضرورت توجه رئیس جمهور منتخب به مخالفان عصبانی و منتقدان

البته در کنار علاقمندان به رئیس جمهور محترم _ که ایشان علاقمندان زیادی در داخل کشور، حتی در خارج از کشور دارند _ دو دسته ی دیگر هم هستند که باید به آنها توجه کرد؛ یعنی حضور آنها را بایستی محاسبه کرد: يك دسته مخالفان عصبانی و زخم خورده هستند. مطمئناً اینها در این دوره ی چهارساله، در مقام معارضه ی با دولت برخوانند آمد. مخالفت کردند، باز هم مخالفت خواهند کرد. لیکن يك دسته ی دیگر هم هستند که اینها جزو نظامند، با رئیس جمهور، با نظام هیچ دشمنی ای ندارند؛ ممکن است منتقد باشند. این منتقدان را بایستی به حساب آورد؛ نظرات آنها را باید شنید؛ آنچه قابل فهم است، قابل قبول است، آن را پذیرفت؛ و من امیدوارم که همینجور عمل بشود و إن شاء الله خواهد شد.

ص: 109

لزوم شناسایی آسیب دیدگان پس از انتخابات و حمایت از آنها

ملت همه با یکدیگر برادرند. از جمله ی کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که در این حوادث اخیر عده ای آسیب دیدند _ آسیبهای مالی، آسیبهای جانی، احیاناً آسیبهای آبرویی _ مسؤولین کشور باید به کمک آنها بشتابند. آسیب دیدگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب زندگان باید شناسایی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هر کی باشند. (1)

ضرورت بالا بردن بصیرت

اگر من بخواهم يك توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد میکنند _ میبینید در جامعه ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کمأ هم بیشتر نباشد، کیفأ بیشتر از خطاهای عامه ی مردم است _ بر اثر بی بصیرتی است؛ خیلپهانش، نمیگوییم همه اش. بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید.

نبود بصیرت در بین لشکریان؛ علت سختی کار امیرالمؤمنین (علیه السلام)

من مکرر این جمله ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود:

«الا ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» (2).

میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان

ص: 110

1- . همان.

2- . نهج البلاغه، خطبه ی 173.

حرفهایی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم _ در جنگ جمل و صفین و نهروان _ میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما میگویید: ای، با این نماز، با این عبادت! بعضیشان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قَائِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ» (1) _ آیه ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده ای _ يك نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من يك مویی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم بابرکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته های دشمن، همینطور عبور میکرد و میگفت بعضیها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی يك موی از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! (2) اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) می ایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

احتمال خطاهای بزرگ در صورت نبود بصیرت

بنده بارها این جبهه های سیاسی و صحنه های سیاسی را مثال میزنم

ص: 111

1- .سوره ی زمر، آیه ی 9.

2- . ارشادالقلوب، ج 2، ص 226 و تنبيه الغافلین و تذكرة العارفين؛ ج 2، ص 627.

به جبهه ی جنگ. اگر شما تو جبهه ی جنگ نظامی، هندسه ی زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسایی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسایی است؛ شناسایی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چجوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است تا بفهمند چکار باید بکنند. اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را شناسد، دشمن را گم بکند، يك وقت میبینید که دارد خمپاره اش را، توپخانه اش را آتش میکند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمیداند دیگر. عرصه ی سیاسی عیناً همینجور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، يك وقت میبینید آتش توپخانه ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم؛ لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.

از وظایف مهم نخبگان و خواص؛ تبیین بی تعصب حقایق

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقایق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مُضَرّ است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید.

تبیین حقیقت؛ از کارهای مهم جناب عمّار در جنگ نرم

در جنگ صفّین یکی از کارهای مهم جناب عمّار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین که حالا امروز به آن جنگ روانی میگویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، میبیند که در جنگ

روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی یکجا پیدا کنید، وارد شدن سوءظن به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه افکنی میکردند، سوءظن را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمّار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همینطور این گروههایی را که _ به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدای از هم _ بودند، به هرکدام میرسید، در مقابل آنها می ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقایقی را برای آنها روشن میکرد و تأثیر میگذاشت. یکجا میدید اختلاف پیدا شده، يك عده ای دچار تردید شدند، بگومگو توی آنها هست، خودش را سرعت آنجا میرساند و برایشان حرف میزد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره ها را باز میکرد.

نَاسَف از بی بصیرتی برخی از نخبگان

بنابراین، بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران بوجود بیاورند. آدم گاهی مبیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی بصیرتیند؛ نمیفهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. يك حرفی یکهو به نفع دشمن میپرانند؛ به نفع جبهه ای که همش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدمهای بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی بصیرتی است دیگر.

وظیفه ی جوانان؛ مطالعه و تحقیق برای از بین بردن بی بصیرتی

این بی بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل،

با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی _ که هرچه گفت، شما قبول کنید، نه، این را من نمیخواهم _ از بین ببرید. کسانی هستند که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند؛ و حتی حضرت ابی عبداللّٰه الحسین (علیه السّلام) هم از این ابزار در شروع نهضت و در ادامه ی نهضت استفاده کرد. (1)

شهریور ماه

یادآوری

سوم شهریور: چهارمین جلسه ی رسیدگی به اتهامات هدایت کنندگان آشوبها تشکیل گردید. در این جلسه نیز متهمان در اعترافات خود اتهاماتی را به برخی از افراد وارد کردند و این سخنان از تلویزیون و رسانه ها منتشر گردید.

14 شهریور: موسوی در بیانیه ی یازدهم خود از تشکیل يك جنبش به نام «راه سبز امید» خبر داد.

21 شهریور: ادعای کزّوبی مبنی بر تجاوز به زندانیان توسط هیئت ویژه ی قوه ی قضائیه تکذیب گردید.

22 شهریور: آیت الله منتظری در نامه ای به علما و مراجع، آنها را به مقابله ی با نظام دعوت و از جنبش به اصطلاح سبز حمایت نمود.

23 شهریور: جلسه ی پنجم رسیدگی به اتهامات آشوبگران برگزار گردید.

27 شهریور: در روز قدس، شعار حمایت از فلسطین تبدیل به شعار «نه غزّه نه لبنان جانم فدای ایران» شد. برخی از اغتشاشگران بطور علنی به روزه خواری پرداختند.

ص: 114

1- . در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولیّ امر (علیه السّلام) 18/5/1388.

دستور برای برخورد با متخلفان در ماجرای کوی دانشگاه و کهریزک

موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل _ حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدّت اتفاق افتاده _ یا مثلاً قضیه ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاههای اجرایی است. اولاً این را بطور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمیخواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه ها پخش بشود، باز يك پیوست زده بشود، باز يك پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته ایم پرونده ی ویژه ای برای این کار تهیه شود و بطور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگیهای سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من بطور قاطع گفتم.

من از فعالیتهای پلیس امنیتمان، پلیس انتظامیمان، دستگاه بسیجمان تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این يك بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هرکدام از این سازمانها يك تخلفی انجام داده، يك جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم؛ حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همینطور قضیه ی کهریزک، که حالا آن اعلام

شد، پخش شد. قضیه ی کوی دانشگاه هم دنبال میشود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند _ تعداد معدودی هستند _ یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند، بنا شده برای هرکدام اینها پرونده ی جداگانه ای تشکیل بدهند. دستور داده ایم، گفته ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد؛ منتها توجه کنید که این مسائل هیچکدام نباید با مسأله ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه ی اصلی نباید تحت الشعاع این حوادث قرار بگیرد.

غفلت برخی از ظلم عظیم به نظام و توجه به ظلم به برخی از افراد

يك عدّه ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملتها بوسیله ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسأله ی فلان حادثه را، زندان کهریزك را، یا قضیه ی کوی راقضیه ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند؛ این خودش يك ظلم دیگر است. مسأله ی اصلی، مسأله ی دیگری است. مسأله ی اصلی این است که مردم در يك حرکت عظیمی، در يك انتخابات پرشور خوب کم نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همینطور پی در پی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین المللی برای خودش کسب کرده بود، در يك مرحله ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم يك حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه ی افتخارآمیز! مسأله ی اصلی این است.

برنامه ریزی درازمدت دشمن برای آشوبهای پس از انتخابات

البته اینی که عرض میکنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با

تحلیل من، این مسأله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول وحوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست نشانده ی بیگانه هایند یا انگلیسند یا آمریکایند _ این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم _ اما آئی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیش قراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه ی نشانه ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

اشتباه دشمن در تحلیل وقایع پس از انتخابات

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضیها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند؛ لذا دیدید که این دستگاهها و وسائل رسانه ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند؛ منتها خوشبختانه مثل همیشه که مسائل ایران را بد میفهمند و ملت ایران را نمیشناسند، این دفعه هم نشناختند. اینها تودهنی خوردند، سیلی خوردند، ولی هنوز ناامید نیستند. من به شما عرض کنم دانشجویهای عزیز! اینها ناامید نیستند؛ دارند قضایا را دنبال میکنند؛ به این زودی هم زمین نمیگذارند. اینها صحنه گردانهای دارند، صحنه گردانهای هم پیدا خواهند کرد.

تأثیر میزان هوشیاری در کم شدن صدمات فتنه

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی

که به کشورش علاقمند است و دانشجویی که به آینده ی کشور و آینده ی نسل خودش دل بسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طراحی میکنند؛ البته شکست میخورند. من الان به شما عرض میکنم، اینها در نهایت شکست میخورند؛ اما درجه ی بیداری و هوشیاری من و شما میتواند در میزان خسارت و ضرری که وارد میکنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمیتوانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ و لو در نهایت موفق نخواهند شد.

حمایت رهبر از نقاط قوت رئیس جمهور نه نقاط ضعف

یکی دیگر از موضوعاتی که مطرح شد، مسأله ی حمایتهای رهبری است از دولت یا از رئیس جمهور. خوب، این مطلب روشنی است. اتفاقاً یکی دوتا از خود دوستان هم بیان کردند. دولت کنونی و رئیس جمهور محترم مثل همه ی انسانهای عالم، يك نقاط قوتی دارد، يك نقاط ضعفی. من که حمایت کردم، از نقاط قوت حمایت کردم. يك نقاط قوتی وجود دارد، من از آن حمایت میکنم؛ در هر کی باشد، حمایت میکنم. کی هست که این گرایش، این جهتگیری، این تحرک، این جدیت را از خودش نشان بدهد و بنده در حدّ مسؤولیتم از او حمایت نکنم؟ از شما دانشجویها که دنبال عدالتید، من حمایت نمیکنم؟ خوب، چرا. آیا اگر از دانشجویی که عدالتخواه است و دنبال عدالت است، رهبری حمایت بکند، این معنایش این است که از نقاط ضعفی هم که احیاناً توی آن دانشجو هست، انسان حمایت میکند؟ مسلماً نه. قضیه این است. يك نقاط ضعفی وجود دارد، آن نقاط ضعف را بنده حمایت نمیکنم. (1)

ص: 118

يك چیزی را هم حالا من بگویم، چون دیگر دارد وقت میگذرد. ببینید عزیزان! شماها میدانید _ چون دیدم در بیانات شماها هم هست _ امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با يك جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم _ که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه ی خوشحالی است _ خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلم نخبگان فکریند. یعنی شما افسران جوان جبهه ی مقابله ی با جنگ نرمید.

اینی که چکار باید بکنید، چجوری باید عمل کنید، چجوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلیتان، فکریتان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله ی با يك حرکت همه جانبه ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته ی علمی رسانه ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود. (1)

لزوم دور بودن فضای علمی کشور از تشنج

و همینجا به شما بگویم، مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاههای ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاههاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که

ص: 119

دانشگاه ما يك مدتی لاقلاً دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان يك نقطه ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. (1)

متوقع نبودن ورود برخی از خواص در فتنه

البته این را هم بدانید که آنچه در بعد از انتخابات اتفاق افتاد، با همان حسابی که عرض کردم، اصل قضایا خیلی خلاف انتظار ما نبود؛ اگرچه اشخاصی که وارد شدند، چرا، خلاف انتظار مان بود. (2)

متوقع بودن فتنه و دشمنی دشمنان

نکته ی دوم در زمینه ی مسائل اجتماعی و سیاسی است که من بحث زیادی در این زمینه نمیخواهم بکنم. همه ملاحظه کردید، کشور در برهه ای از زمان در معرض يك آزمون سیاسی بسیار تعیین کننده ای قرار گرفت و همانطور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوییم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست. (3)

ص: 120

1- . همان.

2- . همان.

3- . در دیدار اساتید دانشگاهها 8/6/1388.

در چند روز پیش هم که جوانهای دانشجو اینجا بودند _ حسینیّه همینطور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوانها _ به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می گفتند؛ مکرّر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می گفتند و همه این را میدانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه اید. نگفتم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیمگیری و اراده ندارد و باید هرچه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتم هم فرماندهان طراح قرارگاهها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحیهای کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست میکنند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم میبینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه ای دارد؟ اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی کنید؛ هدفهای دشمن را کشف کنید؛ احیاناً به قرارگاههای دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراح کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

دمیدن امید؛ مهمترین وظیفه ی استاد شایسته ی انقلاب

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته ی

حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمیکنند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چجور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه میگویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلك همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیتهای علمی، فعالیتهای پژوهشی. (1)

فتنه؛ رزمایشی برای شناخت نقاط ضعف خودمان

در امتحانهایی از قبیل همین حوادثی که حول و حوش انتخابات پیش آمد - بعد از انتخابات و قبل از انتخابات - دیدیم که در همین زمینه‌ها ضعفها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایشهایی که نیروهای مسلح راه می‌اندازند. رزمایش اصلاً برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را میدهند، فرمان صادر میشود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشمهای بصیر و بینایی - در همه‌ی رزمایشها اینجور است - می‌ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه میکنند. میبینند که بله، در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضاً ناتوانیهای مزمن وجود دارد. این برای ما یک رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعفهای

ص: 122

خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمانها، بالای سر ماست و باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعفها برطرف خواهد شد. این هم يك نکته است.

مهمترین وظیفه ی اهل فرهنگ در شرایط فتنه؛ تبلیغ و تبیین

خب، در اینجا شاعر چه نقشی دارد؟ مرد هنری و مرد فرهنگی _ مرد شامل زنها هم میشود _ یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَحْشُونَ وَلَا يَحْشُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ (1) این يك معیار است؛ حقیقتی را که درك میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگویید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادثِ فتنه گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد يك شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن يك انسان هنری و يك انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمیشود با شیوه های سیاسی _ شیوه های سیاستگران و سیاستمداران _ در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره های ذهنی را باز کرد؛ و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیاء؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست. اگرچه که بلاغت را در کتب فنی به

ص: 123

معنای مطابقه ی با مقتضای حال معنا میکنند، اما آن يك معنای خاصی از بلاغت است؛ معنای اولی و صریح بلاغت این نیست؛ بلاغت یعنی رساندن، بلاغ یعنی رساندن. اینی که مثلاً میگویند حافظ این شعر فصیح و بلیغ را گفته، بلیغش یعنی چه؟ یعنی مناسب مقتضای حال گفته؟ چه میدانیم ما آن وقتی که این شعر را گفته، مقتضای حال بوده یا نبوده! ما الان داریم نگاه میکنیم؛ بحث اقتضای حال نیست؛ یعنی رساست. بلیغ یعنی رسا؛ رسا بگویند، روشن بگویند، مبین بگویند؛ اما آنچه را که میفهمید بگویند؛ هیچ انتظار نیست _ حق هم نیست که انتظار باشد _ کسی برخلاف فهمیده ی خودش حرف بزند. سعی هم نکنید که آنچه فهمیدید درست باشد.

... همینی که حالا- معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند: جنگ نرم؛ راست است، این يك واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمیزنم، من از بعد از جنگ _ از سال 67 _ همیشه این را گفته ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را میبینم؛ چه بکنم اگر کسی نمیبیند؟! چکار کند انسان؟! من دارم میبینم صحنه را، میبینم تجهیز را، میبینم صف آرایها را، میبینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای باغیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمانها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند را؛ اینها را انسان دارد میبیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه ی مجموعه ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه ی مشخصی است: بلاغ، تبیین؛ بگویند، خوب بگویند. من همیشه تکیه بر این میکنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند.

میبینید، دیگران با این کارهای هنرمندانه ای که بعضاً دارند، دارند يك باطلهایی را تبلیغ میکنند؛ شگفت اینکه ما هم همان حرفها را قبول

میکنیم! همین سریال کره ای که دارد پخش میشود و همه دارند آن را میبینند، یک تاریخ سازی و افسانه ی باطل است؛ آدم اگر بخوهد توی شاهنامه بگردد و اینجور داستانی را پیدا کند، ده پانزده تا از این داستانها میشود پیدا کرد. منتها طرف هنر به کار برده؛ وقتی کسی هنرمندانه کار میکند، پاداشش همین است که جناب عالی هم که هیچ علاقه ای به آن تاریخ و به آن فرهنگ ندارید، میشینید و با کمال علاقه گوش میکنید و خواهی نخواهی آن فرهنگ را جذب میکنید! این خاصیت هنر خوب است. (1)

استقبال نظام از انتقادهای در چهارچوب اصول

اشکالی ندارد که مسؤولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار میکند. اینجور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضری نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمیکند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه ای نیست که هرکه از یک گوشه ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول میرویم، میبینیم بیگانه ی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیتنامه ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مُضَرّ نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچنینی، نظام با هیچکس برخورد نمیکند. آنجایی

ص: 125

که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند_ از این کارهای خلافی که انجام میگیرد؛ دروغ پراکنی و شایعه_ نظام هیچگونه مسأله ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان میکنند؛ نظام برخورد نمیکند.

بنای نظام بر جذب حداکثری و دفع حداقلی

بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات رسمی دارند، در این چهارچوب میتوانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.

لزوم پذیرش حق نظام در دفاع از خود

ما درباره ی افرادی که به آنها اهانت میشود، تهمت زده میشود، میگوییم اینها حق دفاع دارند؛ خوب، نظام هم همینجور است؛ نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی دفاع بماند؛ در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه ای، قانون شکنی ای، مرزشکنی ای انجام بگیرد، باید عکس العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم چنین نیست.

برخورد با گروههای معارض با اصول در همه ی کشورهای جهان

در اختلافات گوناگونی که در بین احزاب دنیا وجود دارد_ در همین کشورهایی که خودشان را پیشرو دموکراسی میدانند_ هیچکدام از این

احزاب متعارض و متخالف، با اصول و مبانی آن نظام مخالفت نمیکنند؛ و الا از نظر مردم مردود هستند. دستگاہهایی دارند؛ دستگاہهای رعایت قانون اساسی و دادگاہ قانون اساسی - شبیه شورای نگهبان خودمان - اینها را رد میکنند. اینجور نیست که قبول کنند يك نفری بیاید در يك نظامی علیه مبانی آن نظام مبارزه کند، معارضه کند، آن وقت نظام در مقابل او ساکت و آرام بنشیند. به کمتر از آن هم گاهی دیده میشود که در همین نظامهای اروپایی برخوردهای خشن و تندی میکنند؛ چیزهایی که جزو اصول هم محسوب نمیشود. بنابراین برخورد با نظام، برخورد با مبانی نظام، ایستادگی و شمشیر کشیدن روی نظام، جواب تند دارد؛ اما نظر مخالف داشتن، نظر متفاوت داشتن، آن وقتی که با این اشکالات همراه نباشد، تهمت و شایعه افکنی و دروغ و از این چیزها نباشد، نه، نظام هیچگونه برخوردی نخواهد کرد. شیوه ی نظام این نبوده، امروز هم نیست و إن شاء الله در آینده هم نخواهد بود. این يك نکته.

ضرورت مراقبت صاحبان قدرت از انحراف و فسادپذیری خود

نکته ی دیگری که فعالان سیاسی، مسؤولان، صاحبان قدرت، صاحبان مسؤولیتهای گوناگون و متنفذین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسأله ی انحراف و فسادپذیری شخصی است؛ همه مان باید مراقبت کنیم. انسانها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزشهای کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق درّه های منتهی میکند؛ خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدّد، در قرآن این هشدار وجود دارد. یکجا میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا أَلْسُوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ (1) عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه ی بدترین میرسد که تکذیب آیات الهی است. یکجا میفرماید:

ص: 127

«فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ (1) خلف وعده ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دلهایشان بوجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام میدهد، این گناه انسان را به وادی نفاق میکشاند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همینجا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه ی دیگر میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَمَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (2) اینی که میبینید يك عده ای در مقابل دشمن منهزم میشوند، طاقت نمی آورند، نمیتوانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سرزده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده اند. لغزشها انسان را فاسد میکند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی میشود. این هم بمرور پیش می آید؛ دفعتاً پیش نمی آید که ما فکر کنیم يك نفری شب مؤمن میخوابد، صبح منافق از خواب بیدار میشود؛ نه، بتدریج و ذره ذره پیش می آید. این، علاجهش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا؛ بنابراین علاجهش تقواست.

لزوم مراقبت از یکدیگر در برابر انحراف و لغزش

مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (3) از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسؤولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسؤولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی از حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس میکند؛ نشانه های

ص: 128

1- . سوره ی توبه، آیه ی 77.

2- . سوره ی آل عمران، آیه ی 155.

3- . سوره ی عصر، آیه ی 3.

چه اقتدار اطلاعاتی، چه اقتدار تحرّک در مناطق گوناگون جهان و اقتدار بین المللی _ مایه ی عزّت شماسست، مایه ی افتخار شماسست و شما باید برای تکمیل و متمیم چنین نظامی تلاش کنید و احساس وظیفه کنید. جوانها وظیفه دارند. (1)

ضرورت پرهیز از تفرقه افکنی در اجتماعات روز قدس

روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه ی شهرستانها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس از ملت ایران تبعیت میکنند. روز قدس، روز متعلّق به مسأله ی قدس است و ضمناً مظهر وحدت ملت ایران است. مراقب باشید در روز قدس کسانی نخواهند از این اجتماعات برای ایجاد تفرقه استفاده کنند. از تفرقه باید ترسید. با تفرقه باید مقابله و معارضه کرد. تفرقه نباید بوجود بیاید. آن وقتی ملت ایران میتواند پرچم قدس را با افتخار بلند کند که یکپارچه باشد. در طول این سالها سعی کردند این را هم به هم بزنند، اما بحمد الله نتوانستند؛ إن شاء الله بعداً هم نخواهند توانست. (2)

انتخابات 88؛ اثبات کننده ی جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی

بحمدالله دولت تثبیت شد و استقرار پیدا کرد؛ این خیلی فرصت و موقعیت مهمّ و بزرگی است؛ لطف عظیمی است که خدای متعال بر ملت ما و کشور ما تفضّل و عطا کرد. اولاً با آن انتخابات پرشور و فراموش نشدنی، نشان داده شد که ملت ایران برای مدیریت کشور احساس مسؤولیت میکند و با اراده ی خود، با اختیار خود، قدم به میدان میگذارد، برای اینکه مسؤولین کشور را تعیین بکند؛ که این خیلی فرصت مهمّی است برای نظام و برای

ص: 130

1- . همان.

2- . همان.

انقلاب. در واقع ملت بزرگ ما، با حضور هشتاد و پنج درصدی در صحنه، بیعت دوباره ای با انقلاب کردند، بعد هم رئیس جمهوری را انتخاب کردند با قریب بیست و پنج میلیون رأی، که این هم يك نصاب جدیدی برای دولت و برای رؤسای جمهور ما بود؛ و اینها پیام داشت؛ هم آن حضور هشتاد و پنج درصدی - چهل میلیونی - پیامهایی در خود دارد، هم این انتخاب قریب بیست و پنج میلیونی. اینها پیام دارد و باید این پیامها را فهم کرد؛ و اگر دولتی و مسؤولانی این پیامها را درست درک نکنند و نخبگان و زیدگان سیاسی جامعه با تأمل در این پیامها بنگرند، خیلی از گره هایشان حل خواهد شد؛ مشکلاتشان حل خواهد شد.

یکی از اساسیترین حرف هایی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور هشتاد و پنج درصدی، پتك جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه های جمهوریت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی، نشاندهنده ی این معنا بود.

بعد هم ملا-حظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دل بستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده میشد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آنچه که میگفتند و آنچه که مطرح میکردند، میخواستند این را نشان بدهند که دل بستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشاندهنده ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان میداد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام،

با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیامها را فهم کرد.

واکنش ناجوانمردانه ی فتنه گران در برابر حرکت عظیم مردم

خوب، بحمد الله این، صفحه ی تازه ای را در انقلاب ما، در نظام ما باز کرد. حالا بعضی واکنشی که به این حرکت عظیم مردم دادند، حقاً و انصافاً واکنش اخلاقی ای نبود؛ نجیبانه و جوانمردانه نبود، لکن اینها «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (1) است. این حرکت اصیل مردم، این جریان عظیم انقلاب، اینهاست که برای این کشور و برای این ملت و برای این تاریخ ماندنی است.

ضرورت شکرگزاری عملی نسبت به نعمت حضور حماسی مردم

باید همه شاکر باشیم. هرکسی که به این کشور علاقمند است، هرکس به اسلام و عظمت اسلام علاقمند است، هرکس دلپسته ی امام بزرگوارمان هست، باید شکرگزار باشد این نعمت بزرگی را که خدای متعال به ما داد. شماها البته، بیشتر هم باید شکرگزار باشید که مسئولیت بر دوش شماست؛ بخصوص آقای رئیس جمهور بیش از دیگران باید شکرگزار باشند؛ و هم شاکر باشید. هم مغتم بشمارید و هم بر اثر این شکرگزاری، تواضعتان را بیشتر کنید. مفتخر باشید به رأی مردم، مستظهر باشید به رأی مردم؛ اما مغرور نشوید، که اگر خدای نکرده غرور به سراغ ماها آمد، آن وقت انحرافها و انحطاطهای گوناگونی را در پیش پای خودمان خواهیم دید. مراقب باشید؛ این از آن دامهای بزرگ شیطان است. معمولاً بعد از پیروزیهای بزرگ، خطرهای بزرگ وجود دارد. (2)

ص: 132

1- . سوره ی رعد، آیه ی 17.

2- . در دیدار اعضای هیأت دولت 1388/18/6.

فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوء ظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاههای گوناگون ارتباطی – که امروز روز به روز هم بیشتر و گسترده تر و پیچیده تر میشود – روشی را در پیش گرفته اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همینجا من این را هم بگویم: اینکه در دادگاهها – که در تلویزیون هم پخش میشد – از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجّیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره ی خود در دادگاه بگوید، این حجّت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره ی خودش اگر اعترافی کرد، حجّت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکنند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا»؛ (1) وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاههای اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاههای قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و

ص: 133

هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجیها، بیگانه ها، تلویزیونهای مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلانجا خیانت کردند، فلانجا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته اند حقایق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیایند حقیقت را گفته باشند؟ میگویند، حرفهایی میزنند، ادعاهایی میکنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسؤول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را بطور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما اینکه ما بیاییم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه ی بیگانه - رسانه ی مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم يك نفر از آن طرف پیدا بشود و کلّ نظام را به اموری که شایسته ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شانس بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت میدهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به يك شخص گناه است، تهمت زدن به يك نظام اسلامی، به يك مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. پروردگارا! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن. (1)

ص: 134

تجمعات در برخی از دانشگاهها انجام شد.

7 مهر: موسوی در بیانیه‌ی سیزدهم خود روز قدس سال 88 را نقطه‌ی عطف حوادث بعد از انتخابات قلمداد نمود.

تبلیغات رسانه‌های معارض و شایعات پیامکی و شبکه‌های اجتماعی ادامه داشت.

بیانات

برنامه ریزی بلندمدت دشمن برای بلوهای بعد از انتخابات

قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خبره و آگاه، برنامه ریزی شده بود. یعنی انسان با هرکسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان میگذارد، میفهمد. پریروز من به ایشان (1) همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را میفهمند که این کار برنامه ریزی شده بوده و این يك کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم يك چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه ریزی شده بود؛ از يك مرکزی هدایت میشد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ این شاءالله این شکستشان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه میکنند.

اشتباه برخی از خواص؛ سکوت در دوران فتنه

این را هم عرض بکنیم؛ بعضیها در فضای فتنه، این جمله‌ی

«کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب» (2) را بد میفهمند و خیال

ص: 135

1- . حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی.

2- . نهج البلاغه، حکمت 1.

میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه.

«لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.

در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم _ آثار صفین را نگاه کنید _ مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروههای مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه ی عظیمی بود؛ يك عده ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروههای مختلف سخنرانی میکرد _ که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست _ از آن طرف هم آن عده ای که «

نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین _ یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است _

اذا قد شککنا فی هذا القتال»؛⁽¹⁾ ما شك کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضریعی است که یحلب؛ همان ظهری است که یرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم إن شاء الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه میگوییم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.

لزوم پرهیز خبرگان از معرفی نمایندگان مخالف نظر اعضا

راجع به این مطلبی هم که جناب آقای شاهرودی نقل کردند، به نظر من خبرگان اقدام نباید بکنند به اینکه کسی را که حالا عقیده ی مخالفی در بین خودشان دارد، اعلام کنند. این به نظر من اقدام خیلی مناسبی نیست. حالا من البته نمیخواهم به خبرگان تکلیفی بکنم یا چیزی را به عنوان

ص: 136

تکلیف بگویم؛ سلیقه‌ی من این است. بالاخره یک نفر عقیده‌ی دیگری در یک مسأله‌ی خاصی دارد؛ اینجور نیست که در مبانی و اصول اختلافی وجود داشته باشد و به نظر نمی‌آید اینجوری باشد. (1)

وظیفه‌ی همگان بخصوص جوانان در افزایش بصیرت

مخاطب من عموم مردمند، بخصوص جوانان؛ همه‌ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حسّاس. جوانان عزیز! هرچه میتوانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ی از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد:

«أثمأ بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احكام تبتدع يخالف فيها كتاب الله» (2). در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حقّ بطور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حقّ باز کند. اگر باطل هم خودش را بطور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لكن يؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فيمزجان». آن کسانی که مردم را میخواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حقّ را آمیخته میکنند، ممزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که «فهناك يستولى الشيطان على اوليائه»؛ حقّ، برای طرفداران حقّ هم مشتبه میشود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما.

خوشحالی یا خشم دشمن؛ ملاک غلط یا صحیح بودن یک حرکت

نگذاریم حقّ و باطل مشتبه بشود. امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قلّه‌ی اسلام طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته اند؛

ص: 137

1- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/7/2.

2- . نهج البلاغه، خطبه‌ی 50.

استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها بطور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامینند. این شد يك معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط میرویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیت‌های شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خطّ درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق زده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست ورزی، این آن خطّ کج است؛ این همان زاویه داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آنجایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد. (1)

آبان ماه

یادآوری

13 آبان: اغتشاشاتی در میدان هفتم تیر انجام شد.

بیانات

اشاره

یکی از اشتباهات صداوسیما در انتخابات 88؛ پرداخت زودهنگام به انتخابات

من کمبودها را نفی نمیکنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها

ص: 138

را میدانم؛ منتها راه رفع کمبودها، این چیزهایی که تصوّر میشود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلانجا فلانجور چجوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمیشود، با کار درست میشود. با حرف درست نمیشود؛ حرف، جنجال سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حلّ مشکلات نمیکند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس میکرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب میکنم، همه ی برنامه های صدا و سیما را می آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات _ انتخابات بیست و دوّم خرداد بود _ از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرفهایی که زده شد و تظاهراتی که میشد و مجادلاتی که انجام میگرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. (1)

ضرر فضای جنجالی و دور از منطق

یک وقت شما یک حرفی میزنید، ناگهان میبینید همه ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف میزنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛

ص: 139

بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فَبَشِّرْ عِبَادِ. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (1). سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد؛ و الا فضای جنجال درست کردن، همین میشود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش میشود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر میکنید دستگاہهای تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر میکنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر میکنند؟ با چه محاسبه ای این کار انجام میگیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد. (2)

زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم نامزدهای متمرّد معترض

بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه ی صفحات لایبی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیرها، اگر سرمقاله ی قابل توجّهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه های ما متأسّفانه در انعکاس حقایق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیر منصفانه عمل میکنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسأله ی اصلی چیست؛ يك سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم اهمیت است، امّا مسأله ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست. مسأله ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، يك شرکت به این عظمت، يك نصاب شکنی، يك رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی ای که اینقدر ادّعایش را

ص: 140

1- . سوره ی زمر، آیات 17 و 18.

2- . در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور 6/8/1388.

میکنند، انجام بگیرد، بعد يك عده مفت و مسلم بیابند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! يك قدری باید منصف بود توی این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. يك عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند _ مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند _ از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابسته ی به خود نظام، از خود نظام، دارند اینجور میداننداری میکنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید.

هشدار داده شده به نامزدهای معترض نسبت به عواقب شروع اعتراضات

من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر يك وقتی توی نماز جمعه يك حرفی میزنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام میگیرد، وقتی انسان ناچار میشود، يك حرفی را می آورد در علن بیان میکند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع میکنید، اما نمیتوانید تا آخر کنترل کنید؛ می آیند دیگران سوءاستفاده میکنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصه ی سیاست میشود، باید مثل يك شطرنج باز ماهر هر حرکتی را که میکند تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش بینی کند. شما این حرکت را میکنی، رقیب در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو در میمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی _ حالا- تعبیر بهترش این است _ توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت،

ناشی هستی، ناواردی. اینها نمیفهمند چکار میکنند؛ يك حرکتی را شروع میکنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه میکردند.

جرم نامزدهای معترض؛ زیر سؤال بردن انتخابات و مواجه کردن عده ای از مردم با نظام

مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه ای از مردم _ آنها هیچ نیت سویی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب _ با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکتهای جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودن این را هم در نظر داشته باشید. (1)

دست برداشتن آمریکا از اقدامات گذشته؛ شرط عادی شدن روابط

آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالتهای بیجا در امور ملتها دست بردارد، يك دولتی مثل بقیه ی دولتهاست، برای ما هم دولتی مثل بقیه ی دولتها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکاییها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب نشینی وادار کنند؛ این را بدانند.

استحکام جمهوری اسلامی در برابر فتنه ها

و به این غائله هایی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند؛ جمهوری اسلامی قویتر از این حرفهاست، عمیقتر از این حرفهاست،

ص: 142

ریشه دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت تری هم مواجه شده، که بر همه ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهایی که یا ساده لوح _ حالا هر چه و با هر انگیزه ای؛ قضاوت نکنیم _ هستند، یا با نیت بد و خباثت آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است. (1)

آذر ماه

یادآوری

چهارم آذر: موسوی در بیانیه ی پانزدهم خود، بسیج را به باد انتقاد گرفت.

15 آذر: موسوی بیانیه ی شانزدهم خود را به مناسبت 16 آذر (روز دانشجو) صادر کرد.

16 آذر: در دانشگاه تهران و در حاشیه ی مراسم روز دانشجو، اغتشاشاتی انجام گرفت. تصاویری از این حوادث توسط رسانه های مخالف نظام منتشر شد که در آن به تصویر حضرت امام توهین میشد.

موج اعتراضهای مردمی برخاست.

21 آذر: درسهای حوزه های علمیه در اعتراض به توهین به حضرت امام تعطیل گردید. دانشجویان برخی از دانشگاهها نیز تجمعاتی در اعتراض به این اقدام موهن انجام دادند.

23 آذر: پس از اقامه ی نماز جمعه در سراسر کشور راهپیمایی در اعتراض به توهین به حضرت امام انجام شد.

24 آذر: آیت الله منتظری نظام را به استفاده ی ابزار از حادثه ی توهین به امام خمینی متهم نمود و بازهم به جریان برخورد با آشوبگران اعتراض کرد.

ص: 143

29 آذر: آیت الله منتظری در 87 سالگی درگذشت. رهبر انقلاب با توجه به سوابق وی، پیام تسلیتی را صادر نمودند.

30 آذر: تشییع جنازه ی آیت الله منتظری توسط آشوبگران به اغتشاش کشیده شد که با بیداری مردم بصیر قم به سرعت پایان پذیرفت.

بیانات

بدین کردن مردم و اختلاف افکنی؛ از ابزارهای جنگ نرم

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در يك جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ يك بهانه ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید يك بهانه ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ يك بهانه ای مثل بهانه ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلهای مردم را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسؤولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.

بصیرت؛ مهمترین عنصر در دوران فتنه

خوب، شما ببینید در يك چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغیهای

مردم، يك عنصر خائنی، يك عنصر دست نشانده و دست آموزی بیاید کاری را که آنها میخواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن میخواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردّد کند، فضای تهمت آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مُضرّ است، مخالف است.

اصرار بر یکی شدن آحاد ملّت در برابر مخالفان با اصل انقلاب

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملّت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از این گونه عناصر در داخل ملّتها دارد؛ در داخل ملّت ما هم اینچور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملّت، آحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی _ از خواص تا عامّه ی مردم _ اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من میبینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسؤولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.

ضرورت پرهیز از ایجاد اختلاف و شایعه پراکنی نسبت به مسؤولان

حالا بعضیها _ چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون _ توصیه پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی

از این دستگاهها و مطبوعات و رسانه ها را کی معین میکند و کجا معین میشود _ نانشان در ایجاد اختلاف است _ اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقایق را غالب کنند، من توصیه ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان میبند صریحاً و علناً به مسؤولین کشور _ کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند _ تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه ی قضائیه باشد؛ اینها مسؤولین کشورند. مسؤولین کشور کسانی هستند که زمام يك کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظنّ داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین بدبین کند.

اولین اقدام فتنه گران؛ ایجاد تردید در کار مسؤولان انتخابات

دیدید شما در اوایل همین حوادث بعد از انتخابات _ این فتنه ی بعد از انتخابات _ اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسؤولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنیها خیلی مضرّ است؛ دشمن این را میخواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را باهم ملاحظه کنند. (1)

بیهوده بودن اقدامات مواجه کنندگان با ملت و نظام

کسانی هم که با اشاره ی دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان، میخواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با

ص: 146

این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ میزنند؛ سر به دیوار میکوبند، کار بیهوده میکنند.

ضرورت دقت در بکار بردن عنوان منافق و ضدّ ولایت فقیه

مراقب باشید، مواظب باشید، نمیشود هرکسی را بمجرّد يك خطایی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمیشود هرکسی را بمجرّد اینکه يك کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر میکنیم، زد، بگوییم آقا این ضدّ ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه ها با شدت، با قوّت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیصها و در مصداقهای مختلف دقت بشود. بی دقتی در مصداقها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد. (1)

سختی فضای غبارآلود برای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مهمترین برهه ای و زمان و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا میدهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد. بیشترین زحمت در صدر اسلام و در زمان پیغمبر، زحمات مربوط به منافقین بود. بعد از پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین زحماتی بود که از درگیری و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدّعی اسلام بودند، بوجود می آمد. بعد هم همینجور؛ در دوران ائمه (علیهم السلام) هم همینجور؛ دوران غبارآلودگی فضا؛ و الا آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشوار نیست؛ آن وقتی که در میدانهای نبرد حاضر میشوند، با دشمنانی که مشخص است این دشمن چه میگوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسأله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع میشود که اینها مدّعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ اینجور نبود که معتقد به اسلام هم

ص: 147

نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط میروند، هواهای نفسانی کار دستشان میدهد.

ضرر تردید خواص در حوادث

این، مشکلترین وضع است که افراد را به شبهه می اندازد؛ به طوری که اصحاب عبد الله بن مسعود می آیند خدمت حضرت، میگویند:

«أنا قد شككنا في هذا القتال!»⁽¹⁾ چرا باید شك کنند؟ این شك خواص، پایه ی حرکت صحیح جامعه ی اسلامی را مثل موریانه میچود. اینی که خواص در حقایق روشن تردید پیدا کنند و شك پیدا کنند، اساس کارها را مشکل میکند. مشکل کار امیرالمؤمنین، این است. امروز هم همین است. امروز در سطح دنیا که نگاه کنید، همینجور است؛ در سطح داخل جامعه ی خودمان که نگاه کنید، همینجور است. تبیین لازم است.⁽²⁾

فلسفه بافی نامزدهای قانون شکن برای اقدامات غلط خود

شما ملاحظه کنید يك عدّه ای قانون شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجایی که میتوانند، تشویق کردند _ حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که میخواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند _ زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام _ آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند _ جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛⁽³⁾ کاری کردند که دشمن مایوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقمند به امامند، علاقمند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان

ص: 148

- 1- . وقعة صفّین، ص 115: «ما در این جنگ شك داریم».
- 2- . در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 22/9/1388.
- 3- . شعار حضّار (روح منی خمینی _ بت شکنی خمینی).

و جمهوری اسلامی هستند، يك چنین اهانتی، يك چنین کار بزرگی انجام بدهند. آن قانون شکنیشان، آن اغتشاش جویشان _ تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه ی اغتشاشگری _ این هم نتایجش. این خطاها اتفاق می افتد، عمل خلاف انجام میگیرد، کار غلط انجام میگیرد، بعد برای اینکه این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست میشود! فلسفه میافند؛ استدلال برایش درست میکنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را میکنیم، بعد برای اینکه در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، يك فلسفه ای برایش درست میکنیم؛ يك استدلالی برایش میترائیم!

نقش نامزدهای مغلوب معترض در غبارآلود کردن فضای جامعه

خب، اینها ایجاد فتنه میکنند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکنند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه ی طرفداران آنها، يك چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) هست:

«و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهنالک یستولی الشّیطان علی اولیائه»⁽¹⁾؛ يك کلمه ی حق را با يك کلمه ی باطل مخلوط میکنند، حق

ص: 149

1- . نهج البلاغه، خطبه ی 50؛ «و همواره پاره ای از حق و پاره ای از باطل را در هم می آمیزند و در چنین حالی شیطان بر یاران خود مسلط میشود».

بر اولیاء حقّ مشتبّه میشود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند.

تعجب از متنبه نشدن نامزدهای معترض پس از انجام اغتشاشات به نام آنها

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بجزّدی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که يك جهتگیری ای علیه این اصول بوجود بیاید، فوراً متنبّه میشود. چرا متنبّه نمیشوند؟ وقتی شفتند که از اصلیتین شعار جمهوری اسلامی _ «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» _ اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی میبینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنبّه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی میبینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند _ هم در زمان کنونی، هم در دوره ی تاریخی صد سال و دویست ساله ی تا حالا _ دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند يك جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبّه بشوند. وقتی میبینند همه ی آدمهای فاسد، سلطنت طلب، از اینها حمایت میکند، توده ای از اینها حمایت میکند، رقص و مُطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکند، باید متنبّه بشوند، باید چشمشان باز شود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان يك عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمیخواهیم حمایت شما را. چرا رودریاستی میکنند؟ آیا میشود با بهانه ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب،

شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همینطور خوششان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که بمجرّدی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را میکنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجرّدی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چجوری دارد برنامه ریزی میکند، چه میخواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب میکنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند _ بعضی از این آقایان يك سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت _ و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، میبینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، میخندند؛ اینها را که میبینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، يك وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار میگرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار میدهند، عکس اینها را روی دستشان میگیرند، اسم اینها را با تجلیل می آورند، درست نقطه‌ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار میدهند و روزه خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، میکنند؛ اینها را میبینید، خوب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان و لو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل

بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری میشود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

لزوم عبرت آموزی نامزدهای قانون شکن از ریزشهای زمان امام (قدس سرّه)

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، میدانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه ی اوّل انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله ی با امام کشید؛ کارشان به معارضه ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان الله تعالی علیه) را _ آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را _ اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.

اصرار نامزدهای متمرّد بر فاصله گرفتن از نظام

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حدّاکثری و دفع حدّاقلّی است؛ اما بعضی کائنه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. يك اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را _ که مبارزات انتخاباتی بود _ يك عده ای تبدیل کردند به مبارزه ی با نظام _ البتّه اینها اقلّیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملّت ایران صفرند، لکن به

نام اینها شعار میدهند، اینها هم دل خوش میکنند به این _ این باید مایه ی عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا میکنند و اشتباه میکنند.

پیروزی حتمی ملت مؤمن ایران بر چالشها

البته این نظام، نظام الهی است؛ این نظام، نظامی است که خدای متعال لطف خود و حمایت خود را از این نظام به مرآت و کرات نشان داده است؛ تجربه های ما از اول انقلاب همه اش همین را نشان میدهد. ما اگر با خدا باشیم، خدا با ماست. این کسانی که و این جهانخواران که امروز در سطح بین المللی با این منطقیهای مغلوط و با این منطقیهای مخدوش _ که اشاره کردم _ میخواهند دنیا را اداره بکنند و بر دنیا سیطره پیدا بکنند، مطمئناً بوسیله ی این ملت و بوسیله ی ملتهای مستقل، به حول و قوه ی الهی تودهنی خواهند خورد. اینها نه اسلام را شناختند، نه این ملت را شناختند، نه این انقلاب را شناختند، نه امام را حل عظیم الشان ما را شناختند؛ نمیدانند با کی طرف شده اند. این ملت را هم شناختند؛ این ملت، ملت مقاومی است. جوانهای ما جوانهایی هستند که به معنای حقیقی کلمه از عمق جانیشان تلاش میکنند برای سعادت؛ سعادت که در اسلام هست. دانشجویهای ما هم همینجورند؛ دانشجویهای ما امروز جزو برترین دانشجویها هستند؛ نه فقط از لحاظ ذهن و علم، بلکه حتی از لحاظ صفا، معنویت، ایمان؛ دانشجویهای ما خیلی خوبند.

بیداری دانشگاه در دوران فتنه

توی همین قضایا هم بارها دیده شده؛ دانشگاه بسیار آزمایش خوبی داد. در همین قضایا نشان داد که توی صحنه است، آگاه است، بیدار است. هرچه هم این ارتباط حوزه و دانشگاه، این پیوند حوزه و دانشگاه بیشتر بشود، این معنویت، این روحیات، بیشتر خواهد شد.

ما البتّه درخواستمان از مردم این است: در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حقّ هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامششان را حفظ کنند. از دانشجوها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش. اگر يك وقتی لازم بشود، خود مسؤولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه شان باشد، انجام میدهند. البتّه شناسایی کنند؛ خود دانشجوها موظّفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش يك تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهتگیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد. در سطح جامعه، تشنّج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. دشمن میخواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهمّ است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمیخواهیم. ما میخواهیم مردم زندگیشان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجو بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتوانند همه کارشان را انجام بدهند. محیط دانشگاه هم باید محیط امنی باشد؛ جوانهای مردم توی این مجموعه ی دانشگاه جمعند، مردم میخواهند جوانهایشان در محیط امنی باشند. این کسانی که محیط دانشگاه را با این اغتشاشگری ناامن میکنند، با مردم مواجه اند، با مردم طرفند. البتّه دستگاههای قانونی هم وظایفی دارند؛ باید به این وظایف عمل کنند.

عزاداران امام حسین (علیه السلام) را مورد حمله قرار دادند. به حسینه ها جسارت شد. رقص و پایکوبی انجام و اسلامیت از شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» حذف شد. به اصل ولایت فقیه توهین و به تصاویر رهبرکبیر انقلاب جسارت گردید. اموال عمومی، ماشینها و موتورهای پلیس به آتش کشیده شد. نیروهای پلیس مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. آشوبگران با حمله به برخی از نیروهای پلیس و بسیج، آنها را عریان کرده و در خیابان رها کردند.

هفتم دی: موج اعتراضات مردم، مسئولان و احزاب برخاست.

هشتم دی: مردم حسینی و عاشورایی تبریز راهپیمایی عظیمی را در اعتراض به وقایع تهران برپا نمودند.

نهم دی: حماسه ی ملی 9 دی در تمام کشور بمنظور دفاع از اسلام، امام حسین (علیه السلام)، انقلاب و ولایت فقیه با حضور ده ها میلیونی مردم خلق شد.

11 دی: موسوی در بیانیه ی هفدهم خود، اغتشاشگران را مردمی خداجو نامید. او راه حلّ خود را در پنج بند ارائه داد و پس از اینکه هشت ماه از ابطال انتخابات میگفت، دولت را به رسمیت شناخت.

سردمداران آشوب و اغتشاش بعد از 9 دی بیش از پیش مطرود مردم شدند به طوری که حضور آنها در هر محفلی با اعتراض مردم مواجه میشد.

بیانات

علّت ماندگاری 9 دی

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمّی است. اینی که من عرض میکنم روز 9 دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار

را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. يك وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما يك وقت هم آنجایی که وقت حضور در صحنه است، می آیند توی صحنه. (1)

نقش اراده و مجاهدت در شاخص شدن 9 دی

روزهای سال، بطور طبیعی و به خودی خود همه مثل همنند؛ این انسانها هستند، این اراده ها و مجاهدتهاست که يك روزی را از میان روزهای دیگر بر میکشد و آن را مشخص میکند، متمایز میکند، متفاوت میکند و مثل يك پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا - میبرد؛ این مجاهدتهای یاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را میبخشد. روز نوزدهم دی هم همینجور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با يك حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته ی از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

اهمیت مضاعف 9 دی در دوران غبارآلود فتنه

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم يك روز

ص: 157

متمایزی شد. شاید به يك معنا بشود گفت که در شرایط کنونی _ که شرایط غبارآلودگی فضااست _ این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود.

دست خدا و روح حسین بن علی (علیه السلام) در شکلگیری نه دی

هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را میبیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همانطور که امام در يك موقعیت حسّاسی _ که من بارها این را نقل کرده ام _ به بنده فرمودند: «من در تمام این مدّت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا.

در شرایط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البتّه خدای متعال حجّت را همیشه تمام میکند؛ هیچ وقت نمیگذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجّت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرّر این معنا ذکر شده است. دست اشاره ی الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز میخواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اول ماه را هم نخواهیم دید؛ امّا هلال هست. باید چشم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقّت کنیم، از همه ی امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این است که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این مجاهدت به او کمک میکند. نوزده دی مردم قم در سال 56 از این قبیل بود، نهم دی امسال آحاد مردم کشور _ که حقیقتاً این حرکت میلیونی فوق العاده ی مردم حرکت عظیمی

بود _ از همین قبیل است و قضایای گوناگونی که ما در طول انقلاب از این چیزها کم نداشتیم. این مجاهدت، راه را به ما نشان می‌دهد.

نقش عمّار در جنگ صفّین

ببینید در جنگ صفّین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه ای بودند که نماز هم میخواندند، قرآن هم میخواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. کی باید اینجا روشنگری کند و حقایق را به مردم نشان دهد؟ بعضیها حقیقتاً متزلزل میشدند. تاریخ جنگ صفّین را که انسان میخواند، دلش می‌لرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه ی حسّاس _ در شامات _ در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتّفاق می افتاد؛ بارها این اتّفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. يك وقت خبر می آوردند که در فلان جبهه، يك نفری شبیه ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم می‌جنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. اینجا اصحاب امیرالمؤمنین _ یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اوّل اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند _ جلو می افتادند؛ از جمله جناب عمّار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان میکرد. یکی از دفعات عمّار یاسر _ ظاهراً عمّار بود _ استدلال کرد. ببینید چه استدلالهایی است که انسان میتواند همیشه اینها را به عنوان استدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید يك عدّه ای دچار شبهه شده اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبهه ی مقابل میبینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم _ پرچم بنی امیه _ زیر این پرچم، همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستاده اند؛ معاویه و عمرو عاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمرو عاص و دیگر

سران بنی امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم پرچم بنی امیه بود. گفت: اینهایی که شما میبینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد - یعنی پرچم بنی هاشم - آن روز هم در جنگ بدر و احد بود و همین کسانی که امروز زیرش ایستاده اند، یعنی علی بن ابی طالب و یارانش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند، در يك جبهه. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبهه ی دیگر، در جبهه ی مقابل. فرقی این است که آن روز آنها ادعا میکردند و معترف بودند و افتخار میکردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا میکنند که مسلمند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم است. خوب، اینها بصیرت است. اینقدر که ما عرض میکنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

الگو گرفتن از عمار برای شناخت جریانهای فتنه ی 88

از اول انقلاب و در طول سالهای متمادی، کیها زیر پرچم مبارزه ی با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابسته ی به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همینجور است. الان هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال 88، در این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاریهای صهیونیستی کجا ایستاده اند؟ در داخل، جناحهای ضدّ دین، از توده ای بگیر تا سلطنت طلب تا بقیه ی اقسام و انواع بی دینها کجا ایستاده اند؟ یعنی همان کسانی که از اول انقلاب با انقلاب و با

امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار میدهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی طلب بود، پشت سرشان همه ی دستگاہهای ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهمّ این است که ملتّ این شاخصها را میفهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقّش را به جا نیاورده است؛ سجده ی شکر کنیم.

بیداری ملت؛ رمز ماندگاری 9 دی و انقلاب

این ملتّ عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمّی است. اینی که من عرض میکنم روز 9 دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملتّ ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا- در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملتّ ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملتّ ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. يك وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما يك وقت هم آنجایی که وقت حضور در صحنه است، می آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا میبندد؛ و این نشان میدهد که يك ملت و يك مجموعه ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. يك ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان بوجود آوردند، این خط تولید را بیداری يك ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه ی ملتهای مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه ی ملتهای مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملتهای دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملتهای دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت يك ملت در حوادث عالم چقدر است. (1)

راهپیمایی نه دی؛ پاسخ به نیاز لحظه

راهپیمایی مردم در بیست و دوی بهمن با همه ی عظمتی که دارد _ که حالا_ عرض خواهم کرد _ يك کار متعارف است، يك کار روان شده است، شناخته شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه ی تیر در سال 78، يك کار متعارف نبود، يك کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بدانند و بفهمند که این کار در آن شرایط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همینجور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس

ص: 162

کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه _ در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس _ هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قلّه‌هایی را در تاریخ ما بوجود آورد. یکی از این قلّه‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود. (1)

بهمن و اسفند ماه

نقش ایمان در خلق حماسه ی 9 دی

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته اند؛ هرروزی يك حرفی، يك شعاری، يك فکری، يك ترفندی علیه این انقلاب دارند طرّاحی میکنند؛ اما نمیتوانند به انقلاب لطمه ای بزنند، نمیتوانند به نظام اسلامی صدمه ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدایی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه

ص: 163

1- . در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 29/10/1388.

با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ایادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزانند.

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست. لذا شما میبینید آن روزی که توده ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی ای وجود دارد، بدون فراخوان حرکت میکنند می آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیماییهای میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده اند - تحقیر کنند، کوچک کنند - اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقایق درباره ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده ها مقهور اراده ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (1). این را دشمنان نظام اسلامی نمیفهمند تا امروز هم نفهمیدند؛ لذا تهدید میکنند، حرف میزنند، روشهای گوناگون را بکار میگیرند، به خیال خودشان میگردند نقطه ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند؛ گاهی اسم حقوق بشر را می آورند، گاهی اسم دموکراسی را می آورند؛ ترفندهایی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. میگویند افکار عمومی؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف،

ص: 164

ملت‌های مختلف، در مواقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمیدادند، که میبینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترندهای اینها را نخورده است. (1)

قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی آفرین ایران در راه پیمایی 22 بهمن

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عظیم الشان و شگفتی آفرین ایران

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگیتان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید.

و سپاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رخ دشمنان کشید.

آیا سی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُر انگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

ص: 165

دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قلّه ی پیشرفت و سعادت با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت. کمک و توفیق الهی یار این ملت و دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پشتیبان آنان باد.

سید علی خامنه ای 22 بهمن/1388(1)

نقش علما در شکلگیری حماسه ی 9 دی و بیست و دوّم بهمن 88

حضور مردم در حوادث بزرگ و مهمّ و اعلان موضعی که میکنند _ مثل راهپیمایی مهمّ بیست و دوّم بهمن، که واقعاً يك پدیده ی عظیمی بود در تاریخ انقلاب در این شرایط و با این اوضاع و احوال؛ و قبل از آن، حضور مردم در خیابانها در سراسر کشور در نُهم دی _ بدون اینکه علما و راهنمایان معنوی مردم که مورد اعتماد آنها هستند، دلهای مردم را به حقایق این انقلاب متوجّه کنند، میسر نمیشد. نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمیشود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهمتر از همه ی اینها، هدایت مردم است در مسأله ی عظیم اجتماعی و مسأله ی حکومت و مسأله ی نظام اسلامی و وظایفی که مترتب بر این هست در مقابله ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف میشد و وجود نمیداشت، این انقلاب تحقق پیدا نمیکرد؛ این نظام بوجود نمی آمد و باقی نمی ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب بوجود آوردند. بنابراین علمای دین _ که از جمله ی برترین آنها، مجموعه ی خبرگان هستند _ تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ که خوب، آثارش را بحمدالله میبینیم. (2)

ص: 166

- 1- . پیام تشکر و قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی آفرین ایران در راهپیمایی 22 بهمن 1388/11/22.
- 2- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 6/12/1388.

حضور میلیونی ملت در پای صندوقهای رأی؛ عامل شکست نقشه ی دشمن

سال 88، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. یکجا در بیست و دوم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت يك نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم میدانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمیدانند، آنها يك چنین حضوری را الان ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً سی درصد کسانی که میتوانند رأی بدهند. هشتاد و پنج درصد کجا، سی درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی مسائل دنیا از این چیزها به آسانی نمیگذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ میشود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در دلشان مؤثر است، میفهمند.

این ملت پای حرف خود ایستاده است. این يك حرکت عظیم بود از

ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی _ که نظامی بر پایه ی اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک ناپذیرند؛ آنهایی که این دورا از هم تفکیک میکنند، جمهوری اسلامی را نشناختند _ آنچنان پابند به مبانی این نظام هستند که در يك انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت میکنند. خوب، این يك حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملت ایران نقشه هایی داشتند؛ این نقشه ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال 88 يك حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق میشدند.

خشونت بعد از انتخابات؛ از نقشه های دشمن برای شکست حکومتها

نقشه هایی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمیکنم؛ اما هندسه ی کار دشمن را میشناسم، میبینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار کنم. هندسه ی کار دشمن، يك هندسه ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین المللی از يك نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راههایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر يك فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با يك حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشاند، با فشار در صحنه ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این يك نقشه ی شناخته شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، منتسب به عوامل خارجی و بیرونی

میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می افتد، یک نتیجه ای هم با خود به دنبال می آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت شده ای از طرف بیگانگان است. یک چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛ هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برنده ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه باهم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان اینجا میشود بفهمد.

میخواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هر کاری توانستند، کردند، اینها هم

فرصت را مغتنم شمردند و با تبلیغاتِ خودشان وارد میدان شدند. بیش از این، کاری نمیتوانستند بکنند. اگر آمریکاییها و انگلیسیها و صهیونیستها نمیتوانستند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید میکردند. اگر برایشان امکان داشت که با حضور وابستگان و مزدوران خودشان از خارج، عرصه را آنچنان که میخواهند، هدایت کنند، میکردند. منتها میدانستند که این کار به ضررشان تمام میشود. تنها کاری که نمیتوانستند بکنند، این بود که در صحنه ی تبلیغات، در صحنه ی سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن میخواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتوانند اوضاع را آنچنان که طبق میل خودشان است، در افکار عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند. (1)

نهم دی و 22 بهمن 88؛ قویترین و آخرین ضربه بر فتنه

قویترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ 9 دی هم همینجور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه ی کسانی که در عرصه ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند؛ و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - يك فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این يك درس شد. آگاهی جدیدی بوجود

ص: 172

آمد. فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این يك زمينه ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمينه، حرکت کنیم. (1)

نه دی؛ عامل تقویت جمهوری اسلامی

همه، بخصوص جوانهای عزیز ما این را بدانند؛ آنچه که بعد از رحلت امام تا امروز اتفاق افتاده است، از دشمنیها، کارشکنیها، هر کاری که کردند، از هر نوعی که انجام دادند، نتوانسته است در پایه های این نظام اندک تزلزل و تکانی ایجاد کند؛ بلکه بعکس، هر ضربه ای که دشمن حواله ی جمهوری اسلامی کرده است، در نتیجه به استحکام بیشتر جمهوری اسلامی انجامیده است؛ درست مثل هشت سال جنگ تحمیلی... امروز هم همینجور است. هر اتفاقی که دشمنان برنامه ریزی کنند، افراد ساده دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت ایران، نتیجه اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

شما دیدید فتنه ای بوجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد.

نقش تقوا در آسیب ناپذیر شدن ملت

ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکرده ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمينه چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی میکنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را

ص: 173

آسیب ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه ی این راه تا رسیدن به اهداف عالی امیدوار میکند، تقواست. (1)

عفو فریب خوردگان فتنه

همزمان با ایام خجسته ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رهبر معظم انقلاب اسلامی با درخواست رئیس قوه قضائیه برای عفو و تخفیف مجازات هشتاد و یک نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب که در قضایای پس از حماسه چهل میلیونی مردم در انتخابات سال گذشته، بازداشت و از کرده خود پشیمان شده و درخواست عفو کرده اند موافقت نمودند.

متن نامه آیت الله آملی لاریجانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارك رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (ادام الله ظلّه الوارف)

با اهدای سلام و تحیات و با عرض تبریک فرا رسیدن ایام ولادت با سعادت دخت گرامی نبی مکرم اسلام (ص) و تقارن این عید خجسته با ولادت حضرت امام خمینی (ره)، با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، پایه های نظام اسلامی آنچنان مستحکم و ریشه در اعماق انسانهای مؤمن دوانیده که بفضل الهی و با رهبری ولیّ فقیه و حمایت بی دریغ امت، بر همه توطئه ها و مشکلات فائق آمده و صراط تعالی را میپیماید.

در سال گذشته در دهمین انتخابات ریاست جمهوری، مردم دینمدار و انقلابی حماسه ای دیگر آفریدند و جلوه ای از دموکراسی واقعی و مردمسالاری دینی را در ایران اسلامی به نمایش گذاشته و علی رغم تبلیغات گسترده دشمنان و بدخواهان، با حضور چهل میلیونی در انتخاباتی کم نظیر و در کمال آزادی

ص: 174

1- . در خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

.14/3/1389

شرکت کرده و با اکثریت قاطع فرد مورد نظر خود را انتخاب کردند.

این نمایش عظیم ملت و حماسه بزرگ بر دشمنان گران آمده و در صدد تلخ کردن کام مردم برآمدند و با پیوند جریانهای ضد انقلاب داخل و خارج و حمایت همه جانبه دشمنان قسم خورده دست به فتنه گری و ناامنی زدند و عده ای غافل و بی بصیرت هم اگرچه با انگیزه های متفاوت، آتش این فتنه را شعله ورت کردند و با هنجارشکنی و زیر پا گذاشتن قانون برای مردم و نظام زحمت ایجاد کردند و مال و جان مردم را مورد تعرض قرار دادند که حسب وظیفه دستگاههای امنیتی، انتظامی و قضایی با فتنه گران و قانون شکنان و عوامل ناامنی برخورد کردند.

با روشن شدن ماهیت فتنه و برملا شدن نقشه دشمنان عده ای از این افراد فریب خورده به خود آمده و از کرده خود پشیمان و اظهار ندامت و درخواست عفو دارند. در اجرای بند 11 از اصل قانون اساسی به شرح لیست پیوست، صورت اسامی 81 نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب مورد بررسی واقع و واجد شرایط لازم جهت برخورداری از عفو و یا تخفیف مجازات تشخیص داده شده اند که در صورت تصویب مقام عالی اقدام میگردد.

والامر الیکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صادق لاریجانی

پاسخ حضرت آیت الله خامنه ای به درخواست رئیس قوه قضائیه به این شرح است:

بسمه تعالی

با سلام و تبریک با پیشنهاد جناب عالی موافقت میشود.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه ای

12 / خرداد ماه / 1389 (1)

ص: 175

ضربه ی سخت فتنه 88 به کشور

این سالی که بر دولت دهم گذشت، سال خیلی سختی بود و انصافاً تلاشی که در این مدت از سوی مسئولین و دست اندرکاران در قوه ی مجریه نشان داده شد، تلاش باارزشی بود؛ حقّاً و انصافاً تلاش مأجور و مشکوری بود. این سال، هم از لحاظ سیاسی و امنیتی سال دشواری بود، هم از لحاظ تأثیر جریانهای بیگانه بر برخی از بخشهای کشور، مثل اقتصاد و فرهنگ و غیره. کسانی که فتنه ی سال 88 را شروع کردند _ حالا_ یا خودشان طّراحی کرده بودند، یا دیگران طّراحی کرده بودند؛ نمیخواهیم نسبتی بدسیم، ولی به هر حال این فتنه طّراحی شده بود _ به کار کشور ضربه ی سختی زدند. اگر این فتنه نبود، بلاشکّ کارهای گوناگون کشور بهتر پیش میرفت. اینها دشمنان را امیدوار کردند و روحیه دادند به کسانی که علیه نظام اسلامی جبهه بندی کرده اند و یک جبهه ای تشکیل داده اند. (1)

واکسینه شدن کشور با گذر از فتنه ی 88

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک فراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه ی سال 88 کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضدّ میکروبیهای سیاسی و اجتماعی ای که میتواند اثر بگذارد، مجهّز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد. (2)

سخنان دلسردکننده ی برخی از خواصّ تأثیرپذیر از تبلیغات دشمن

امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، میبینید اگر در مسائل اقتصادی

ص: 176

1- . در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت 8/6/1389.

2- . در اجتماع بزرگ مردم قم 27/7/1389.

اظهار نظر میکنند، همه ی حرفشان این است که بن بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. يك عده ای هم این مسائل را باور میکنند و همانها را در داخل تکرار میکنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه میکردند که آقا سال آینده، سال سختی است _ یعنی همان سال 88 _ از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه میدادند؛ مسؤولین را يك جور میخواستند دلسرد کنند، مردم را يك جور. این تبلیغات نشانه ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسؤولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

یا در زمینه ی سیاست خارجی، سیاست بین المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید؛ در اظهارات سال گذشته ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید؛ هی تکرار میکردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی آبرو شده، بی ارزش شده، چه شده، چه شده. امروز وقتی به واقعیت نگاه میکنیم، مبینیم روزه روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملتهای گوناگون دنیا _ مسلمان و غیر مسلمان _ افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را میدانند، میفهمند، احساس میکنند؛ البته کتمان میکنند. (1)

شروع فتنه ها از مخلوط شدن باطل با حق

يك نکته ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمیشود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان میشود. امیرالمؤمنین فرمود:

ص: 177

«أما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع و احكام تتدع يخالف فيها كتاب الله»، بعد تا میرسد به اینجا:

«فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين و لو ان الحق خالص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين»⁽¹⁾؛ اگر باطل و حق صریح و بی شائبه وسط میدان بیایند، اختلافی باقی نمیماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می آید؛

«و لیکن یؤخذ من هذا ضعف و من ذلك ضعف فیمزجان فحینئذ یشتهب الحق علی اولیائه». بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط میکنند، نمیگذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه میشوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتی شان هم فراوان است، بطور دائم هم مشغولند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته، بعضی ندانسته، در داخل، همان حرفها را تکرار میکنند و همانها را بازتاب میدهند.

کافی نبودن بصیرت برای موفقیت

خوب، يك نکته ای در اینجا وجود دارد: گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا میکند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی اش مسأله ی نبود عزم و اراده است. بعضیها حقایقی را میدانند، اما برای اقدام تصمیم نمیگیرند؛ برای اظهار تصمیم نمیگیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمیگیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد: گاهی عافیت طلبی است، گاهی تنزه طلبی است، گاهی هوای نفس است، گاهی شهوات است، گاهی ملاحظه ی منافع شخصی

ص: 178

خود است، گاهی لجاجت است. يك حرفی را زده است، میخواید پای این حرف بایستد، به خاطر اینکه ننگش میکند از حرف خودش برگردد؛ که فرمود:

«لعن الله اللجاج»؛ لعنت خدا بر لجاجت. افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم میدانند؛ در عین حال كمك میکنند به جهتگیریهای مخالف، جهتگیریهای دشمن. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، يك روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما يك روز شما ببینید درست در نقطه ی مقابل آن روز ایستاده اند و در خدمت ضد انقلاب قرار گرفته اند! این به خاطر همین عوامل است؛ هواهای نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب میشود که بکلی صد و هشتاد درجه جهتگیریشان عوض شود.

فرب خوردن برخی در جریان فتنه

البته بعضی هم اشتباه میکنند. نمیشود همه را مقصّر دانست. ما بعضیها را دیدیم که کسانی آمدند به عنوان هدیه، به عنوان اظهار ارادت، به اینها پول دادند؛ اینها هم پول را گرفتند، نفهمیدند اسم این رشوه است. آنچه که در عالم واقع اتفاق می افتد، شبیه یکدیگر است؛ منتها متفطن شدن به اینکه اسم این رشوه است یا نه، مهم است. شما که يك جایی قرار داری که میتوانی يك کاری را بر طبق میل او انجام دهی، او می آید اینجور دستت را هم میبوسد و به شما پول میدهد. خوب، این اسمش رشوه است؛ رشوه ی حرام همین است.

در قضایای فتنه هم همینجور. بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است که امیرالمؤمنین فرمود:

«فی فتن داستهم بأخفافها ووطئتهم بأظلافها و قامت علی سناکها» (1) فتنه خرد و نابود میکند کسانی را که زیر دست و پای فتنه قرار بگیرند. آنها نفهمیدند این فتنه است. يك حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند. پس نمیشود همه را محکوم به يك حکم دانست. حکم معاند متفاوت است با حکم غافل. البتّه غافل را هم باید بیدار کرد. (2)

جوانان؛ در خطّ مقدّم مقابله ی با فتنه ها

امروز به توفیق الهی، به حول و قوه ی الهی جوانها حاضرند، در صحنه اند؛ این خیلی چیز مهمّ و بزرگی است. شما جوانها خطّ مقدم این حرکت هستید؛ هم در میدانهای سیاسی، هم در میدانهای اقتصادی، هم در میدانهای علم.

در میدان سیاسی، فتنه ی سال 88 را جوانهای ما خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوانهای ما، همین شما دانش آموزها، همین شما دانشجویها نقش داشتید؛ و الا فتنه، فتنه ی بزرگی بود.

تسخیر ایران؛ توطئه ی بزرگ در پس فتنه ی سال 88

من به شما عرض کنم؛ چند سالی که بگذرد، آن وقت قلمهای بسته شده ی آگاهان بین المللی روان خواهد شد، باز خواهد شد، خواهند نوشت. ممکن است من آن روز نباشم، اما شماها هستید؛ خواهید شنید، خواهید خواند که چه توطئه ی بزرگی پشت فتنه ی سال 88 بود. این فتنه خیلی چیز مهمّی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع میخواستند ایران را تسخیر کنند. اینهایی که عامل فتنه بودند _ توی خیابان، یا بعضی از سخنگویانشان _ اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ اما دستهایی اینها را هدایت میکرد، نمیفهمیدند. حالا اینکه چطور

ص: 180

1- . نهج البلاغه، خطبه ی 2.

2- . در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم 4/8/1389.

بعضیها وارد این میدان شدند، چطور ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیلهای دقیق روانشناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسأله خیلی کار بزرگی بود؛ این کار را شما جوانها به سامان رساندید. توی صحنه بمانید عزیزان من! کشور مال شماست. (1)

کسب توانایی تازه توسط ملت ایران بعد از پیروزی در فتنه

در سال گذشته ملت ایران از يك امتحان عبور کرد، از يك فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت يك وضع جدیدی پیدا کرد؛ يك توانایی تازه ای در او بوجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحانهاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیاییم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما يك مرتبه ی جدیدی از حیات بوجود می آورد؛ این يك تعالی است، يك ترقی است. (2)

رسالتهای ملی و جهانی ملت ایران

ما باید این راه را طی کنیم. ما باید همّت کنیم. ما باید مناسبات غلطی را که موجب عقب ماندگی ملّتها و از جمله ملت خود ما شده است، عوض کنیم و تغییر دهیم. ما باید عقب ماندگیهای گذشته را جبران کنیم. همه ی اینها نیاز دارد به همّت، نیاز دارد به عزم، نیاز دارد به امید. اگر يك ملّتی امید خود به آینده را از دست داد، یا همّت او در باز کردن راهها و پیش رفتن به سمت هدفها سست شد، این ملت عقب خواهد ماند؛ پیشرفت نخواهد

ص: 181

1- . در دیدار دانش آموزان در آستانه 13 آبان 12/8/1389.

2- . در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان و در سالروز 25 آبان 1361؛ تشییع پیکرهای مطهر 370 شهید استان اصفهان 26/8/1389.

کرد؛ سلطه گران عالم بر او مسلط خواهند شد؛ عزت خود را از دست خواهد داد. ملت ایران احتیاج دارد به اینکه این همت را مستمراً در کار خود حفظ کند، این عزم و اراده را حفظ کند، این امید را روزبه روز افزایش دهد؛ و این در کشور ما موجود است. بحمدالله مردم ما این را دارند و نشان داده اند؛ لذا ما در این سی سال بمراتب بیشتر از آنچه که يك ملت در سی سال میتواند رشد کند و پیش برود، جلورفته ایم؛ این را دشمنان ما هم اعتراف میکنند. ولی شعار ما، شعار جهانی است. شعارهای ما، شعارهای ناظر به بشریت است؛ شعارهای ما ناظر به قطع دست مستکبران بطور کامل از کشور ما و ملت ماست؛ مستکبران این را تحمل نمیکند، لذا توطئه میکنند. (1)

توطئه ها برای مقابله با جهانی شدن پیام جمهوری اسلامی

شعارهای ما، شعارهای ناظر به بشریت است؛ شعارهای ما ناظر به قطع دست مستکبران بطور کامل از کشور ما و ملت ماست؛ مستکبران این را تحمل نمیکند، لذا توطئه میکنند. فتنه ی سال گذشته جلوه ای از توطئه ی دشمنان بود؛ فتنه بود. (2)

نهم دی؛ مشت محکم به دهان فتنه گران

فتنه ی سال گذشته جلوه ای از توطئه ی دشمنان بود؛ فتنه بود. فتنه یعنی کسانی شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل مطرح کنند، بیاورند برای فریب دادن مردم. اما ناکام شدند. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. شما ملاحظه کنید؛ مردم ما در مقابله ی با فتنه، خودشان به بپاخاستند. نهم دی در سرتاسر کشور مشت محکمی به دهان فتنه گران زد. (3)

ص: 182

1- . در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان 8/10/1389.

2- . همان.

3- . همان.

خودجوش بودن نه دی؛ دلیل هوشیاری مردم

این کار را خود مردم کردند. این حرکت _ همانطوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته اند _ یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند. (1)

پیام 9 دی برای دشمنان

دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال میکنند میتوانند میان نظام و میان مردم جدایی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه ی وجود نظام جمهوری اسلامی را و اسلام را و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته اند، در درجه ی اول خود مردمند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولتهای مستکبر _ و در رأس آنها آمریکا _ علیه ملت ما حرف میزنند، توطئه میکنند، گاهی شعار میدهند، گاهی اظهارات مزورانه میکنند، گاهی صریحاً دشمنی میکنند، گاهی در لفافه میبرند؛ اینها همه برای این است که تحلیل درستی از مسائل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیداری است، ملت هشیاری است. (2)

گناه بزرگ فتنه گران؛ امیدوار کردن دشمن برای نفوذ

ملت عزیز ما باید آنچنان حرکت کند و آنچنان قلّه هایی را فتح کند که دشمنان از دست یافتن بر سرنوشت این ملت بکلی مأیوس شوند. باید دشمن را مأیوس کنید. وقتی دشمن مأیوس شد، یک ملت از شرّ او خلاص خواهد شد.

گناه بزرگی که برخی از دست اندرکاران فتنه ها در کشور انجام میدهند،

ص: 183

1- . همان.

2- . همان.

امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار میکنند که میتواند منفذی در بین مردم، در بین عوامل گوناگون، در بین مسؤولان نظام باز کند. دشمن سال گذشته با کارهای اینها امیدوار شد؛ در حالی که آن انتخابات عظیم، آن حضور به آن عظمت، آن شرکت عظیم مردم در انتخابات، میتواندست کار را خیلی پیش ببرد و ملت ایران را در بسیاری از میدانهای سیاسی موفق کند. اینها ایجاد فتنه کردند؛ لذا دشمن که از حرکت عظیم مردم مأیوس میشد، امیدوار شد که بتواند به انقلاب صدمه و ضربه بزند. (1)

پیروزی ملت ایران در هشت ماه جنگ نرم سال 88

چالش عظیمی بود: دشمن از آن طرف حمایت کند، کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد _ دشمن از فتنه گران اسم بیاورد _ ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود ابتکار نشان داد، شجاعت نشان داد، فداکاری نشان داد، در همه ی صحنه ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. انسان وقتی به مسائل نگاه میکند و میخواهد از يك افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متحیر میماند: این چه قدرت الهی است که اینجور دلهای ما را، جانهای ما را به سمت اهداف خودش حرکت میدهد؟ کار خداست. خدا با شماست. این خداست که شما را هدایت میکند. این خداست که دلهای من و شما را متوجه به راه درست میکند. (2)

نه دی؛ از موارد جلب رحمت الهی

خوشبختانه جوانهای ما با دلهای پاکشان، با دلهای نورانشان، با حضورشان در مراسم گوناگون، رحمت الهی را جلب میکنند؛ و یکی از موارد

ص: 184

1- . همان.

2- . همان.

جلب رحمت الهی، همین نهم دی بود. به برکت یاد حسین بن علی سید الشهداء (سلام الله علیه) مردم در صحنه آمدند و بساط فتنه گران را جمع کردند. (1)

دست قدرت الهی؛ عامل خنثی شدن فتنه ی 88

ملت ایران در میدانهای گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را لمس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده ی مجاهدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در قضایای گوناگون یک جور، در تحرکات سیاسی و در فتنه ها یک جور. در همین فتنه ی سال 88 دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثی کردند.

روشن نشدن زوایای پنهان فتنه ی 88

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه ی چیزها را مشاهده کرده بود.

گناه نامزدهای قانون شکن؛ خودداری نکردن از بازی در زمین دشمن

این کسانی که شما بهشان میگویید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند.

طراحی دشمن برای از بین بردن دین و نظام با شبیه سازی از انقلاب

عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان

ص: 185

1- . همان.

محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراح این بود که اگر توانستند قاعده ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان _ من يك وقتى گفتم _ کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه هایی که حرکت يك قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و بساط اینها را جمع کرد.

تقویت انقلاب و دین؛ جایزه ی پیروزی ملت در امتحان فتنه

امروز انقلاب، جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته بمراتب قویتر است، روشنتر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که میکند، يك نمره میدهد. وقتی در يك امتحانی، يك کسی، يك جمعیتی، يك ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره میدهد؛ نمره این است که اینها را بالا می آورد. امتحانهای الهی اینجوری است. همینطور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره ی مردودی میدهد و آن مردودی عبارت است از تزلزل و انحطاط _ انسان از آنی که بود، بدتر میشود _ در قبولی هم همینجور است؛ ملتها را بالا میبرد.

در يك دوره ای مردم در يك امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. خوب، امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی التأس به خون کشیده شود؟ این نشاندهنده ی امتحان بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛

لذا خدا اینها را پایین آورد؛ کارشان به آنجا رسید که حسین بن علی را جلوی چشم آنها کشتند!

وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قویتر، پررنگتر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره ی الهی است.

درسهای امتحان فتنه

این [امتحان فتنه] شد برای ما دستورالعمل. در همه ی قضایا باید اینجوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواظب باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدهیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسؤلیت کنیم. **یک ملت زنده، حیات طیبه اش این است. حیات طیبه ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است _ «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (1) _ یعنی این؛ یعنی همینطور روزبه روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همینطور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست. (2)**

ضرورت بیداری همگانی و فریب نخوردن از پیروزیها

البته باید بیدار باشیم. همه باید بیدار باشند. نمیخواهیم و نباید بالش نرم زیر سرمان بگذاریم، برای خودمان لالایی بخوانیم؛ هی بگوئیم دشمن

ص: 187

1- . سوره ی نحل، آیه ی 97.

2- . در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 1389/19/10.

شکست خورد، دشمن ضعیف است، ما قوی هستیم؛ این نباید ما را به خواب ببرد. ما باید بیدار باشیم؛ همانطور که امیرالمؤمنین فرمود:

«و انّ احبا الحرب الأرق و من نام لم ینم عنه»⁽¹⁾ وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن میخواهد درگیری داشته باشد؛ حالا- درگیری سیاسی، درگیری امنیتی، درگیری اقتصادی. همه اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود. جوانها بیدار باشند، روحانیت بیدار باشد، دانشگاه بیدار باشد، مسئولین کشور بیدار باشند. بیداری مسئولین به این است که هر چه میتوانند، به مردم خدمت کنند، کار کنند؛ و هر چه میتوانند، این یکپارچگی را - که مثل خاری در چشم دشمنان است - حفظ کنند.⁽²⁾

نه دی؛ یوم الله به معنای حقیقی کلمه

البته خود غربیها اشتباهات سیاسی ای داشتند؛ این اشتباهات سیاسی هم به جمهوری اسلامی کمک کرد.

... در همین فتنه ی 88 همینجور بود. جنجال کردند، هیاهو کردند، گفتند جمهوری اسلامی تمام شد رفت، اختلافات شد، چنین شد، چنان شد؛ بعد نگاه کردند، دیدند ملت ایران فائق آمد. 9 دی و بیست و دوی بهمن پارسال جزو ایام الله - به معنی حقیقی کلمه - بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد. هر کاری میکنند، به ضررشان تمام میشود. بعد از این هم همینجور خواهد بود. خب، این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد. چی میخواستند، چی شد!⁽³⁾

ص: 188

1- . نهج البلاغه، نامه ی 62.

2- . در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 1389/10/19.

3- . در خطبه های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) 15/11/1389.

بخش چهارم: بیانات سال 90 تا 92 درباره ی فتنه و حماسه ی نه دی

اشاره

ص: 189

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه‌ی شهدایی که در این گلزار معنوی _ بهشت زهرا _ به خاک سپرده شده‌اند، شهادت میدهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم میبینم و میتوانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقبتر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی میدهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده‌اند؛ ارزشها را نگه داشته‌اند، حفظ کرده‌اند و پای آن ایستاده‌اند؛ مردم بودند که نقشه‌های دشمنان ما را خنثی کردند.

نمیخواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الان وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصور میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال میکردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مأیوس کرد. يك برنامه ریزی ده ساله کردند _ این

تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند _ ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال 78 که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال 78 مردم آمدند در خیابانها، توطئه ی دشمن را که سالها برایش برنامه ریزی کرده بودند، در يك روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز يك برنامه ریزی ده ساله بود تا سال 88. به نظرشان فرصتی به دست می آمد. به خیال خودشان زمینه ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند _ مردمی که وابسته ی به نظامند، وفادار به نظامند _ فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال 88 بوجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند _ البته فقط تهران را _ دو سه ماه توانستند دلها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته هاشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه ی 9 دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان شاءالله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد. (1)

اعتماد مردم به نظام؛ علت حضور مردم در نه دی

من اینجا پنج شش نقطه را نوشتم، که اینها محصول يك حرکت مستمر به هم پیوسته ی نظام جمهوری اسلامی در طول سی و دو سال است، که البته فراز و نشیب داشته است؛ یعنی بعضی سالها، بعضی دوره ها، بعضی

ص: 192

دولتها بهتر، بعضیها عقب تر؛ لیکن مجموعاً در طول این مدت، ما این نقاط مثبت را داشتیم.

... دوم: اعتماد میان مردم و نظام. کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که اعتمادی را که مردم ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند، نسبت به نظام حکومتی خود داشته باشند. دلیل این اعتماد هم همین پدیده های روشنی است که جلوی چشم همه است. باز يك عده ای اینها را نمی بینند، هی دم از بی اعتمادی مردم میزنند؛ نخیر، مردم به نظام اعتماد دارند. يك دلیل، همین انتخابات دو سال قبل است که بیش از هشتاد درصد از مردمی که حق رأی داشتند و قادر به رأی دادن بودند، در انتخابات شرکت کردند. کجای دنیا چنین چیزی هست؟ يك نمونه، همین دو راهپیمایی ای است که ما هر سال داریم؛ راهپیمایی بیست و دوی بهمن و راهپیمایی روز قدس. این راهپیماییها مربوط به نظام است؛ مربوط به هیچ دولتی، مربوط به هیچ جریان خاصی نیست؛ مال نظام است. شما ببینید مردم در این حرکت عظیم چه میکنند؛ در سرمای بیست و دوی بهمن، در ماه رمضان با دهان روزه؛ چه اوقاتی که هوا سرد بود، چه حالا که هوا گرم است... این نشان دهنده ی علاقمندی و دل بستگی مردم به نظام است. اعتماد به نظام، از این بهتر و روشتر نمیشود. این حضور، حضور بسیار پرمعنایی است. علاوه بر این، در موارد خاص، مثل نُهم دی سال 88، بمجرد اینکه مردم احساس کردند حرکتی که شروع شده است، متوجه به نظام است، متوجه به انقلاب است، متوجه به شخص خاص و دولت خاصی نیست، آن حرکت عظیم را از خود نشان دادند. اینجور نبود که فقط جوانهای پر شور به میدان بیایند؛ همه آمدند. حادثه ی نُهم دی يك حادثه ی عجیبی است؛ به خاطر دل بستگی مردم به نظام بود. اینها نشان دهنده ی اعتماد مردم است. متأسفانه می شنویم همینطور در اظهارات مصلحت جو یانه، مکرر میگویند: آقا اعتماد از دست رفته ی مردم را برگردانید! کدام اعتماد از دست رفته؟!!

مردم به نظام اعتماد دارند، نظام را دوست دارند، از نظام دفاع میکنند؛ اینها نمونه هایش بود که عرض کردیم. (1)

اراده و حضور مردم؛ عامل پیروزی نظام بر چالشها

ما وقتی تجربه ی سی و دو ساله ی انقلاب را بازخوانی میکنیم، ژرف ژرفایی حکمت امام و تدبیر امام را درمی یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی عدالتی بین المللی دارد، با ایستادگی ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمنهای گردن کلفتی دارد. چالش ایجاد میکنند، مشکل بوجود می آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهداری کند تا بتواند ایستادگی کند تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام _ که از متن اسلام گرفته شده بود _ این نیروی نگهبان عبارت است از اراده ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل میشود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه ی چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد. (2)

شکست فتنه با حضور بی نظیر مردم در نه دی

یکی دیگر از چالشها _ که البته این چالش پیچیده تری بود _ چالشهای فتنه انگیزی بود که در فتنه ای مثل هجدهم تیر سال 78 و فتنه ی سال 88، با فاصله ی ده سال، اینها در تهران راه انداختند. امیدوار بودند که بتوانند با این فتنه، نظام را شکست بدهند؛ ضربه وارد کنند؛ اما بعکس شد. در

ص: 194

1- . در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران 16/5/1390.

2- . در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه 20/7/1390.

فتنه ی هجدهم تیر، پنج روز بعد از اینکه فتنه گران فتنه ی خود را شروع کردند، مردم آن حرکت عظیم 23 تیر را، نه فقط در تهران، بلکه در سایر شهرها به راه انداختند. در فتنه ی 88، دو روز بعد از حوادث عاشورا، آن قضیه ی عظیم نُهم دی به راه افتاد. همان وقت بعضی از ناظران خارجی که از نزدیک دیده بودند، در مطبوعات غربی نوشتند و ما دیدیم، که گفته بودند آنچه در نُهم دی در ایران پیش آمد، جز در تشییع جنازه ی امام، چنین اجتماعی، چنین شوری دیده نشده بود. این را مردم کردند. حضور مردم اینجوری است. (1)

دست خدا در به میدان آمدن مردم در نه دی

همه می دانیم که دلها دست خداست. آورنده ی مردم به عرصه ی خیابانها و این حضور عظیم مردمی و جسم جامعه که روح خروشان آنها را خوب نشان میدهد _ در مراسم گوناگون: مثل بیست و دو بهمن، مثل روز قدس و اخیراً در این دو سال، مثل روز نه دی _ خدای متعال است؛ دست قدرت اوست؛ دلها دست اوست.

روح دیانتِ حاکم بر دلهای مردم؛ نکته ی اساسی نه دی

در قضیه ی 9 دی سال هشتاد و هشت يك نکته اساسی است و آن نکته برمی گردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب ما و آن حضور عظیم بی نظیر تاریخی در سال پنجاه و هفت، همان روح در ماجرای 9 دی نشان داده شد؛ کما اینکه در قضایای گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در 9 دی به شکل بارزی نشان داده شد؛ به طوری که جای انکار و تردید و تأمل برای هیچ کس از بدخواهان و دوستان و دشمنان و دیگران باقی نگذارد. آن روح چه بود؟ روح دیانتِ حاکم بر دلهای مردم بود.

ص: 195

پس اینجا ما دو تا عنصر در کنار هم داریم: يك عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگترین کوه ها در مقابل حضور مردم از بین میرود؛ میتوانند کوههای بزرگ را جابه جا کنند. این يك حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود.

من يك وقتی، پانزده سال، بیست سال پیش، به یکی از فعالان عرصه ی مبارزات ضدّ استعماری _ که خب، آدم معروفی است؛ نمیخواهم اسم بیاورم _ این را گفتم؛ او رفت بلافاصله این نسخه را عمل کرد. ما این را حس کردیم. گفتم هنر امام بزرگوار ما این بود که مردم را وارد صحنه کرد. مردم با جسمشان، با حضورشان آمدند و آنچه را که میخواستند، آنچه را که بر آن همت گماشته بودند، با حضور خودشان تثبیت کردند. همه ی موانع سیاسی و غیر سیاسی و استعمار و قدرتهای عظیم جهانی که بر امور ملتها مسلطند، در مقابل این حادثه مجبورند عقب نشینی کنند. الان هم همینجور است. الان هم در هر نقطه ای از دنیا اگر ملتها وارد میدان بشوند با يك هدف مشخص، با شعارهای مشخص و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود، هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست. این يك نسخه است؛ این نسخه را امام بزرگوار ما در انقلاب ما عمل کرد. خدای متعال به امام کمک کرد و در بیان او این نفوذ و تأثیر را قرار داد که در دلهای مردم اثر گذاشت؛ مردم، مؤمن به آن راه و به آن هدف شدند و به دنبال این ایمان، عمل خودشان را انجام دادند. عمل صالح، یعنی همان عمل متناسب با ایمان. در همه جا همینجور است. لذا در اینجا کاری انجام گرفت که برای همه ی تحلیلگران سیاسی

جهانی غیر قابل باور بود و متحیر ماندند؛ هم قدرتمندان، هم حاشیه ها، هم دنباله ها، هم دامنه ها. بنابراین عنصر اول، عنصر حضور مردم است.

عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه گری است که قادر است اولاً همه ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد و ثالثاً سختیها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی میگوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی يك چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان میشود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد؛ 9 دی این را نشان داد.

احساس وظیفه ی دینی و عمل صالح؛ دو علت حماسه ی نه دی

نه دی يك نمونه ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که میخواست فتنه گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند، به کلی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت 9 دی است.

نُه دی؛ برهم ریزنده ی برنامه های گسترده دشمن

این حرکت، حرکت بزرگی بود و کار بزرگی هم انجام داد. جناب آقای جنّتی درست اشاره کردند. فتنه ی هشتاد و هشت تنها آن چیزی نبود که توی خیابان بوسیله ی تعدادی آدم دیده شد؛ این يك چیز ریشه داری بود، يك بیماری عمیقی درست کرده بودند، اهدافی داشتند، زمینه ها و مقدمات فراوانی برایش چیده شده بود، کارهای بزرگی شده بود و هدفهای بسیار خطرناکی دنبال این کار بود، که با این برخوردهای گوناگون سیاسی و امنیتی و اینها حل نمیشد؛ يك حرکت عظیم مردمی لازم داشت؛ که این حرکت، حرکت 9 دی بود؛ آمدند بساط فتنه و فتنه گران را در هم پیچیدند. لذا حادثه ی 9 دی يك حادثه ی ماندنی در تاریخ ماست.

ضرورت گرامیداشت و حفظ نُه دی

من آن سال هم گفتم _ پارسال بود یا پیرارسال بود _ که این حادثه، حادثه ی کوچکی نیست. این حادثه، شبیه حوادث اول انقلاب است. این حادثه بایستی حفظ شود، بایستی گرامی داشته شود.

لزوم پرهیز از غلبه دادن جنبه های شعاری بزرگداشت نُه دی

البته شما آقایانی که مسؤول مدیریت این جریان هستید، سعی کنید جنبه های شعاری را بر این حادثه غلبه ندهید. باز هم من تکرار میکنم: کار شورای هماهنگی تبلیغات، مدیریت است؛ و الا کار را مردم میکنند و دلها دست خداست. مردم را خدای متعال توی صحنه می آورد؛ یعنی همان ایمان الهی و توفیق الهی و تأیید الهی است که مردم را در صحنه می آورد. منتها خب، مدیریت لازم است؛ شماها مدیریت میکنید، مدیریتتان هم شایسته است. بنابراین سعی کنید حالت شعاری غلبه پیدا نکند. البته شعار لازم است. شعار يك چیز حتمی است، لازم است؛ شور، هیجان، حماسه لازم است؛ منتها بایستی عمق شعارها تبیین شود؛ یعنی همین

کارهایی که اشاره کردند، تبیین شود: حرف ملت ایران آن روز چه بود، امروز چیست؟ حرکت ملت ایران و جهت این حرکت چگونه حرکت و جهتی است؟ ما در سایه ی دین حرکت میکنیم. به کمک خدای متعال و صاحب دین است که حرکت میکنیم. هدف ما هم تحقق آرمانهای الهی و همان چیزی است که دین به مردم وعده داده و برای مردم هدیه آورده است.

نه دی و انقلاب؛ مرهون عاشورا

ضمناً توجه داشته باشید؛ یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه ی 9 دی هست، که باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک میکند، مسأله ی عاشورا است. یعنی در حوادث اول انقلاب هم محرّم پیش آمد و امام آن نکته ی عظیم عجیب تاریخی را بیان کردند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». این حرف کوچکی نیست: پیروزی خون بر شمشیر. ماها عادت کرده ایم، این حرفها را هی تکرار میکنیم؛ کأنه عمقش گاهی از یادمان می رود. خون بر شمشیر پیروز میشود، مظلوم بر ظالم فائق می آید، کشته بر کُشنده فائق می آید؛ این همان چیزی است که در عاشورا پیش آمد. امام این را در محرّم سال پنجاه و هفت مطرح کردند، در قضیه ی 9 دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه آور از سوی این گروههای ایضاً سخیف، در عاشورا پیش نمی آمد، این حرکت عظیم و این تحرّک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل بوجود بیاید. اینجا هم پای عاشورا در میان بود. (1)

رأی نیاوردگان سال هشتاد و هشت؛ عبرت تمام نامزدهای انتخابات

مسئولان از توطئه ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی نیاوردگان سال هشتاد و هشت رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند.

ص: 199

همه ی نامزدهای انتخابات و همه ی هوادارانشان، خودشان را در مقابل توطئه ی احتمالی دشمن مسؤول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود تا ان شاءالله انتخابات خوبی داشته باشیم. (1)

شرکت پرشور مردم در انتخابات سال 90؛ نشان از اعتماد مردم به نظام

انتخابات نشان دهنده ی اعتماد مردم به نظام است. بعد از انتخابات پر سر و صدای پر حادثه ی سال هشتاد و هشت، بعضی اینجوری پیش بینی میکردند که اعتماد مردم از نظام سلب شد؛ مردم دیگر پای صندوقها نمی آیند. این انتخابات، يك پاسخ قاطع و روشن بود به این تصور غلط، به این استنتاج غلط، این گمانه زنی خطا. مردم این گمانه زنیها را تخطئه کردند؛ نشان دادند که نخیر، به نظام اسلامی پایبندند، به آن اعتماد دارند، به ندای او _ که میگوید من صندوق رأی گذاشتم، بیایید رأی خودتان را بدهید و برنامه را تنظیم کنید _ پاسخ میدهند و می آیند وارد میدان میشوند. همینطور که عرض کردیم، هر يك رأی، در واقع رأی به نظام جمهوری اسلامی بود. این اکثریت قاطعی که به میدان آمدند، یکی از بالاترین رقمها و نسبتهای انتخابات ما در طول این سی و سه سال بود. بعد از گذشت سی و سه سال، مردم اینجور وارد میدان میشوند؛ این نشاندهنده ی اعتماد کامل است. (2)

اعلام انزجار نکردن نامزدهای متمرّد از اغتشاشات؛ عامل طولانی شدن فتنه

بدانند جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه ی الهی، بر این

ص: 200

1- . در خطبه های نماز جمعه تهران 14/11/1390.

2- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 18/12/1390.

مشکلات فائق خواهد آمد و آنها را باز هم در حسرت شکست دادن ملت ایران خواهد گذاشت. به حول و قوه‌ی الهی و با هشیاری مردم و تدبیر مسؤولان، مشکلات برطرف خواهد شد. هم مردم وظیفه دارند، هم ما مسؤولان وظیفه داریم؛ همه باید به وظایفمان عمل کنیم. وقتی به وظیفه عمل کردیم، کارها پیش خواهد رفت. هشیاری مردم نقش دارد. ببینید در تهران يك عده ای به نام بازاری آمدند در خیابانها اغتشاش کنند، فوراً بازاریهای محترم با موقع شناسی اعلامیه دادند، اعلان کردند که اینها دروغ میگویند، اینها از ما نیستند. این کار درست است. اگر هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع شناسی آنها به وقت به سراغشان بیاید، این باارزش است. این کار، کار باارزشی بود که انجام دادند. حرف من در فتنه ی هشتاد و هشت هم همین بود. در فتنه ی هشتاد و هشت، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، يك عده ای آمدند اظهار مخالفت کردند، يك عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند، پایگاه بسیج را گلوله باران کردند. حرف ما این بود: آن کسانی که به نام آنها این کارها انجام می گرفت، باید همان وقت اعلامیه میدادند، اعلام بیزاری میکردند، میگفتند اینها از ما نیستند؛ اما نکردند. اگر این کار را میکردند، فتنه زودتر ریشه کن میشد؛ مسائل بعدی هم پیش نمی آمد. این هشیاری، موقع سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه ی موارد متوجه باشند؛ آنجایی که دشمنی و توطئه ی دشمن حس میشود، به صورت لحظه ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه ی مردم.

ضرورت همدلی و همراهی قوای مختلف با هم

از ناحیه ی مسؤولین کشور هم، آنها اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه ریزی داشته باشند، مسؤولیت شناسی و

مسئولیت پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هر کدام وظائفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم همزبانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است/ همدلی از همزبانی بهتر است».(1)

تبدیل شدن انتخابات به مظهر اختلافات در سال 88

انتخابات برای کشور مایه آبروست، مایه افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی آبرویی برای کشور نشود؛ آنطوری که در سال هشتاد و هشت يك عده ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به يك فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابله ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد.(2)

از نقشه های دشمن برای سرد کردن انتخابات؛ ایجاد مشکلات امنیتی و سیاسی

یکی از راه ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به يك چیز دیگری گرم کنند؛ يك حادثه ای پیش بیاورند، يك ماجرای درست کنند؛ يك ماجرای سیاسی، يك ماجرای اقتصادی، يك ماجرای امنیتی. البته این هم جزو نقشه های دشمن است، اما بنده مطمئنم که ملت ایران بسیار بصیرتر و باهوشتر از این است که با يك چنین ترفندهای خصمانه ی دشمنان یا عوامل دشمنان فریب بخورد؛ نه، ان شاء الله انتخابات باذن الله،

ص: 202

1- . در اجتماع مردم بجنورد 19/7/1391.

2- . در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی 24/7/1391.

به حول و قوه ی الهی، به فضل پروردگار، انتخابات خوب و پرشوری خواهد شد. (1)

دخالت آمریکا و پشتیبانی از فتنه گران سال 88

آمریکاییها نشان بدهند که زور نمیگویند، نشان بدهند که شرارت نمیکنند، نشان بدهند که در حرف و عملشان غیرمنطقی حرف نمیزنند و عمل نمیکنند، نشان بدهند که به حقوق ملت ایران احترام میگذارند، نشان بدهند که در منطقه آتش افروزی نمیکنند، نشان بدهند که در مسائل ملت ایران دخالت نمیکنند؛ آنچنان که در فتنه ی هشتاد و هشت دخالت کردند، از فتنه گران پشتیبانی کردند، شبکه های اجتماعی را در خدمت فتنه گران قرار دادند _ یک شبکه ی اجتماعی آن روزها میخواست برای تعمیرات تعطیل کند، گفتند تعطیل نکن؛ برای اینکه بتوانند روی فتنه و آتش فتنه اثر بگذارند! _ این کارها را نکنند، خواهند دید جمهوری اسلامی یک نظام خیرخواه است؛ مردم، مردم منطقی ای هستند. راه تعامل با جمهوری اسلامی فقط این چیزی است که گفتیم و لاغیر؛ از این راه میتوانند با جمهوری اسلامی تعامل داشته باشند. آمریکاییها باید حسن نیت خودشان را اثبات کنند؛ نشان بدهند که درصدد زورگویی نیستند. اگر چنانچه این را نشان دادند، آن وقت خواهند دید که ملت ایران پاسخ خواهد داد. شرارت نباشد، دخالت نباشد، زورگویی نباشد، شناختن حقوق ملت ایران باشد، آن وقت جواب مناسب از طرف ایران داده خواهد شد. (2)

تمکین نکردن در برابر قانون؛ عامل ایجاد حوادث سال 88

در مسأله ی انتخابات و غیر انتخابات، همه باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین کنند. آن حوادثی که در سال هشتاد و هشت پیش

ص: 203

1- . در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 1391/10/19.

2- . در دیدار مردم آذربایجان در آستانه سالروز قیام 29 بهمن 1356 مردم تبریز 28/11/1391.

آمد - که برای کشور ضرر داشت و ضایعه آفرین بود - همه از همین ناشی شد که کسانی نخواستند به قانون تمکین کنند؛ نخواستند به رأی مردم تمکین کنند. ممکن است رأی مردم برخلاف آن چیزی باشد که من شخصی مایل به آن هستم؛ اما باید تمکین کنم. آنچه که اکثریت مردم، اغلیت مردم آن را انتخاب کردند، باید همه تمکین کنند؛ همه باید زیر بار بروند. خوشبختانه سازوکارهای قانونی برای رفع اشکال، رفع اشتباه، رفع شبهه وجود دارد؛ از این راهکارهای قانونی استفاده کنند. این که وقتی آنچه که اتفاق افتاده است، برخلاف میل ما شد، مردم را به شورش خیابانی دعوت کنیم - که این در سال هشتاد و هشت اتفاق افتاد - یکی از خطاهای جبران ناپذیر است. این تجربه ای شد برای ملت ما و ملت ما همیشه در مقابل يك چنین حوادثی خواهد ایستاد. (1)

سازوکار مستحکم انتخابات

سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکار مستحکمی است. اینکه گوشه و کنار بعضیها اعتراض هایی میکنند، واقعاً غیر منطقی است؛ واقعاً بیجا است. حضور شورای نگهبان در قانون اساسی - که امام هم مکرر روی آن تأکید میکردند - حقیقتاً يك حضور مبارکی است. تشخیص شورای نگهبان، تشخیص يك عدّه انسانهای عادل، بی طرف و بصیر نسبت به صلاحیت ها است؛ این يك چیز مبارکی برای ما و برای همه ی آحاد ملت است. (2)

راه اساسی برای پیشگیری از مشکلات انتخاباتی؛ التزام به قانون

من عرض بکنم؛ آنچه که انسان از فضل الهی سراغ دارد، از همت این مردم عزیز سراغ دارد، ان شاءالله به توفیق الهی، باذن الله، این انتخاباتی که

ص: 204

1- . در حرم مطهر رضوی در اوّلین روز سال 1392/1/1392.

2- . در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور در آستانه روز کارگر 7/2/1392.

در پیش است، یکی از بهترین و پرشورترین انتخاباتهای ما خواهد بود. البته دشمن تلاش میکند زحمت مردم را باطل کند _ همچنان که در سال هشتاد و هشت کردند _ این هم یکی از کارهای دشمنان بود؛ کسانی را وادار کردند که برخلاف قانون، توقعاتی بکنند و بر اساس آن توقعات، سعی کنند مردم را در مقابل نظام قرار دهند؛ که البته به توفیق الهی موفق نشدند.

راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ این را من عرض بکنم. آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلان شهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هر کسی حرفی میزند، بر اساس قانون باشد؛ هر کسی توقعی دارد، بر اساس قانون باشد. آنهایی که آن سال آن خسارت را به کشور و به ملت وارد کردند و برای کشور هزینه درست کردند، اگر تسلیم قانون بودند، اینجوری نمیشد. قانون معین کرده است که اگر کسی اعتراضی دارد، بیاید. آن سال گفته شد؛ حتی ما از شورای محترم نگهبان خواهش کردیم، آن زمان را تمدید هم کردند که آراء بازشماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولی و هر صندوقی که بخواهند بازشماری شود، بازشماری شود؛ خوب، زیر بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند.

خب، کشور بر این مسائل فائق می آید. نظام جمهوری اسلامی قوی است. این خرابکاریها و انگشت توی چشم کردنها و این مزاحمتها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پا نمی اندازد. جمهوری اسلامی در طول این سالها با انواع سیاستها و سیاستمداران مختلف روبه رو بوده است؛ اما با وجود همه ی معارضه ها، همه ی زاویه ها _ که احياناً وجود داشته است _ جمهوری اسلامی پیش رفته؛ بعد از این هم همینجور خواهد بود. جمهوری اسلامی که با این حرفها از پا در نمی آید، منتها برای کشور هزینه درست میشود. راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است. این توصیه ی من به شما مسؤولان محترم انتخابات هم هست: قانون را معیار قرار دهید. در آیه ی کریمه ی قرآن

که تلاوت کردند، به ادای امانت اشاره شد - «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (1) - ادای امانت به همین است که طبق مَرّ قانون عمل شود؛ هم در مرحله ی تشخیص صلاحیت ها - چه در مورد ریاست جمهوری، چه در مورد شوراها و در موارد دیگری که در پیش است - هم در مرحله ی قرائت آراء، هم در مرحله ی حفظ آراء و صندوقها. باید مَرّ قانون رعایت شود و نهایت امانتداری انجام بگیرد؛ که بحمدالله تا حالا هم همینجور بوده است.

بدیهی است در هر انتخاباتی، يك عده ای به نتیجه ی مطلوبِ خودشان نمیرسند - من نمیخواهم اسمش را بگذارم بازنده ی انتخابات؛ نباید تعبیر برنده و بازنده و این واژه ها و اصطلاحات غربیِ مادی را به کار برد؛ اگر برای خدا و برای انجام تکلیف وارد میشویم، برد و باخت وجود ندارد - خب، اینها اعتراض دارند. انسان پیش قاضی هم که میرود، همینجور است. قضاوتی در يك دادگاهی وجود دارد؛ آن طرفی که در این قضاوت به مقصود خود رسیده، خوشحال است، آن طرف دیگر ناراحت است؛ آن طرف دیگر نباید دادگاه را متهم کند که برخلاف حقّ عمل کرده؛ نه، دادگاه است و بر طبق قانون عمل میکند؛ منتها او ناراحت میشود، ناراضی میشود. باید همه ی آنچه را که پیش می آید - که مبتنی بر قانون است - تحمل کنیم؛ این را باید همه مان یاد بگیریم؛ این صبر انقلابی است، این تحمل انقلابی است. (2)

خسارت کشور در سال 88 به خاطر تخلف از قانون

افراد متعددی آمده اند. ان شاءالله شورای محترم نگهبان طبق وظایف قانونی خود، آن کسانی را که صلاحیت دارند، به مردم معرفی خواهد کرد. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجایی اشکال پیش می آید که تخلف از قانون انجام میگیرد. سال هشتاد و هشت اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را

ص: 206

1- . سوره ی نساء، آیه ی 58.

2- . در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات 16/2/1392.

درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. يك عده ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه _ حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم _ از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیرقانونی وارد شدند؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است يك قانون، صددرصد درست هم نباشد، اما از بی قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در يك بخشی، يك خطایی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از اینکه باز بی قانونی کنیم؛ از راه بی قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه ی راه عمومی.

شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیصی میدهند و عده ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی میشوند؛ من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالحترند، کدام بیشتر به درد مردم میخورند، کدام بیشتر میتوانند این بار سنگین را بر دوش بکشند و با امانت کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم. (1)

نعمت بزرگ تمکین به قانون

انتخابات که مظهر حضور مردم است، باید پرشور برگزار شود؛ همه ی تلاش و همت مسؤولان باید این باشد.

خوشبختانه قوانینی هم که وجود دارد، قوانین خوبی است؛ قوانین معقولی است. همینطور که مکرر عرض کردیم، بن بست و وجود ندارد. لذا

ص: 207

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم از استانهای مازندران، گیلان، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد 25/2/1392.

مشاهده میکنید که در همین انتخابات تا این مرحله ای که تا الان پیش آمدیم، روال قانونی جریان پیدا کرده. وقتی که از نامزدهای محترم سؤال کردند که اگر چنانچه شورای نگهبان نظری بدهد، شما تمکین میکنید، همه ی آنها گفتند: بله، ما تمکین میکنیم. تمکین هم کردند. ما باید واقعاً تشکر کنیم از همه ی این نامزدها؛ آنهایی که به نحوی صلاحیتشان احراز نشد. اینها گفتند از نظر شورای نگهبان تمکین میکنیم و به قول خودشان عمل کردند و تمکین کردند؛ این نشاندهنده ی اهمیت و ارجحیت قانون است، نشاندهنده ی کاربری قانون است؛ چون قانون بر مملکت حاکم است. ممکن است بنده یا جناب عالی از قانون ناراضی هم باشیم - گاهی اینجوری است - اما وقتی انسان در مقابل قانون تمکین کرد، حلّ اختلاف میشود، فصل الخطاب میشود؛ این نعمت بزرگی است، این برکت بزرگی است. (1)

حضور چشمگیر مردم در 9 دی؛ نشانه ی علاقه ی اکثر مردم به نظام

دشمنان ما در خارج، بیچاره ها در فکر اینند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آنها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد تا بتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه بوجود بیاورند؛ کما اینکه در سال هشتاد و هشت به دنبال آن انتخابات پرشور، فتنه درست کردند. دشمنان این ملت، دنبال این چیزهایند. اما آنها اشتباه میکنند، مردم ما را نشناخته اند. دشمنان این ملت، روز نهم دی را فراموش کرده اند. آن کسانی که فکر میکنند در این کشور يك اکثریتی خاموش و مخالف با نظام جمهوری اسلامی اند، یادشان رفته است که سی و چهار سال است که هر سال در بیست و دوّم بهمن، در همه ی شهرهای این کشور،

ص: 208

جمعیت‌های عظیم به دفاع از نظام جمهوری اسلامی بیرون می‌آیند و «مرگ بر آمریکا» می‌گویند. برای اینکه فضای انتخابات را سرد کنند، هیئت‌های فکریشان پشت سر رسانه‌ها و سخنگویان سیاسی می‌نشینند، مرتب حرف درست می‌کنند و تحویل رسانه‌ها می‌دهند. یک روز می‌گویند انتخابات مهندسی شده است، یک روز می‌گویند انتخابات آزاد نیست، یک روز می‌گویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست. نه مردم ما را می‌شناسند، نه انتخابات ما را می‌شناسند، نه نظام جمهوری اسلامی را می‌شناسند؛ آنجایی هم که می‌شناسند، بی‌انصافی می‌کنند و ابایی هم ندارند از این بی‌انصافی. (1)

عدم تبعیت از قانون؛ سبب لطمه دیدن کشور در سال 88

بحمدالله روال انتخابات تا امروز روال خوبی بوده است. یکی از نکات برجسته و مثبتی که انسان مشاهده می‌کند _ با خبرهایی که داریم، با اطلاعات آشکاری که وجود دارد _ این است که گفتمان مردم در این انتخابات، گفتمان قانون‌گرایی است؛ با هر کسی صحبت می‌کنند، مصاحبه می‌کنند، مردم از تبعیت از قانون می‌گویند؛ این خیلی حادثه‌ی باارزش و برجسته‌ای است؛ قانون‌گرایی. از بی‌قانونی مردم لطمه دیدند؛ در سال هشتاد و هشت عدم تبعیت از قانون، لگد زدن به قانون، به کشور لگد زد؛ این را مردم دیدند. یکی از پدیده‌های برجسته‌ی امروز این است که مردم نگاهشان، گرایششان قانون‌گرایی است. خوشبختانه تا امروز، هم مسئولین، هم نامزدهای مختلف و محترم رعایت کردند جهات قانونی را، مراعات کردند؛ ان شاءالله بعد از این هم همین خواهد بود. یک نکته‌ی مهم این است. (2)

ص: 209

-
- 1- . در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (قدس سرّه) 14/3/1392.
 - 2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در سوم شعبان 1434 سالروز میلاد امام حسین (علیه السلام) 22/3/1392.

هیجان همراه با بددهنی در دوران تبلیغات انتخابات 88

دشمنان جمهوری اسلامی، تهمت زندگان به جمهوری اسلامی، خجالت زده شدند؛ دیدند اینجور راحت، آزاد، نامزدها می آیند حرف میزنند، به یکی حمله میکنند، از یکی دفاع میکنند، سیاستی را محکوم میکنند، جریانی را اثبات میکنند. جریانهای فکری و سیاسی کشور بطور کامل، در این مناظرات حضور داشتند؛ این یکی از نقاط قوت انتخابات امسال بود. مردم هم احساس گرایشهای پرشور در خودشان میکنند، بدون اینکه تعرضی وجود داشته باشد. سال هشتاد و هشت، آن روز هم شور و هیجان بود منتها همراه با فحش و فضیحت! در این شهر تهران - حالا شهرستانها کمتر - مردم در این خیابانها راه میرفتند، يك عده به این يك عده به آن، يك عده علیه این يك عده علیه آن، شعار میدادند، حرف میزدند، به همدیگر میپزدند، بعضیها در این بین پیدا میشدند بددهنی میکردند، فحش میدادند؛ در این انتخابات نه، شور و هیجان هست، احساسات هست، اما بی ادبی نیست، بی احترامی نیست. این خیلی باارزش است؛ ما در چهار سال اینقدر پیشرفت کردیم؛ خدا را شکر بر این پیشرفت و بر همه ی پیشرفتهای فراوان دیگری که در این سالها بحمدالله برای کشور پیش آمده است. (1)

تلخکامی مردم پس از انتخابات 88؛ ناشی از مخالفت با قانون

يك نکته ی دیگری که در این انتخابات به نظر بنده برجسته بود و جا دارد که انسان خدا را شکر کند، این بود که بعد از انتخابات، نامزدهای مختلف با نجابت و قانون پذیری در این قضیه عمل کردند و واکنش نشان دادند؛ این خیلی چیز مهمی است. رفتند با رئیس جمهور منتخب، برادرانه و دوستانه دیدار کردند و به او تبریک گفتند، اظهار خرسندی کردند. بنده لازم است از این حضرات تشکر کنم. این است که کام مردم را شیرین میکند، این است

ص: 210

که موجب میشود مردم احساس کنند موفقیت به دست آورده اند. حالا اگر بدقلقی نشان میدادند، در این قضایا رفتار نانجیبانه میکردند، یک چیزی را بهانه میکردند، دعوایی راه می انداختند _ که دعوا را به هر بهانه ای میشود راه انداخت _ کام مردم تلخ میشد. اینکه ما بارها و به تکرار از حوادث سال هشتاد و هشت شکایت کردیم، گله کردیم، انتقاد کردیم، به خاطر این است. در یک انتخابات باعظمت و باشکوه، مردم احساس پیروزی میکنند؛ بعد یک نفر، دو نفر، چهار نفر آدم بیایند کام مردم را تلخ کنند؛ در حالی که راه برای قانونگرایی وجود دارد. این، آن سال اتفاق افتاد؛ کام مردم تلخ شد، شیرینی انتخابات از مردم دریغ داشته شد؛ در انتخابات امسال نه، بحمدالله کام مردم شیرین شد، مردم شادی کردند. رفتار باید قانونمدارانه باشد. اینکه ما این همه تأکید کردیم بر این که قانون را رعایت کنید، این نتیجه اش است. وقتی قانون رعایت شد، دهن مردم شیرین میشود، دل مردم شاد میشود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد. مردم هم در اینجور قضایا تفرس میکنند، نگاه میکنند، چهره های سیاسی را شناسایی میکنند. آن چهره ی سیاسی ای که با نجابت، با قانونمداری در قضایا برخورد میکند، مردم از او خوششان می آید. آن کسانی که به قانون بی اعتنائی میکنند، واگرایی از قانون میکنند _ به هر بهانه ای _ آنها را هم مردم شناسایی میکنند؛ از آنها بدشان می آید. این هم یک نکته ی اساسی است. (1)

القای شبهه در سلامت انتخابات؛ عامل سرشکستگی نامزدهای قانون شکن در ملأعلی

یکی از هدفها این است که کاری کنند که انتخابات بدون حضور پرشور و همگانی مردم برگزار شود. این را از حالا همه بدانند: آن کسانی که ممکن است از سر دلسوزی، راجع به انتخابات یک توصیه های عمومی

ص: 211

بکنند که آقا انتخابات اینجوری باشد، آنجوری نباشد، حواسشان باشد به این مقصود دشمن کمک نکنند؛ مردم را از انتخابات مأیوس نکنند، هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته ایم؛ کدامش آزاد بوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران میگذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحیت ها ملاحظه نمیشود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم بوجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده ای ندارد؟ این یکی از خواسته های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرفها را میزنند، ممکن است غفلت کنند. من میگویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکند. این یکی از راههای از شور و هیجان انداختن انتخابات است.

يك مسأله ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد. البته بنده هم تأکید میکنم که انتخابات باید سالم برگزار شود؛ منتها این، راه دارد. در جمهوری اسلامی، در قوانین ما، راههای قانونی بسیار خوبی برای حفظ سلامت انتخابات پیش بینی شده است. البته کسانی بخواهند از طرق غیرقانونی عمل کنند، خب به ضرر کشور میکنند؛ کمالینکه در سال هشتاد و هشت از راههای غیرقانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند. راههای قانونی خوبی وجود دارد. بله، بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسؤولین دولتی و مسؤولین غیردولتی که در کار انتخابات دست اندرکارند و مسؤول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا

و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.

تبدیل فرصت جابجایی دولتها به تهدید در سال 88

این جابجایی دولتها یکی از منتهای بزرگ الهی است بر ما؛ یکی از فرصتهای بزرگی است که در اختیار ما است. نفس جدیدی، ابتکارات جدیدی، کارهای جدیدی، سلاطین و اذواق جدیدی می آید میدان. قانون اساسی این را مشخص کرده. این یکی از فرصتها است. البته این فرصت تبدیل میشود به تهدید، اگر چنانچه جور دیگری عمل شود؛ مانند آنچه که در برخی از کشورها انسان مشاهده میکند، که جابجایی قدرتها با زور آزمایی، با خونریزی، با خشونت همراه است؛ که خوشبختانه در کشور ما اینجور نیست. البته در سال هشتاد و هشت بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچینی را برای کشور تدارک دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند. در این سالهای متوالی از اول انقلاب. منهای همان برهه ی کوتاه سال هشتاد و هشت. همیشه این دست به دست شدن قدرت و مسؤولیت در کشور، با آسایش، با خوشی و با شادکامی همراه بوده است؛ این خیلی فرصت مهمی است. (1)

خلط مسائل اصلی و فرعی در قضایای سال 88

یکی از برادرها به قضایای سال هشتاد و هشت و این حرفها اشاره کردند. من خواهش میکنم اگر چنانچه مسائل سال هشتاد و هشت را مطرح میکنید، مسأله ی اصلی و عمده را در این قضایا مورد نظر و در مدّ نگاهتان قرار دهید؛ آن مسأله ی اصلی این است که یک جماعتی در مقابل جریان

ص: 213

قانونی کشور، به شکل غیر قانونی و به شکل غیر نجیبانه ایستادگی کردند و به کشور لطمه و ضربه وارد کردند؛ این را چرا فراموش میکنید؟ البته ممکن است در گوشه و کنار يك حادثه ی بزرگ زد و خوردهایی انجام بگیرد که انسان نتواند ظالم را از مظلوم تشخیص دهد؛ یا يك نفر در موردی ظالم، در موردی مظلوم باشد؛ این کاملاً امکان پذیر است؛ اما در این قضایا، مسأله ی اصلی گم نشود. خب، در انتخابات سال هشتاد و هشت، آن کسانی که فکر میکردند در انتخابات تقلب شده، چرا برای مواجهه ی با تقلب، اردو کشی خیابانی کردند؟ چرا این را جواب نمیدهند؟ صد بار ما سؤال کردیم؛ نه در مجامع عمومی، نخیر، به شکلی که قابل جواب دادن بوده؛ اما جواب ندارند. خب، چرا عذرخواهی نمیکنند؟ در جلسات خصوصی میگویند ما اعتراف میکنیم که تقلب اتفاق نیفتاده بود. خب، اگر تقلب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟ چرا برای کشور هزینه درست کردید؟ اگر خدای متعال به این ملت کمک نمیکرد، گروههای مردم به جان هم می افتادند، میدانید چه اتفاقی می افتاد؟ میبینید امروز در کشورهای منطقه، آنجایی که گروههای مردم مقابل هم قرار میگیرند، چه اتفاقی دارد می افتد؟ کشور را لب يك چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به خرج دادند. در قضایای سال هشتاد و هشت، این مسأله ی اصلی است؛ این را چرا فراموش میکنید؟ درباره ی حادثه ی سال هفتاد و هشت هم ما حرف زیاد داریم؛ آن هم داستان دیگری است. (1)

ایمان درست، بصیرت و عمل؛ عامل نزول نصرت الهی

حادثه ی نوزده [دی] قم، مظهر و نماد این آیه ی شریفه است: «فَأَنْتَقِمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (2)؛ در آیه ی قرآن، در سوره ی مبارکه ی روم، به تعبیر خداوند متعال نصرت مؤمنین حقی است بر عهده ی

ص: 214

1- . در دیدار دانشجویان در روز نوزدهم ماه مبارك رمضان 6/1392/1434.

2- . سوره ی روم، بخشی از آیه ی 47.

خداوند؛ چند جا در قرآن کریم این تعبیر به کار رفته است _ [مثل] «عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (1) و موارد دیگری _ و یکی اینجا است که میفرماید این حَقِّی است بر عهده ی ما یعنی بر عهده ی ذات اقدس پروردگار عالم که مؤمنین را نصرت بدهیم. خب، این در چه شرایطی است؟ در چه شرایطی گفته اند که مؤمنین نصرت پیدا میکنند؟ این در آن شرایطی است که هیچ روزنه ی امیدی به حسب ظاهر وجود ندارد. ملاحظه کنید همین آیات را؛ آن وقتی است که دشمن جبهه ی ایمان با قدرت ظاهری و با سرپنجه های قوی در مقابل مؤمنین ایستاده است؛ يك مبارزه ی جبهه ای عظیمی به وجود آمده است؛ در يك چنین شرایطی میفرماید: وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

آن روزی که جوانهای قم از طلبه و غیرطلبه و اقشار گوناگون و مردم مؤمن آمدند در کوچه و خیابان قم و به دفاع از امام، به دفاع از حقیقت، به دفاع از پرچم برافراشته ی مبارزه ی علیه طاغوت و در مقابل گلوله های مزدوران رژیم طاغوت قرار گرفتند و خونشان روی آسفالتهای خیابان ریخته شد، هیچکس از آن مردم و از حول و حوش آن مردم هرگز گمان نمیکرد که این حادثه چه اثری خواهد گذاشت. احساس تکلیف کردند، نیروی خودشان را و آنچه داشتند روی دست گرفتند، آمدند میدان. [مردم قم] فکر میکردند که نوزده دی منشأ این تحوّل عظیم زنجیره ی مبارزات و اعتراضات بشود و منتهی بشود به خیزش بزرگ عمومی مردم و کار را تمام کند؟ مردم قم فکر میکردند کاری که دارند میکنند اینقدر برکت داشته باشد؟ فکر نمیکردند؛ اَمَّا: وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ. عامل پیروزی این است که يك جماعتی _ در يك مقیاس بزرگ، يك ملّتی _ ایمان درستی داشته باشد و این ایمان راسخ باشد و این ایمان با بصیرت همراه باشد و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما میبینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمیکنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است _ ایمان به چیزی است که

ص: 215

نباید به آن مؤمن بود _ یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول و حوش خودشان نیست. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی بیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمی دانید کجا باید بروید. ما که این همه در باب قضیه ی حوادث 9 دی روی بصیرت تکیه کردیم و بعضیها خوششان نیامد، به خاطر این است؛ اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد میگذرد، گاهی اوقات میشود که راه را عوضی طی میکند؛ همه ی نیروی او نه فقط هدر میرود، بلکه به کج راهه او را میسراند و میکشاند؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه راه بار بار بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمیرسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود؛ يك فقيه آگاه به مسائل جهان و بریده ی از مطامع و منافع مادی شخصی و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ؛ حالا هم همینجور است. (1)

ص: 216

1- . در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی ماه 1392/10/1356.

بخش پنجم بیانات سال 93 و 94 درباره ی فتنه و حماسه ی نه دی

اشاره

ص: 217

آنچه در درجه ی اول به مناسبت نوزدهم دی ماه که يك روز تاریخی و بزرگ و تعیین کننده است، لازم است عرض بکنم تشکر از مردم عزیز قم است، به خاطر اینکه نگذاشتند و نخواهند گذاشت که این حادثه به دست فراموشی سپرده بشود؛ چون انگیزه هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن(1) این روزهای بزرگ و این حوادث بزرگ؛ کار میکنند و تلاش میکنند برای اینکه سوابق تعیین کننده و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال اینها، فراموش بشود. نهم دی را هم میخواهند به فراموشی بسپارند. حادثه ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا (سلام الله علیها) نگذاشت.(2)

دو حرکت عمده ی ما _ زینب کبرا (علیها السلام) _ انجام داد: يك حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگریها و آن بیانات که مایه ی افشای حقایق شد؛ يك حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه های خباثت آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملتها

ص: 219

1- فراموش کردن.

2- در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام 19 دی 17/10/1393.

زنده اند تا زبانهای حقگو در کار است تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان که نتوانسته اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اول تا دورانهای طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عباسی بعد از حدود صد و هفتاد یا صد و هشتاد سال از حادثه‌ی عاشورا، درصدد برآمد قبر مطهر ابا عبدالله (علیه السلام) را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالا حالاها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیباییهای انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. دشمن دست بر نمیدارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپرنند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه‌ی خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته‌ی افتخارآمیز خود را نمیداند، نمیتواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند میکنند.

نوزدهم دی را شما زنده نگه داشتید، بیست و نهم بهمن را زنده نگه داشتید، بیست و دوم بهمن را زنده نگه داشتید، نهم دی را _ که يك حادثه‌ی مشابه بود _ با انگیزه‌های مشخص، زنده نگه داشتید؛ این يك حرکت مجاهدت آمیز در مقابل دشمنان است، آنها میخواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج میکنند، کار دارند میکنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله مبیند که دشمنان چه کار دارند میکنند؛ امروز اینها سعی میکنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را _ رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سالهای متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آنجور دچار مشکلات عظیم کردند _ بزرگ کنند، آرایش کنند امروز سعی میشود [توسط] همان جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدت مخالفند. تا کنون موفق نشدند؛

امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دّوم و سوّم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند.

حضور نسل سوّم انقلاب در نهم دی

نسل سوّم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. نهم دی را همین جوانها، همین نسل سوّم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه ی عظیم را به وجود آوردند؛ آن سیلی محکم را به صورت کسانی نواختند که سعیشان این بود که مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند؛ این کار را چه کسی کرد؟ جوانها کردند، نسل سوّم انقلاب کردند. امروز چشم دوختند به نسلهای بعدی، به جوانهای بعدی، چون میدانند سرمایه ی ملت ایران مردمند. این انگیزه ها در آنها وجود دارد؛ تا وقتی شما جوانهای خوب و مردم مؤمن در میدان هستید، با انگیزه هستید، با بصیرتید، آگاهید که چه کار دارید میکنید، البتّه نخواهند توانست. (1)

گناه بزرگ نامزدهای متمرد؛ ایجاد اختلاف

چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است، چالش ادامه داری است. البتّه به حول و قوّه ی الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان میگذرد، کفه ی نظام اسلامی سنگینتر میشود، قویتر میشود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی کنند، هجمه ها کم خواهد شد، بتدریج زائل خواهد شد؛ لیکن تا آن روز، ایستادگی ملت، ایستادگی نخبگان ملت، یک امر ضروری و لازم است؛ این را باید ادامه داد. مبادا ظرافتهایی که در نوع برخورد انقلاب با دشمن مورد نظر است، مورد غفلت قرار بگیرد. ببینیم که امروز نقشه ی دشمن در مورد انقلاب چیست. به تعبیر متعارف و رایج، سناریوی دشمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیست. اگر

ص: 221

توانستیم درست بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سناریوی دشمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه ریزی کردیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد.

همه ی شواهد نشاندهنده ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه ی اساسی دارد.

... يك نقطه ی دیگر _ که آن هم خیلی واضح است _ ایجاد اختلاف بین دستگاههای مدیریت کننده ی کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آنهاست. این مسأله را پنهان هم نمیکنند. نه اینکه نمیخواهند پنهان کنند؛ پنهان کردن نیست. نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین المللی اقتضاء میکند که يك کارهایی را بکنند، يك چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاستهای دشمنان در پرده نیمماند. میخواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند، تزریق میکنند؛ ما بایستی بیدار باشیم. اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناحهای کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه گران در سال 88 این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوییم اینها يك شبهه ای، خدشه ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ آثار آن هم همچنان در جامعه ی ما موجود است. البته ملت، ملت بیداری است. نصاب لازم در فهم و بصیرت این ملت موجب میشود که خیلی از این حوادث پوشیده شود و بتدریج آثار آن زائل شود؛ لیکن اینها به خاطر همین، ضربه زدند. ایجاد دعوا، گریبان یکدیگر را گرفتن، ایجاد اختلاف عمیق، یکی از کارهای بسیار بد، بسیار بزرگ و نکوهیده است؛ این همان چیزی است که دشمن میخواهد.

ص: 222

نداشتن تقوای جمعی؛ عامل لغزیدن فتنه گران

... يك تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمعها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی مراقبتی جمعها نسبت به مجموعه ی خودشان، موجب میشود که حتی آدمهایی هم که در بین آن جمعها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمعها بغلتند و به جایی بروند که نمیخواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده ایم، همین بوده.

در دهه های قبل، يك جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم میدادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدمهایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه گر ضد امام حسین و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آنها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعار دهنده ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آنها غلتیدند؛ بنابراین تقوای جمعی لازم است. (1)

لزوم پرهیز تشکلهای دانشجویی از عناصر فتنه

از عناصری که نامطمئن بودن خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید؛ مطلقاً استفاده نکنید. بعضیها هستند که نشان دادند و ثابت کردند که عناصر نامطمئنیند. برای چه کسی نامطمئنتند؟ برای شخص حقیر؟ نه _ من که خیلی راحتم در برخورد با این و آن؛ با همه جور آدمی میتوانم برخورد کنم؛ ارتباطگیری من خوب است؛ میتواند کسی با من هیچ مشکلی نداشته باشد، جز از لحاظ عقیده _ بی اعتمادی خودشان را برای نظام ثابت کردند، برای کشور ثابت کردند، برای جمهوری اسلامی ثابت کردند؛ هم برای

ص: 223

اسلامیست، هم برای جمهوری‌تیش. همینهایی که سال 88 آن بازی را راه انداختند، خب اینها با جمهوریت نظام جمهوری اسلامی مخالفت کردند، بدون هیچ منطقی، بدون هیچ حرف قابل قبول و پسندیده ای در مقابل آدمهای باانصاف. اینها نامطمئنند؛ من استفاده ی از اینها را مطلقاً توصیه نمیکنم، به هیچ وجه؛ نه به شماها و نه به هیچ دانشجویی و نه به هیچ دانشگاهی توصیه نمیکنم. اساتید خوب هستند، از اینها استفاده کنید. (1)

طرفداری آمریکا از فتنه ی داخلی

جنابعالی با سابقه ی چند دهه حضور در متن مسائل جمهوری اسلامی، طبعاً دانسته اید که دولت ایالات آمریکا، در قضیه ی هسته ای و نه در هیچ مسأله ی دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصومت و اخلاف در پیش نگرفته است و در آینده هم بعید است جز این روش عمل کند. اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداری اش از فتنه های داخلی و کمک مالی به معارضین جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله ی نظامی و حتی هسته ای - که میتواند به کیفرخواست مبسوطی علیه وی در دادگاههای بین المللی منتهی شود - پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت. صاحب نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملتها، بوضوح تشخیص میدهند که عامل این خصومت تمام نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. ایستادگی بر مواضع برحق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده طلبی و دست اندازی به ملتهای ضعیف، افشای حمایت آمریکا از دیکتاتورهای قرون وسطایی و سرکوب ملتهای مستقل، دفاع بی وقفه از ملت فلسطین و گروههای مقاومت

ص: 224

میهنی، فریاد منطقی و دنیاسپند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلمهای عمده ای را تشکیل میدهند که دشمنی رژیم ایالات متحده ی آمریکا را بر ضدّ جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب ناپذیر کرده است؛ و این دشمنی تا هنگامی که جمهوری اسلامی با قدرت درونی و پایدار خود، آنان را مأیوس کند ادامه خواهد داشت. (1)

ویژگی لغزیدگان سال 88؛ نداشتن بصیرت عمیق

باید کار فرهنگی دانشگاه اینجوری باشد که افرادی تربیت کند مؤمن، متخلّق با اخلاق خوب _ انقلابی؛ کار فرهنگی چیزی است که اینها را تأمین کند. کار فرهنگی درست آن چیزی است که جوان ما را انقلابی بار بیاورد. این کشور انقلاب کرده، به این انقلاب باید پایند بود؛ مبانی این انقلاب را بایستی جزو اصول زندگی خود قرار داد تا بتوانیم پیش برویم؛ معتقد به آرمانها، دوستدار کشور _ کشورش را واقعاً دوست داشته باشد _ دوستدار نظام، دارای بصیرت و عمق دینی و سیاسی. این جوان بایستی در نگاه دینی و نگاه سیاسی عمق داشته باشد تا به هر شبهه ی کوچکی پایش نلغزد، یا اشتباه نکند در زمینه های مسائل سیاسی. خیلیها در این حوادثی که در همین فتنه ی سال 88 اتفاق افتاد لغزیدند؛ آدمهای بدی نبودند [آما] لغزیدند به خاطر کم بودن بصیرت. خب، شما وقتی میبینی که يك نفری میگوید: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» باید چه کار کنی؟ شما که معتقد به نظامی، شما که جانت را حاضر شدی برای نظام و برای حفظ نظام بدهی تا میبینی يك عده ای دارند اینجوری شعار میدهند، باید چکار کنی؟ این، نبودن بصیرت است؛ ملتفت نشدن به وظیفه در لحظه ی لازم است. (2)

ص: 225

1- . در نامه به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام 29/7/1394.

2- . در دیدار رؤسای دانشگاهها، پژوهشگاهها، مراکز رشد و پارک های علم و فناوری 20/8/1394.

توصیه ی دوّم بصیرت، بصیرت. این جمله ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) را من بارها در سخنرانیها گفتم:

الا... ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصّبر. (1) اوّل اهل بَصَر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را میفهمند. بصیرت را روزبه روز باید زیاد کرد، صحنه ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الان در داخل چه دارد میگذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس میکند، کجاها است که میتواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟

عدّه ای همه ی تلاششان این است که خودی را، خود را تحقیر کنند، ملّت را تحقیر کنند؛ آقا ما چیزی نیستیم! این را به زبان گوناگون بیان میکنند، بر میدارند مفسّلاً از فلان کشور یا مردم فلان کشور یا رفتارهای فلان کشور تعریف و تمجید و مانند اینها میکنند که اغلب هم خلاف واقع است، اغلب هم مثل این فیلمهای سینمایی [است]. در فیلمهای سینمایی وقتی که پلیس می آید، یکی را میخواهد دستگیر کند، همان اوّل میگوید که مواظب باش؛ هرچه بگویی ممکن است علیه ات در دادگاه به کار برود؛ یعنی اینقدر این پلیس آدم نجیبی است که به آدم متّهم _ آدمی که احتمال دارد مجرم باشد _ دارد همان اوّل نصیحت میکند که مواظب باش حرف زیادی از دهنّت بیرون نیاید تا در دادگاه بر علیه ات [بشود]؛ پلیس غربیها این است؟ پلیس آمریکاییها این است؟ این، فیلمهای هالیوودی است. پلیس آمریکا که به يك نفری دستبند میزند، بعد از آنکه دستبند زد، او را میزند؛ شلیک میکند، میکشد؛ يك نفر را به خاطر اینکه اسلحه ی اسباب بازی تو جیبش است، شلیک میکند میکشد. پلیس این است؟ فیلم سینمایی بدروغ تزئین میکند؛ دادگاه را، پلیس را، دستگاه دولتی را،

ص: 226

چه را، چه را، چه را؛ خب فیلم سینمایی است. بعضیها مقاله نوشتنشان، چیز نوشتنشان، حرف زدنشان، مثل همین فیلمهای سینمایی هالیوودی است؛ سعی میکنند دیگران را به آنچه ندارند، مزین نشان بدهند، آنها را بزرگ کنند؛ در واقع احساس خودکم بینی را در ملت ما بوجود بیاورند؛ نه آقا، اینجوری نیست؛ ملت ما ملتی است بزرگ، از امتحانهای بزرگ هم موقو و سربلند بیرون آمده، کارهای بزرگی هم کرده؛ ملت ما همان ملتی است که وقتی در جنگ اسیر میگرفت، آن اسیر را کتک نمیزد، آن اسیر را نمیکشت، آن اسیر را درمان میکرد؛ از قمقمه ی خودش آب به او میداد؛ ملت ما اینجور ملتی است. چندتا آدم نابابِ متهم به جاسوسی _ که امکان جاسوسیشان هم بود _ از فلاخن کشور در دریا میگیرند، می آورند اینجا، بعد با لباس نو به خانه برشان میگردانند. ملت ما اینجور ملتی است. در برخوردش، در مهربانی اش، در انصافش، بعد در شجاعتش. ملت ما آن ملتی است که خودش را از زیر بار تحقیر چندقرنی خارج کرد، توانست در اوج عزت حرف بزند؛ ما یک چنین ملتی داریم؛ شوخی که نیست. کشورهای مختلف؛ کشورهایی که قدرتمندان دنیایند، دور هم مینشینند برای اینکه با ایران اسلامی چکار کنیم؛ خب این قدرت این ملت است؛ قدرت مادی، قدرت نظامی، قدرت سیاسی، قدرت منطق، قدرت اخلاقی؛ نه اینکه ضعف نداریم، ضعف هم خیلی داریم اما تواناییهایمان، ارزشهایمان، درخشندگیهایمان کم نیست؛ ملت را چرا تحقیر میکنند؟ بعضیها مرتباً عادت کردند دائم تحقیر کنند؛ کشور را، ملت را، مسئولین را. بصیرت این است که انسان بداند، این حقایق را درک کند، جایگاه خودش را، جایگاه کشورش را، جایگاه ملتش را، جایگاه منطق انقلاب را، جایگاه آن خط مستقیم و صراط مستقیمی که امام در کشور ترسیم کرد؛ جایگاه اینها را بداند؛ این، بصیرت است. (1)

ص: 227

انتخابات را نباید خراب کرد. بعضی ها خوششان می آید و کأنه عادت دارند که از نزدیکی انتخابات، دائم بر کوس نامطمئن بودن انتخابات بدمند؛ عادت کرده اند. این خیلی عادت بدی است، مرض بدی است، چرا؟ انتخابات انتخابات سالمی است. ممکن است در هر انتخابی، يك تخلفی در يك گوشه ای انجام بگیرد؛ این ممکن است، همیشه هم از این قبیل اتفاق می افتد _ خب در کارهای خود ما هم، کارهای شخصی و عمومی و خصوصی مان ممکن است تخلفاتی اتفاق بیفتد _ اما تخلفاتی که نتایج انتخابات را تغییر بدهد، مطلقاً وجود ندارد؛ تخلف سازمان یافته مطلقاً وجود ندارد؛ عدم رعایت مسئولان دولتی و غیردولتی انتخابات ابداً وجود ندارد. از اول انقلاب تا حالا هم همین جور بوده؛ مسئولان، مسئولانه به مسائل انتخابات [پرداخته اند و] همه ی دولتهایی که در این بین بوده اند. دولتهایی که آمده اند و رفته اند، بعضی ها از لحاظ گرایشهای سیاسی 180 درجه با هم تفاوت داشته اند اما رفتار همه ی آنها در مورد انتخابات، رفتار درستی بوده. [نباید] کسی ادعا کند که در این انتخابات خیانت شد یا [تقلب] شد. يك وقتی _ شاید این را من قبلاً هم گفته ام _ در مورد انتخابات تهران در يك دوره ای، خیلی جنجال شد؛ سروصدا شد و اصرار شد بر اینکه این انتخابات ابطال بشود. بنده گفتم باید تحقیق کنید؛ در تهران دو سه میلیون از مردم آمده اند در انتخابات شرکت کرده اند، ما رأی اینها را بکلی باطل کنیم؟ این چه حرفی است! باید تحقیق کنیم ببینیم چه جوری است. تحقیق کردیم، معلوم شد که نه این جور نیست. تحقیق مفصّل کردیم؛ بنده در آن سالها صریحاً نوشتم به شورای نگهبان که نخیر، انتخابات نباید دست بخورد. یعنی انتخابات حقّ مردم است، مال مردم است و ما نمیتوانیم انتخابات را متهم کنیم به اینکه مثلاً فرض کنید که این جور است یا آن جور است؛ نه، انتخابات انتخابات سالمی است، در همه ی دوره ها سالم بوده، حالا هم ان شاءالله به توفیق الهی همین جور خواهد بود و چهارچوب قوانین

و مقررات و وجود آدمهایی که مراقبند، مواظبند، موظفند، نمیگذارند که انتخابات دچار این اختلال بشود. این يك مطلب.

مقصود از حق الناس بودن انتخابات

اشاره

اما عرض کردیم انتخابات حق الناس است؛ (1) این حق الناس امر مهمی است. خب در زبانها هم زیاد تکرار میشود که فلانی گفته انتخابات حق الناس است و حق الناس است و مدام تکرار میشود؛ منتها خب [باید] به عمق این حق الناس برسیم. معنای حق الناس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است باید این حق الناس را رعایت کند که مثلاً فرض کنید آراء را عوضی نخواند یا کم و زیاد نکند؛ این یکی از مصادیق رعایت حق الناس است.

الف) حق داوطلب

يك مطلب، مطلب حق داوطلب است؛ یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می آید و وارد این میدان میشود و نامزد انتخابات میشود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید.

ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح

نقطه ی مقابلش هم همین جور است؛ اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ اگر چنانچه در این مجلس _ حالا _ چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست _ آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا را نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل

ص: 229

1- . اشاره به مصاحبه ی معظم له پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ 24/3/1392.

کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است؛ این هم ضد حق الناس است.

ج) امانتداری از آرای مردم

یکی از ابعاد دیگر حق الناس بودن، حفظ امانت است؛ آن کسانی که آراء را در اختیار دارند، آن کسانی که آراء را می‌شمرند، آن کسانی که ثبت میکنند و گزارش میکنند، آن کسانی که جمع میکنند و خلاصه آن کسانی که اداره ی صندوقها به عهده ی آنها است، باید کمال امانت را رعایت کنند؛ یعنی در این زمینه ها اندک تخلفی، خیانت در امانت است.

د) پذیرش نتیجه ی قانونی انتخابات

يك بُعد دیگر حق الناس بودن، پذیرش نتیجه ی قانونی انتخابات است؛ [یعنی] وقتی که به يك نتیجه ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند که این است، پذیرش این نتیجه [حق الناس است]؛ ضد آن کاری که در سال 88 انجام شد. خب در سال 88 يك حرف منکر و مستنکری (1) را آمدند مطرح کردند که تقلب شده است و باید این انتخابات برهم بخورد؛ حالا مردم چقدر شرکت کردند؟ چهل میلیون! چهل میلیون [نفر از] مردم شرکت کردند در يك انتخاباتی و رأی دادند به کاندیداهای مختلف، نامزدهای مختلف؛ این آقایان به ادعای تقلب [این را گفتند]. البته بنده با اینها خیلی مماشات کردم _ حالا کارهای جزئی ای که انجام گرفت طولانی است _ مماشات کردیم، حرف زدیم، گفتیم بیایید، بگوئید بروند صندوقها را نگاه کنند؛ هر تعداد صندوقی که شما میخواهید. اعتنا نکردند، گوش نکردند؛ بنا بر این نبود که زیر بار این حرف حق بروند؛ زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من میدانم بنا است که این خسارتهایی

ص: 230

که در سال 88 بر ما وارد شد کی جبران بشود؟ واقعاً نمیدانم! هنوز جبران نشده. این هم یکی که نتیجه ی انتخابات را همه پذیرند.

ه) رعایت حق در تهیه ی فهرستهای انتخاباتی

يك مسئله ی دیگر، رعایت حق در سیاهه های پیشنهادی است؛ این سیاهه هایی که پیشنهاد میکنند، فهرستهایی که برای نامزدها میدهند. آن کسانی که این فهرستها را میدهند، واقعاً رعایت حق را بکنند؛ مسئله ی رفیق بازی و جناح بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند و نگاه کنند ببینند که چه کسی واقعاً شایسته است؛ آن کسی را که شایسته است بگذارند و به مردم معرفی کنند. این هم يك بخش و يك بُعد از رعایت حق النَّاس است.

و) اعتماد کردن مردم به مجموعه های مورد اعتماد

يك بُعد دیگر این است که مردمی که میخواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه هایی که واقعاً قابل اعتمادند؛ بعضی ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ؛ (1) گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه مندی به انقلاب [باشد] _ اساس کار، انقلاب است _ و از روی علاقه مندی به انقلاب بیایند يك فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر _ گاهی اوقات مقاصد فاسد _ پیشنهادهایی میدهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرستهایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند. این هم یکی از چیزها است. بنابراین مسئله ی حق النَّاس که گفتیم این ابعاد را دارد _ ابعاد دیگری هم دارد که حالا من نمیخواهم تفصیل بدهم _ و واقعاً این به این معنا، حق النَّاس است. (2)

ص: 231

1- . سوره ی انعام، آیه ی 71.

2- . در دیدار ائمه ی جمعه سراسر کشور 4/10/1394.

انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون - سیاسی و نظامی و امثال اینها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، غالب هم میشود، پیروز هم میشود، برو برگرد هم ندارد؛ کمالینکه در سال 88 دیدید این کار اتفاق افتاد. (1)

انقلاب اسلامی ایران؛ تنها انقلاب پایدار

اینکه يك انقلاب بتواند بماند، بتواند خودش را نگه دارد، بتواند با دشمنان خودش پنجه در یفکند، بتواند بر آنها غالب بشود، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ انقلاب ما تنها انقلابی است که این کار را توانسته است بکند، بعد از این هم باید بتواند بکند.

نوطنه‌های گسترده دشمنان برای از بین بردن انقلاب اسلامی

من به شما عرض بکنم، الان همه‌ی مراکز فکر و اندیشه‌ی سیاسی در دنیای استکبار - چه در آمریکا، چه در بعضی از کشورهای دیگر استکباری - متوجه این است که چه کار کنند که بتوانند این درخت را، درخت تناور را که يك روزی يك نهال باریکی بود و نتوانستند آن را از بین ببرند و حالا درخت تناوری شده، ریشه کن کنند، سرنگون کنند؛ همه‌ی همت این است. توجه کنید تا مطلب در ذهنها بنشیند. خبرهایی که ما داریم، تحلیل‌هایی که برای ما می‌آید از طرف‌های آنها که تحلیل‌های آنها را به ما منعکس میکنند، دائم در فکر این هستند که چه کار کنند این انقلاب را از بین ببرند؛ حالا این انقلاب هم به توفیق الهی، به همت شما مردم همین طور سرش را انداخته پایین و دارد به پیش میرود؛ روزه روز قوی تر، روزه روز پیشرفته تر.

ص: 232

همه ی همت آنان این است که این ماندگاری را يك جوری به هم بزنند؛ همه ی همت من و شما باید این باشد که این ماندگاری را افزایش بدهیم. از اول انقلاب دائم در فکر این بودند که این را از بین ببرند: جنگ تحمیلی به خاطر همین بود؛ جنگهای قومیتها در اطراف کشور به خاطر همین بود؛ محاصره ی اقتصادی به خاطر همین بود؛ تحریمهای شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند برای همین است؛ تشکیل گروه های تکفیری در شرق و در غرب کشور ما همه برای همین است که این انقلاب را از بین ببرند، این ماندگاری را که برای اینها بسیار بهت آور و سخت و دردآور است، از بین ببرند؛ همه ی همتشان این است.

اغتشاشات سال 88؛ از ابتکارات آمریکایی ها برای از بین بردن انقلاب

هر روز هم يك ابتکاری درست میکنند؛ این کارهایی که در سال 88 کردند، از ابتکارات جدید بود که ابتکار آمریکایی ها بود. البته در چند جای دیگر تجربه کرده بودند، مخصوص ما نبود؛ در چند کشور دیگر این را تجربه کرده بودند، بعد آمدند همین تجربه را در کشور ما پیاده کنند که آن جور تودهنی خوردند. این ابتکار این بود که به بهانه ی انتخابات، در يك کشوری که حالا در آن انتخابات هست و فرض کنیم يك دولتی سر کار است که مورد قبول آمریکا نیست و منافع آمریکا را آن چنان که آنها دلشان میخواهد تأمین نمیکند، انتخاباتی کرده اند و این دولت رأی آورده است؛ بعد بیایند آن اقلیتی را که رأی نیاورده است بکشانشان داخل میدان، بیاورند در خیابان. و برای اینکه این اقلیت را برجسته کنند و دیده شود، يك رنگی را مشخص میکنند؛ ارغوانی، گلی، سبز و مانند اینها؛ آنچه به ما رسید سبزش بود که قبل از آن در جاهای دیگر، رنگهای قرمز و نارنجی و مانند اینها را درست کرده بودند که آن اقلیتی را که رأی نیاورده است با [این] ترفند بکشانشان داخل خیابان. [چون] مردمند دیگر - واقعاً هم مردمند؛ منتها مردمی هستند که

نامزد مورد نظر آنها رأی نیاورده است؛ در مردم بودنشان شکی نیست - هر جا باشند، ایستادگی کنند؛ آنها هم مرتب کمک کنند و اگر لازم شد پول بدهند، کمک سیاسی کنند، اگر لازم شد حتی سلاح به دست آنها بدهند تا نتیجه ی انتخابات را به هم بزنند. این کار را در چند کشور انجام دادند و موفق شدند؛ آمدند اینجا هم انجام بدهند، خوب نتوانستند؛ اینجا هم عین همان قضیه بود.

فتنه ی سال 88؛ يك کودتای رنگی ناموفق

البته دوستان ما آن اوقاتی که این قضایا اتفاق افتاد، به بنده مرتب توصیه کردند که اسم انقلاب رنگی را نیاورم؛ من هم چون معتقد به مشورت - بالا-خره مشاورین نظر دارند و اهل فکرند - اسم انقلاب رنگی نیاوردم اما خوب انقلاب رنگی بود؛ در واقع کودتای رنگی، يك کودتای رنگی ناموفق. خوب این خیلی مهم است؛ این اتفاقی که در کشورهای دیگر - در چهار پنج کشور - آمریکایی ها با پول، با امکانات انجام دادند و موفق شدند؛ در جمهوری اسلامی موفق نشد؛ باینکه پشتیبانی کردند.

حمایت رئیس جمهور آمریکا از آشوبگران در سال 88

رئیس جمهور آمریکا اندکی قبل از آن قضایا به بنده نامه نوشته بود - نامه ی دوم - و کلی اظهارات موافقانه با بنده ی حقیر و با نظام جمهوری اسلامی [کرده بود]؛ بنده هم قصد داشتم جواب بدهم و نمیخواستم جواب ندهم؛ بعد که این قضایا اتفاق افتاد، سریعاً موضع گیری کرد به نفع همان کسانی که علیه نظام، علیه انقلاب، علیه اسم اسلام در جمهوری اسلامی در خیابانهای تهران ظاهر شدند و تمام کارهایی را که مخالفین کردند، مورد تأیید اینها قرار گرفت؛ البته بیشتر از این میخواستند بکنند، نتوانستند. حالا هم يك عده از مخالفین رئیس جمهور فعلی آمریکا میگویند شما در سال

88 حمایت کامل نکریدید از آن کسانی که علیه جمهوری اسلامی بودند؛ ولی چرا، حمایت کردند؛ منتها خب ملت ایران بموقع حرکت کرد، بموقع وارد صحنه شد، کار درست را انجام داد.

وظیفه ی همگان برای حفظ ماندگاری انقلاب

غرض این است که این ماندگاری مسئله ی مهمی است؛ این ماندگاری را بایستی به عنوان يك هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تأمین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست، آن عناصر را باید تك تك ما تأمین کنیم، همه ی ما باید تأمین کنیم. البته این را عرض کردم که تحلیل آن به عهده ی شما جوانها است. این دوره ی بعد از قضایای مذاکرات هسته ای را خود آمریکایی ها اسم گذاری کرده اند: «دوره ی سخت گیری بر ایران»، سخت گیری باید بکنیم؛ خیلی خب، حالا سخت گیری که بیشتر از سخت گیری های گذشته نیست. جوانان ایران، ملت ایران، مسئولان کشور بایستی آگاهانه، هشیارانه، امیدوارانه، با شهامت، با توکل به خدای متعال، با تکیه ی بر نقاط قوت فراوانی که دارد، در مقابل دشمنی دشمنان بایستند؛ این خیلی مهم است. هر لحظه ای وظیفه ای هست، آن وظیفه را باید شناخت و بایستی انجام داد. (1)

ص: 235

قد بدت البغضاء من... آل عمران 87...118

إن الذين تولّوا منكم... آل عمران 128...155

كالذي استهوته الشيطان... انعام 231...71

والذين اتخذوا مسجداً... توبه 108...17

فأعقبهم نفاقاً في قلوبهم... توبه 128...77

عليه حقاً في التّوراة... توبه 215...111

فأما الزّبد فيذهب جفاء... رعد 101...17، 132، 155

أن أخرج قومك من... ابراهيم 7، 5...5

فلنحييته حياةً طيبةً... نحل 187...97

إنّ الله يدافع عن... حج 164...38

لولا إذ سمعتموه... نور 133...12

ثمّ كان عاقبة الذين... روم 127...10

فانتقمنا من الذين أجرموا... روم 214...47-216

الذين يبلغون رسالات... احزاب 123...39

أمّن هو قانتٌ أثناء الليل... زمر 111...9

فبشّر عباد الذين يستمعون... زمر 17 _ 140...18

ان تنصروا الله ينصركم.. محمد (ص) 39...7

و تواصلوا بالحقّ و تواصلوا... عصر 128...3

أنتم الطلقاء.. _ 6

العقل ما عبد به الرحمن... _ 105

فی فتن داستهم بأخفافها... امام علی (ع) 80

أثما بدء وقوع الفتن... امام علی (ع) 137، 178

فلو أنّ الباطل خالص من... امام علی (ع) 178

فهنا لك يستولى الشيطان... امام علی (ع) 137

ولكن يؤخذ من هذا... امام علی (ع) 137، 149، 178

الا ولا يحمل هذا العلم... امام علی (ع) 110، 226

وإنّ اخا الحرب... امام علی (ع) 188

و من نام لم ينم عنه... امام علی (ع) 106

كن فی الفتنة كابن اللبون... امام علی (ع) 135، 136

نفرّ من اصحاب عبدالله... _ 136

أنا قد شككنا فی هذا... _ 136، 148

ص: 238

نمایه ی موضوعات

بر قدرت: 29

ابطال انتخابات: 52

اتحاد امت اسلامی: 30، 71، 97، 101، 130، 207

اتحاد ملی: 66، 68، 69، 70-72، 74، 188، 201

احساس وظیفه: 109، 130، 197

اردو کشی خیابانی: 88، 89، 214

استقلال: 30، 32، 35، 99، 103، 145

استکبار: 31، 35، 36، 38، 73، 90، 97، 103، 138، 142، 145، 150، 156، 160، 161-163، 165، 170، 182، 183، 194، 221، 224، 232

اسلام: 29، 30، 34، 44، 93، 125، 131، 132، 137، 147، 148، 150، 151، 153، 159، 165، 169، 183، 187، 194، 197

اصل انتخابات: 89، 90، 140، 142

اغتشاش (خرابکاری): 45، 59، 60، 69، 70، 96، 97، 103، 104، 148، 149، 154، 171، 172، 201، 204

اغتشاشات 18 تیر 194: 78، 195

اغتشاشات در عاشورای 192: 88، 195، 199

اغتشاشات سال 192: 78، 214

اغتشاشات سال 45: 82، 46

افراطی گری: 86

افسران جوان جنگ نرم: 119، 120، 121

امت اسلامی: 30، 90، 162

امنیت انتخابات: 61، 200

امید به آینده: 122، 147، 181

انحراف شخصی: 127، 128، 132

انسان فرهنگی: 123

انسان هنری: 123

انقلاب اسلامی: 29، 31، 34، 38، 41-43، 51، 69، 82-84، 93، 96

ص: 239

،184 ،172 ،171 ،166 ،164 ،163 ،161 ،160 ،158 ،156 ،151-154 ،150 ،148 ،145 ،132 ،131 ،125 ،124 ،108
232-235 ،227 ،225 ،224 ،221 ،220 ،219 ،213 ،197 ،193-196 ،191 ،187 ،186

انقلاب مخملی (رنگی): 91، 233

آبروی ملی: 54

آزادی خواهی: 35

بازاریها: 201

بازشماری آرا: 68، 85، 205

بالترین نصاب: 62، 68، 79، 84، 96، 102، 131، 140، 200

بدعتهای غیرقانونی: 85، 89

براندازی: 42، 179، 224

بصیرت: 107، 110-113، 118، 121، 136، 137، 144-146، 156-158، 160-162، 165، 173، 176، 178، 180، 183،
192، 196، 202، 204، 214، 215، 216، 221، 222، 225-227

بی بصیرتی: 110، 112، 113، 123، 137، 225

بی بندوباری: 30

بیداری اسلامی: 36، 38

پذیرش نتیجه ی انتخابات: 230

پشتوانه ی مردمی نظام: 58، 66، 73، 76، 165، 193، 200

پولشویی: 84

پیشرفت: 34، 37، 38، 116، 138، 166، 181، 187، 194، 210

پیوند حوزه و دانشگاه: 153

تاریخ سازی: 125

تبلیغات انتخاباتی: 139

تبلیغات دشمن: 31، 43-45، 52، 53، 57، 64، 75، 96، 99، 102، 103، 117، 124، 140، 156، 161، 163، 172، 176،
178، 197، 226

تحریم اقتصادی: 42-45، 232

تحریم داماتو: 42

تحریم: 34، 163، 164

تخریب خیابانی: 91، 103، 171، 172، 201

ترور: 88

تسلیم ناپذیری: 30

تغییر جهت گیری: 179

تقوا: 128، 173، 191، 212، 223

تکیه بر قوت داخلی: 235

توده ای: 150، 160

تهدید نظامی: 44، 45، 46

تهمت تقلب: 76، 84، 214، 230

جبهه ی جنگ: 112

جذب حداکثری: 126، 152

جمهوریت نظام: 131، 132، 170، 224

جناح بازی: 231

جنگ داخلی: 171

جنگ روانی: 44، 62، 64، 112، 113

جنگ نرم: 119، 120، 121، 124، 144، 184، 194

ص: 240

حرکت علمی: 119، 122

حضور چهل میلیونی در انتخابات: 66، 68، 74، 84، 89، 90، 96، 100، 102، 107، 131، 169، 170، 176، 206

حضور فعال در انتخابات: 54، 55، 57، 60، 62، 69، 72، 76، 90، 102، 169، 184

حقّ الناس های انتخاباتی: 229-231

حقوق بشر: 92، 164

حکومت اسلامی: 147، 166

حکومت پادشاهی: 39، 41، 43

حماسه ی 9 دی: 156-158، 161، 162-164، 166، 172، 173، 182، 185، 188، 192، 193، 195، 197-199، 208،

216، 219، 220، 221

حماسه ی انتخابات 22 خرداد: 63، 69، 84، 130

حیات طیبه: 187

خبرگان: 58، 136، 166، 191، 229

خبرگزاریهای خارجی: 69

خشم دشمن: 138

خطّ امام: 131، 152، 191

خطای محاسباتی دشمن: 33، 34، 41، 91، 98، 99، 108، 117، 162، 185، 200

خوارج: 111

دانشجوی مومن: 88، 118

دفاع از دولت: 50، 51، 118

دفاع مقدس: 99، 163، 173، 184، 185، 219

دفع حداقلی: 126، 152

دولتهای دست نشانده: 29، 40، 41، 98

دولتهای مستقل: 129

دیکتاتور: 31، 89

رابطه با آمریکا: 39

راهپیمایی 22 بهمن: 33، 161، 162، 165، 166، 172، 173، 188، 192، 193، 195، 208، 220

راهپیمایی 23 تیر 162: 78، 192، 195

راهپیمایی روز قدس: 130، 150، 151، 192، 193، 195

رزمایش فتنه ی 88: 122

رسانه های صهیونیستی: 77، 78، 90، 96، 134، 160، 163، 209

رسانه ی ملی: 63

رشوه: 179

روزه خواری علنی آشوبگران: 151

زلزله ی سیاسی: 75

سازمان بسیج: 88، 103، 115

سرویس های جاسوسی: 91، 103

سریال کره ای: 125

سلامت انتخابات: 50، 52، 57، 65، 76، 85، 89، 151، 212، 213، 228

سلطنت طلب: 150، 160، 173

سوسیالیست: 161

سیاه نمایی: 80

ص: 241

شایعات انتخاباتی: 61

شایعه پراکنی: 126، 127، 146

شبهه افکنی: 113، 144، 146

شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی: 150

شعار مرگ بر اسرائیل: 141

شعار مرگ بر آمریکا: 141، 209

شناخت دوست و دشمن: 100، 112

شنبه ی بعد از انتخابات: 63

شورای نگهبان: 60، 65، 67، 68، 85، 95، 127، 146، 203، 205-208

شورای هماهنگی تبلیغات: 163، 198

ضدانقلاب: 179، 223

عافیت طلبی: 178

عدالت اجتماعی: 83

عصر امام خمینی: 29

عقب نشینی: 142

عقل: 105

عناصر نامطمئن: 223

عنصر دست نشانده: 117، 145

غیرت دینی: 157، 161

فتنه (اغتشاشات بعد از انتخابات 88): 46، 100، 120، 122، 123، 129، 135، 136، 142، 146، 147، 149، 158، 170، 173، 176-185، 187، 192، 188، 194، 195، 198، 199، 201-204، 206، 208، 209، 211-214، 220-224، 225، 230

فتنه گران: 182، 183، 185، 195، 198، 197، 203، 222، 223

فرمانده ی جنگ نرم: 121

فرهنگ اسلامی: 30

فرهنگ غرب: 30

فساد مالی: 83، 84

فساد و فحشا: 43

فلسفه بافی: 149

قانون اساسی: 98، 125، 127، 146، 201، 204، 213

قانون، فصل الخطاب: 87، 203، 205-208، 211

قانون شکنی: 148، 149، 207، 211، 212

قتل عام: 41

قدرت الهی: 38، 44، 158، 164، 165، 184، 185، 195، 201

قدرت تحلیل: 122

قدرتهای غربی: 31، 36، 73، 75، 173

قطعنامه ضد ایرانی: 39

قیام 19 دی: 157، 158، 214، 215، 219، 220

قیام تنباکو: 35

قیام مشروطیت: 35

کودتاها بر ضد انقلاب: 235

کودتا در پایگاه شهید نورژه: 41

گروه های تکفیری: 232

لبخند دشمن: 138، 146، 151

ص: 242

لجاجت: 178

لغزش مسئولین: 128، 132

لیبرال: 161

لیبرال دموکراسی (دموکراسی ظاهری): 38، 52، 74، 75

ماندگاری انقلاب اسلامی: 232، 234

مخفی بودن رای رهبری: 50، 60

مردمسالاری دینی: 38، 62، 66، 75

مساله ی هسته ای: 90، 224

مشروعیت نظام: 76، 169

مکاتب الحادی: 35

ملت‌های مستقل: 153، 224

ملت‌های مظلوم: 129

مناظره: 59، 77، 79، 80، 81، 83، 210

نامزدهای متمرد: 78، 87، 151، 177، 184، 230

نامه ی هشت ماده ای: 83

نصرت الهی: 44، 62، 185، 215

نظام جمهوری اسلامی: 29، 32، 34، 39، 40، 42، 43، 66، 68، 70-85، 87، 89-92، 96-100، 102، 106-109، 113،

116، 118، 119، 122، 125-127، 129، 130، 132، 134، 137، 138، 140-143، 149، 150، 153، 154، 163-166،

170، 173، 176-178، 183، 184، 186، 188، 191-194، 197، 200، 203-205، 208-210، 212، 220-225

نفاق: 120، 128

نفوذ انقلاب: 31، 34

نفوذ دشمن: 88، 184

تقاب دیپلماسی: 87

نماز جمعه 29 خرداد: 70، 81، 141

نهضت اسلامی: 30، 43، 82

وصیت نامه ی امام (ره): 87، 125

وظایف مسئولان: 235

ولایت فقیه: 147

همه پرسى سال 58:74

هنر خوب: 125

يوم الله: 188

ص: 243

17 شہریور: 40

امام حسین علیہ السلام: 114، 157، 158، 185، 186، 199، 220، 223

احمدی نژاد، محمود (رئیس جمہور منتخب): 62، 65، 69، 77، 81، 83، 84، 101، 109، 118، 131، 132

اربعین: 219

اروپا: 36، 41، 90-92، 127

افغانستان: 33، 86، 92

امام خمینی (رہ): 29، 31، 32، 45، 75، 82، 87، 108، 124، 125، 131، 132، 148-155، 158، 160-163، 165، 173،

191، 194، 195-197، 204، 215، 223، 227

امیرالمومنین (علیہ السلام): 106، 110، 111، 136، 137، 147، 148، 149، 159، 160، 177، 179، 186، 188، 226

انتخابات 22 خرداد: 73، 75، 84، 96، 139، 169، 170، 172

انگلیس: 30، 51، 78، 84، 87، 117، 129، 134، 150، 160، 169، 172، 173

اوباما (رئیس جمہور آمریکا): 91، 224، 234

اوکراین: 33

ایران: 29، 33، 38، 39، 43، 44، 52، 58، 90، 91، 96-101، 106، 107، 117، 129، 130، 138، 142، 143، 149، 152،

156، 161، 164-166، 169، 171-173، 177، 181-186، 188، 192، 193، 197، 199، 201-203، 212، 216، 220،

221، 224، 227

آسیا: 31، 36، 41

آفریقا: 31، 36، 41

آمریکا: 30-33، 37، 39، 41-45، 51، 78، 90-92، 117، 129، 142، 143، 145، 150، 160، 161، 163، 164، 172،

173، 183، 203، 224-226، 233-234

ص: 244

آمریکای لاتین: 31

آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای: 32، 82، 95، 118، 175، 223

بنی امیه: 159، 160

بنی هاشم: 160

بهشت زهرا (علیها السلام): 191

بهشت: 111

پاکستان: 33، 86

پهلوی، محمدرضا: 40، 99

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): 30، 110، 147، 159، 160

تهران: 45، 46، 52، 103، 117، 130، 172، 192، 194، 195، 201، 210

جتّی، احمد: 198

جنگ احد: 159، 160

جنگ بدر: 147، 159، 160

جنگ جمل: 111

جنگ صفین: 110-113، 136، 159

جنگ نهروان: 111

غرب آسیا (خاورمیانه): 86، 90

خاندان پهلوی: 220

خیابان ایران: 161

دولت دهم: 176

رایس، کاندولیزا: 45

رژیم صهیونیستی: 30، 51، 92، 150، 225

رضایی، محسن: 69، 77

روحانی، حسن (رئیس جمهور منتخب): 210، 224

روز 29 بهمن: 220

زینب کبری (سلام الله علیها): 219

ژاپن: 43

ژنرال قره باغی: 41

ژنرال هایزر: 40، 41

سازمان سیا: 44

سفارت آمریکا (لانه جاسوسی): 39، 40، 42

سوریه: 33

شام: 159، 219

شاهنامه: 125

صدام حسین: 41، 99

صداوسیما: 139

طبس: 42

عراق: 33، 42-45، 86، 92

عمّار یاسر: 112، 113، 136، 159

عمرو عاص: 159

غزه: 33

فرانسه: 150

فرقه ی داودی: 92

فلسطین: 30، 92، 129، 150، 224

قرآن: 30، 35، 111، 127، 128، 133، 140، 158، 159، 160، 215

قم: 144، 157، 158، 214، 215، 219

کارون: 43

ص: 245

کتاب آیات شیطانی: 30

کربلا: 219

کروی، مهدی: 69، 77

کلینتون: 45، 92

کوفه: 219

کوهن، دیوید: 33

کوی دانشگاه: 88، 115، 116

کهریزک: 115، 116

گرجستان: 91

لارستان: 35

لاریجانی، صادق: 175

لبنان: 33، 92

ماه رمضان: 151، 193

متوکل عباسی: 220

مجلس شورای اسلامی: 53، 58، 78، 229

مسجد ضرار: 108، 120

معاویه: 112، 159

موسوی، میرحسین: 64، 66، 69، 77

ناطق نوری، علی اکبر: 82، 83

نظارت استصوابی: 229

نیروی انتظامی: 63، 88، 103، 115

وزارت کشور: 63، 67، 68، 146

ولیعصر (عجل الله فرجه الشريف): 72، 74، 93، 166

هاشمی رفسنجانی، اکبر: 82، 83، 135

هاشمی شاهرودی، محمود: 136

ص: 246

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

